

اسناد پلنوم وسیع فروردین ۶۵

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

www.iran-archives.com

www.iran-archive.com

* اسنادپلنوم وسیع فروردین ۱۳۶۵ کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

* انتشارات سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت)

* چاپ اول مهرماه ۱۳۶۵

* بها ۸۰ ریال

فهرست مطالب

- اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره
برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۵
- گزارش هیات سیاسی به پلنوم وسیع
کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق
ایران (اکثریت) ۹
- درباره سیاست و برنامه سازمان
فداییان خلق ایران (اکثریت) در سالهای
۶۱ - ۱۳۵۷ ۳۸
- درباره فعالیت سازمان در میان د و
پلنوم ۵۱
- طرح استراتژی و تاکتیک سازمان
فداییان خلق ایران (اکثریت) برای
انقلاب ملی و دموکراتیک ایران ۵۹
- قطعنامه وسیع کمیته مرکزی سازمان
فداییان خلق ایران (اکثریت) درباره
وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش
کمونستی و کارگری ایران ۶۲

- ۶۳ قطعنامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی
در باره تدارک کنگره سازمان فدا بیان
خلق ایران (اکثریت)
- ۶۴ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
به مردم ایران
- ۶۷ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
به اعضاء و هواداران
- ۷۱ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
به نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان
- ۷۳ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
به زندانیان سیاسی
- ۷۵ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
فدا بیان خلق ایران (اکثریت) به
کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
- ۷۶ پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان
فدا بیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته
مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دربارۀ پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کارکنان دعوت شده از سوی هیات سیاسی تشکیل گردید و در محیط همفکری و بررسی خلاق مسائل و وظایفی را که در دستور داشت به روز مندا نه به انجام رساند. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع کمیته مرکزی و تصمیمات آن نیروبخش فدائیان خلق و همه بنیروان راستین سوسیالیسم علمی در بیگار علیه رژیم پلید خمینی و امپریالیسم جهانی خواهد بود. پلنوم با استماع گزارش هیات سیاسی که توسط رفیق فرخ نکهدار ایرا دگردیدگار خود را آغاز کرد، وظایف اصلی در دستور کار پلنوم عبارت بود از:

الف - بررسی گزارش هیات سیاسی و تصویب قرار

انتشار آن .

گزارش هیات سیاسی مشتمل بود بر فصول زیر:

- ۱ - گزارش مختصر درباره اوضاع جهان و منطقه
- ۲ - گزارش وضع کشور
- ۳ - گزارش فعالیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان

دربارۀ دو پلنوم

۴ - گزارش درباره امکان برگزاری نخستین

کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ - گزارش کار کمیسیون های برابری و مساوات

پلنوم در این بخش از دستور کار خود

وظایف سازمان در پیشبرد مبارزه انقلابی علیه

ارتجاع و امپریالیسم و در راه تحقق آماج های

رهایی بخش طبقه کارگر ایران را دقت بخشید و برای

بهروزیهای تازه راه گشود.

ب: بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی

سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا

۱۳۶۱.

پلنوم اسناد رایج شده در زمینه بررسی سیاست

و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۵۷ را

مورد بررسی قرار داد و پس از املاحت لازم به تصویب
رسانند. پلنوم با تصویب یک رشته تفریقات مهم در
زمینه تحلیل اوضاع کشور و ارزیابی از سیاست و
خط مشی سازمان در هر مقطع، درباره یکی از
مهمترین دوره‌های فعالیت و تحولات انقلابی سازمان
(سالهای ۵۷ تا ۶۱) قضاوت نمود و قرار نوشتار
آنها را صادر کرد.

پلنوم در این قضاوت خلاق خود، فدا بیان خلق
را به تسخیر آینده، به تجهیز هر چه بیشتر خود به
مارکسیسم - لنینیسم و جستجوی راه‌های موثرتر
تکمیل پیوند سازمان با طبقه کارگر و زحمتکشان
ایران فراخواند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان سپس امر خطیر وجودت
جنبش کمونیستی و کارگری ایران را مورد بررسی قرار
داد.

پلنوم برای مبارزه در راه وحدت جنبش
کمونیستی و کارگری ایران، بویژه در وضعیت فعلی
جنبش دموکراتیک و فدا مبریا لیستی ایران اهمیت
فوق العاده قابل شد و با صدور قطعنامه‌ای جامع
وظایف سازمان در این عرصه را تصریح کرد.

نظریه اهمیت ترمیم مواضع سازمان در زمینه
تحلیل مرحله انقلاب ایران و استراتژی و تاکتیک
مادر این مرحله از مبارزه، پلنوم وسیع در این مورد
بطور جداگانه قطعنامه‌ای صادر کرد.

پلنوم در این بخش، وظایف سازمان در مبارزه
بخاطر صلح و دموکراسی و برای سوسیالیسم را در دست
بخشید و با وضوح تازه وظایف سازمان مادر را تعیین
اتحاد همه نیروهای دموکراتیک و فدا مبریا لیستی
را برای سرنگونی رژیم تعیین کرد.

در طول جلسات پلنوم هر یک از اعضای کمیته
مرکزی و مدعوین وقت معینی برای سخنرانی داشتند
و از این طریق در زمینه‌های مختلف پلنوم وسیع
را در جهت انجام وظایف خود باری دادند. پلنوم
در فضای ایدئولوژیک و سیاسی بسیار فعال و مشارکت

موثر همه شرکت کنندگان برگزار گردید.

در پایان پلنوم، انتخابات برای برگزینی
اعضا و مشاورین تازه کمیته مرکزی و به دنبال آن
انتخابات برای گزینش اعضای هیات سیاسی و هیات
دبیران و دبیر اول کمیته مرکزی و مسئول کمیسیون
کنترل مرکزی صورت گرفت. پلنوم مجدداً رفیق
فرخ نگهدار را به عنوان دبیر اول کمیته مرکزی
برگزید.

پلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ کمیته مرکزی
سازمان فدا بیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی
برگزار شده رژیم ترور و اختناق خمینی پیسداد
می‌کند. برگزاری این پلنوم وسیع مشت محکمی
بود بر دستان پادشاهان و رژیم که مدعی غلبه
جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما هستند. پلنوم

پیوند میان دستگاره رهبری و تشکیلات را مستحکم تر
کرد. پلنوم نیروی فداییان خلق را در مبارزه علیه
رژیم خمینی تقویت کرد. پلنوم بی گمان یک
نقطه عطف در حیات انقلابی سازمان ماست. امروز
فداییان خلق ایران در هر کجا که باشند تیر و منتهن
از پیش و با ایمانی و لاترنسبت به سازمان را اهداف
و آرمان های انقلابی خویش، با همه هستی خود در
راه تحقق تصمیمات و آماج هایی که پلنوم فراروی
سازمان قرار داده است، تا به آخر خواهند رزمید.

با ایمان به پیروزی راهمان

دبیرخانه

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

www.iran-archive.com

گزارش هیأت سیاسی به پلنوم وسیع

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا!

تشکیل پلنوم وسیع کمیته مرکزی با شرکت همه اعضای کمیته مرکزی و کادرهای فعال تشکیلات سازمان در مناطق مختلف کشور و نیز خارج از کشور موفقیت تازه و بزرگی است که جنبش کمونیستی و کادرگری ایران در پی یکبار علیه رژیم پهلیدهاگم بدست آورده است. تشکیل پلنوم در شرایط ضرورت و اغتنام این پلنوم وسیع و نقش و تاثير مصوبات آن را بر سرشونت مبارزه آتسی چندین برابری کند. تشکیل پلنوم وسیع کنونی نتیجه فعالیت پیگیر دستگا رهبری و کادرهای سازمان و نیز مشراییستادگی و رزم دلیرانه فداییان خلق در سراسر کشور در زندانهای مخوف خمینی است. در سپاس و ستایش از این رزم و ایستادگی، به رزمندگان پاک باخته و شجاع فدایی خلق که در گریه بکارنا برابری رژیم خون آشام خمینی هستند و دلورانسه علیه آن می رزمند و رفقای که در زندانهای خمینی و در زیر شکنجه و شکنجه های آن و در میادین اعدام با سرافراشته و قامت استوار از کمونیسم و اشتراکسولیس و از شرف انسانی و از پیمان فداییان با خلق ایران دفاع می کنند، درودهای آتشین می فرستیم.

رفقا!

همانطور که اطلاع دارید در فاصله سه سال اخیر رژیم جنایت پهلیدهاگم کمیته عدهای از رفقای قهرمان ما، از اعضای دربند کمیته مرکزی و کادرهای فعال فدایی خلق را زیر شکنجه و یادرهای جوخه اعدام و شکنجه به شهادت رساند که از آن جمله اند رفیق محمدرضا غیرایی عضو مشا و رهبات سیاسی، رفیق رهبالدین تاجبان عضو مشا و کمیته مرکزی و دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)، رفیق قربانعلی مودنی پور عضو مشا و کمیته مرکزی و دبیر کمیته ایالتی اصفهان و شیراز و رفقای رزمنده و بیکار و جوخه ادره های رزمنده و پراسابقه فدایی خلق، محمد امین شیرخانی، تقی قانع خشکبیاری مرتضی میثقی، جها تکیور بهتاجی سیا هکل محله، منصور پورجم، بیژن مجلد نویی، ابراهیم لطف اللهزاده این رفقا همگی با مقاومت دلیرانه و حماسی در زیر شکنجه در برابر دژخیمان با سرافراشته ایستادند و آنان را در برابر ادره پولادین خویش زیوناته به زانو افکندند، اسرار خلق را در سینه محفوظ داشته و جان پاک خویش را بر سر عهد و آرمات شریف خویش نهادند. هم اکنون نیز زندگی رفیق انوشیروان لطفی عضو مشا و رهبات سیاسی کمیته مرکزی و عدهای از اعضای کمیته مرکزی و کادرهای سازمان که در زندان رژیم اسپر شده اند در خطر است. در همین دوره عدهای از رهبری و اعضا حزب توده ایران نیز با شکنجه با اعدام جان باخته اند که رفیق تقی کیمنش عضو هیات سیخ حزب توده ایران که در برابر شکنجه های و شکنجه رژیم دلیرانه ایستاد و به شهادت رسید و رفقا قزلجه و علوی اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران از آن جمله اند. در همین دوره رفیق مهرداد پاکزاد از گروه منشعب سازمان (پيروان بیانیه ۱۶ آذر) رفیق علیرضا شکیبی عدهای از فداییان سازمان در کرمان انقلابی ایران (راکرا) و دیگر گروهی از مسئولین و فعالین حزب دموکرات کردستان ایران و صدها مبارز انقلابی دیگر در راه رهایی خلق بدست دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند. ما از این تربیون همه سازمانها،

محققان ، شخصیت های آزادبخواه ملی و بین المللی را به تلاش برای نجات زندگی همه زندانیان آزاده و قیمن پرست ایران از خطر مرگ و محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی فراموش نکنیم ، بکنون و سخن همه فدائیان خلق را به پرکردن جای خالی شهدای فدایی و سرمشق قرار دادن زندگی و جانبازی آنان فراموش نکنند .

بپاخیزیم و به ایستادگی حماسی و جانبازی رفقای شهید . وزندانی سرکشی فرود آوریم و به احترام قهرمانی های شهیدان خلق یک دقیقه سکوت کنیم .

درباره اوضاع جهان و منطقه

رفقا!

شیرینی سخت و سرنوشت ساز بین نیروهای امپریالیسم و ارتجاع که ستم و رنج روزافزون و بیامیزگاری از جنگ جهانی را به بشریت تحمیل می کنند با نیروهای صلح و استقلال ، دموکراسی و سوسیالیسم که برای انسانها میسر و نیکیبختی را به ارمغان می آورند ، جاری است . نبرد برای حفظ تمدن بشری در برابر خطر هولناک جنگ هسته ای و مسابقه تسلیحاتی لگام گسیخته و محو فقر و استعمار را ز زندگی انسانها .

امپریالیسم آمریکا در ارتجاع جهانی است و برای وارد آوردن "ضربه اول" به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به اقدامات دیوانه وار متوسل می شود . دولت ریگان بعد از استقرار موشکهای هسته ای میان برادر آمریکا علیه اتحاد شوروی در خاک اروپا اکنون برای تکمیل آن برنامه "جنگ ستارگان" یعنی گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا را در دستور قرار داده است ، و واشنگتن می خواهد با راه انداختن برنامه "جنگ ستارگان" توازن نظامی استراتژیک موجود در سطح جهان را بسودا امپریالیسم برهم زده و به برتری نظامی ناشل آید ، تا بدین وسیله مواضعی را که جا برانه کسب کرده است ، حفظ نموده و مواضعی را که نظام دوسیمده سرمایه داری در زنده کنونی از دست داده است دوباره به جنگ آورد و سیاست امپریالیسم را بر جهان تا مین کند .

برنامه "جنگ ستارگان" محصول آمیختگی جنون میلیتاریستی و آزو طمع سوداگران مرگه نتیجه اتحاد دولتهای پنتاگون و مجتمع های نظامی صنعتی است . این طرح که به تخمین مطبوعات آمریکا هزینه ای معادل هزار میلیون دلار خواهد داشت ، سودهای نجومی نصیب انحصارات تسلیحاتی آمریکا می کند .

ریگان با گسترش مسابقه تسلیحاتی ، اقتصاد آمریکا را هر چه بیشتر به سوی نظامی شدن سوق می دهد و سال به سال بر بودجه نظامی آن می افزاید ؛ این بودجه از ۸۰۴ میلیارد دلار در فاصله ۶ سال ۸۳ - ۱۹۷۸ به ۲۰۵۱ میلیارد دلار در فاصله ۸۸ - ۱۹۸۳ یعنی به دو برابر و نیم افزایش خواهد یافت . نیروهای صلح دوست جهان در سال گذشته جشن های پر شکوه چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری را به عرصه مبارزه علیه جنگ افروزان تبدیل کردند ، مردم در سراسر جهان در تظاهرات گسترده خشم و نفرت نشان رنج افروزان کردند و جهانی صلح میزواران از جنگ را خواستار شدند . این خواست انسانیت در مراسم سازمان ملل متحد به نسبت چهلمین سالگرد آن بازتاب گسترده ای یافت . ۱۵۹ کشور سال ۱۹۸۶ را بعنوان "سال صلح" اعلام کردند ، در بنیامیه مشترک این کشورها بر ضرورت جلوگیری از جنگ جهانی سوم تاکید شد و از کلیه کشورها درخواست گردید که تمام تلاش خود را برای حفظ صلح جهانی بکار گیرند . کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی تلاشی گسترده ای برای مهار مسابقه تسلیحاتی و نجات بشریت از بلایه جنگ هسته ای انجام دادند ، اتحاد شوروی بطوریکه چنانچه همه آزمایش های سلاحهای هسته ای را به مدت شش ماه متوقف ساخت و از آمریکا خواست که به اقدام مشابه توسل جوید ، این مدت برای بار دوم تا سالگرد میلاد ان هیروشیما تمدید گردید ، ولی واشنگتن پاسخ مثبتی به درخواست اتحاد شوروی نداد .

میخا بیل گا ربا چف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسافرت خود به فرانسه، پیشنهادهای جدیدی مبنی بر کاهش سلاحهای هسته‌ای آرا به داد و بدنبال آن دردی ماه سال گذشته پیشنهادهای جامع تروجدی تری را اعلام نمود که برطبق آن سلاحهای هسته‌ای در سه مرحله و در طی ۱۵ سال آخر قرن جاری می‌بایست نابود گردد.

نخستین دیدار میان میخا بیل گا ربا چف و ریگان که در ژوئیه انجام شد از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود. ریگان که در چند سال گذشته جنگ صلیبی علیه کمونیسم و اتحاد شوروی راه انداخته است راجع به زیر فشار جنبش نیرومندی صلح به مذاکره تن داد. این ملاقات گرچه به توافق‌های مشخصی در باره خلع سلاح و بی‌ویزه سلاحهای هسته‌ای و فضای منجر نشد و به‌کارش میزان سلاحهای انباشت شده نیا نجامید، ولی بهر حال نتایج مثبتی به همراه داشت. سران دو کشور توافق و اعلام کردند که جنگ هسته‌ای نیا بدرگیرد و اولین مذاکرات مطرح شد که در جنگ هسته‌ای هیچ کس پیروز نخواهد شد. اتحاد شوروی و آمریکا می‌بایست بر پایه این حقیقت انکارنا پذیر و عدم تلاش برای کسب برتری نظامی، مناسبات خود را تنظیم کنند.

ولی رویدادهای چند ماه اخیر حاکی از آن است که دولت ریگان همچنان بر نامه‌های تسلیحاتی و بی‌ویزه نظامی کردن فضا و پهلو بردن ماه "جنگ ستارگان" را ادامه می‌دهد و به تمام تلاشهای مسئولان و پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی پاسخ منفی می‌دهد.

رفقا!

وضع انفجاری و مخاطره آمیز اوضاع جهانی را با پدر سیمای جذب امپریالیسم جهانی معا می‌رستجو کرد. سیمای جدید امپریالیسم جهانی پیش از هر چیز در این واقعیت نهفته است که یونیسفیت یعنی آن، آشکارتر از هر زمان دیگری تاریخ ترین زوایای سرمایه داری انحصاری - دولتی را بر عیان ساخته و ماهیت فمردمی و تقابل آن را با منافع و نیازهای توده‌ها به اثبات رسانده است.

در طی سالهای قبل از جنگ جهانی دوم دو خط مشی در روند سرمایه داری مشاهده می‌شد. خط مشی فاشیستی در کشورهای آلمان، ایتالیا، ژاپن و خط مشی بورژوا فرمیستی در کشور آمریکا در دوره ریاست جمهوری روزولت امروز نیز این دو خط مشی به مثابه دو گرایش استراتژی طبقاتی امپریالیستی در مبارزه علیه نیروهای دموکراسی و سوسیالیسم دیده می‌شود، یکی از آنها خط مشی میلیتاریستی افسارگسیخته و دیگری خط مشی است که با واقعیت‌های بحران عمومی سرمایه داری انطباق دارد.

در قلمرو سیمایست می‌توان این امر را در مواقع نیروهای میلیتاریستی در دهه اخیر در وی کارآمدن نیروهای دست راستی و میلیتاریست در آمریکا، آلمان غربی بریتانیا و ژاپن ملاحظه کرد. در عرصه اقتصادی نیز افزایش نقش مجتمع‌های نظامی - صنعتی و انحصارات فراملیتی در دهه اخیر این مسأله را بخوبی نشان می‌دهد.

مجتمع‌های نظامی - صنعتی در اوایل دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ به نیروی مسلط در کشورهای امپریالیستی تبدیل گشتند. بر نامه اقتصادی این نیرومدر نیز اسپون مداروم سلاحهای گشتا رجمعی و برنامه سیاسی آن افزایش مستمر تنش بین المللی و جنگ صلیبی علیه کمونیسم است. هم‌اکنون در آمریکا انحصارات تولیدکننده اسلحه، ژنرالهای نظامی، ماسوریست دولت و ارگانهای ایدئولوژیک در مجتمع‌های صنعتی - نظامی در هم آمیخته‌اند و به جدی ترین مجربان و سازمان دهندگان سیاستهای ماجراجویانه و تجا وز- گرانه تبدیل شده‌اند. اتحادشوم صاحبان کارخانجات مرگ و ارگانهای نظامی و اداری دولت آمریکا، تکیه‌گاه افراطی ترین نیروهای ارتجاعی و منبع دائمی و فزاینده خطر جنگ است.

خطر دیگر، گرایش به بین المللی شدن مجتمع‌های صنعتی - نظامی است که در همین اوایل دهه گذشته است. این مسأله در گرایش پیوستن انحصارات

"جنگ ستارگان" دیده می شود. فراموشی شدن مجتمع های صنعتی نظامی خطر شدیدی هر چه بیشتر سابقه تبلیغاتی، نشان دادن آن به فضای کیهان بی ثباتی تمامی اوضاع بین المللی و تشدید فاجعه هسته ای را بدنبال دارد. در حال حاضر تراکم تولید در کشورهای امپریالیستی به درجه کیفی بسیار جدیدی در سطح بین المللی رسیده است. سوده های برخی از صنایع بدون همگامی چندین صنعت ملی در چارچوب انحصار بین المللی امکان پذیر نیست. این روند در مورد صنایع بین المللی نیز پیش رفته است. گروه های سرمایتهای فرامیلتی سرمایه ملی و الیگارشی مالی سربرآورده و غولهای بین المللی صنعتی و بانکی در یکدیگر ادغام می شوند. می توان گفت که سرمایه داری انحصاری - دولتی در حال تحول به شکل فرامیلتی خود است.

انحصارات با رشد سریع میکروالکترونیک و کاربرد روبات ها (آدم هوشی) در تولید اذکوی تولید و مصرف انبوه به الگوی جدیدی که بر علم تکنوسی بوده و متضمن صرفه جویی در انرژی و مواد خام و نیروی کار است گام می نهند. روبات ها بخش از صنایع رشته های که رگوساختاری دارند، یعنی فلزکاری، صنایع اتومبیل سازی، نساجی و ماشین سازی بکار گرفته می شوند. به رگود افتادن منابعی که عموماً نیروهای عظیم کار را جذب می کنند منشا عمده بیکاری ساختاری در کشورهای سرمایه داری است. این رفته ها پایه سنتی جنبش سازمان یافته کارگری و سندیکا های نیرومند هستند. کاهش مطلق اشتغال در این رشته ها با به جنبش کارگری راضی کننده و کرده و امکان تحمیل شرایط نامناسب تر استفاده و دستمزدها زل تر را در مجموع برای طبقه کارگر فراهم می سازد.

در این باره در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است: "دنیا لگتیک شده است چنان است که همان و سالی که سرمایه داری با هدف تحکیم مواضع بیکار می گردد، ناگزیر به تشدید تمامی تضادهای عمیق منجر می گردد". این امر می توان در تعمیم بحران عمومی سرمایه داری، افزایش بی ثباتی اقتصادی و نیز در سایر عرصه ها مشاهده کرد. آنگاه رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری به گندی می گراید. بیکاری وسیع و مانع کار شده است. شمار بیکاران در این کشورها در پایان سال ۱۹۸۵ به ۲۵ میلیون نفر رسید. میانگین بیکاری در آمریکا از ۲/۴٪ در اواسط دهه شصت به ۷/۱٪ در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است. "رگودتوری" یعنی تورم به اضافه تولید کمتر از ظرفیت، در این کشورها گسترش یافته و بحران دوره ای عمیق تر گشته است. این کشورها با کسری عظیم بودجه و بدهی کلان دولتی مواجه هستند. آنچه در این مرحله در کشورهای امپریالیستی بطور بارز چشم می خورد، در آمیختگی بحران دوره ای و ساختاری است.

این سیاست های غارتگرانه موجب می شود که تضاد اشتراکونیستی میان انحصارات و اکثریت عظیم مردم کشورهای سرمایه داری عمیق تر شود. در کنار رابطه کارگر و روشنفکران، کارمندان اداری و حرفه ای، دهقانان، نمایندگان خرد بورژوازی شهری، اقلیت های ملی، جوانان و دانش آموزان هر چه فعالانه تر در مبارزه علیه استثمار و زورگویی چون آمیز انحصارات و برود سیاست ارتجاعی طبقات حاکم شرکت می جویند. مردم می خواهند که به میلیتاریزه کردن جامعه، سیاستهای تجار و گرانه، تبعیض نژادی و ملی، پایمال کردن حقوق زنان، فساد، شیوه های غارتگرانه انحصارات در بهره گیری از منابع طبیعی و محیط زیست خاتمه داده شود. این جنبش خودمختار دموکراتیک بطور عینی متوجه سیاستهای ارتجاعی امپریالیسم بوده و در سالهای اخیر نیرومندتر شده است.

تضاد بین کشورهای امپریالیستی در اشکال و گرایش های جدید تجلی می یابد. رقابتی که تحت تاثیر انقلاب علمی و فنی حدت گرفته است، آن کشورها بی راکه از غافله عقب افتاده اند، زیر ضرب می گیرد. پیچیدگی قابل ملاحظه شرایط تولید، سرمایه داری، گوناگونی روندهای بحرانی و شدت گرفتن رقابت بین المللی به رقابت امپریالیستی حدت و بی رحمی بخشیده است. در سالهای

اغیر شوریدین سه مرکز اصلی امپریالیسم کنونی - آمریکا، اروپای عربی و ژاپن - در عرصه های گوناگون از جمله تجارت خارجی و مناسبات پولسی تشدید شده است.

رفقا!

در کتا و نظام پوسیده سرما به داری که با تنگناهای بحرانهای ساختاری و دهرهای و فسادهای حادث به گریبان است، نظام سوسیالیستی پیش از پیش شکوفا ترمی شود و بر حقا نیت و حیاتی بودن مارکسیسم - لنینیسم مهترتا بید می گذارد. تحولات جدی که در کشورهای سوسیالیستی جاری است نشان از گشایش افق های باز هم گسترده تری را دارد. این امر را می توان بطسور برجسته در بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مشاهده کرد. بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی رویداد برجسته و پسر اهمیت برای مردم اتحاد شوروی و تمام نیروهای ترقیخواه جهان است. در این کنگره متن جدید برنا مه حزب کمونیست اتحاد شوروی، تغییرات اساسنامه و برنامها و اقدامات سالهای ۹۰ - ۱۹۸۶ و تا سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید. در اسناد کنگره گفته شده که در جامعه شوروی سلطه کهنسال مالکیست خصوصی برای همیشه از بین رفته و استعمار انبیا، از انبیا ن پایان پذیرفته و سوسیالیسم بصورت کامل و بطور قطعی در کشورهای پیروز شده است. ظهور سیستم جهانی سوسیالیستی و شکل گیری و تحکیم جامعه سوسیالیستی، دیگر گیتی بنیادی در توازن نیروها در عرصه جهانی به سود شده است. برای پیشرفت اجتماعی، دموکراسی، آزادی و صلح مبارزه می کنند، بوجداد آورده است. جامعه سوسیالیستی هم اکنون به با تورینت ترین نیروی جهان تبدیل شده است که هیچ مسأله ای در سطح بین المللی بدون شرکت این کشورها حل نمی شود. در گزارش تا کید شده است که در طول ۲۵ سال گذشته، درآمد سرانه واقعی مردم اتحاد شوروی ۲۷۶٪ برابر بوده معارف اجتماعی بیش از ۵ برابر افزایش یافته است. ولی در همین حال در سالهای ۷۰ دشواریهای اقتصادی افزایش یافته و آنگ رشد اقتصادی به نحو محسوسی کاهش یافت.

برنا مه مصوب کنگره حیات اساسی سیاست اقتصادی اتحاد شوروی را تعیین کرد. در برنا مه بر افزایش راندمان کار از طریق شتاب بخشیدن به پیشرفت علمی و فنی، دیگر گیتی اساسی در تکنولوژی و تحرک بخشیدن به عوامل فنی سازمانی، اقتصادی و اجتماعی تا کید شده است. در برنا مه پیش بینی شده است که راندمان کار در پانزده سال آینده ۱۰۰ - ۱۵۰ درصد افزایش یافته پتانسیل تولید صنعتی دوبرابر شده و درآمد ملی نیز تقریباً دوبرابر خواهد شد.

رفقا!

سیاستهای جهان فوارانه امپریالیسم جهانی تنها به تشدید مسابقتا صلحی محدود نمی شود. امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا به گسترش درگیری های منطقه ای، ایجاد مناطق تشنج، تجار و آشکارا به کشورهای مشرقی و انقلابی، کمک همه جانبه به دستجات فدا نقلی و تروریسم دولتی دست می باز و از حکومت های استبدادی و فدمردمی تا هر جا که بتواند حاکمیت می کند. نمونه آشکارا این سیاستها را می توان در آمریکا لاتین، آفریقا و آسیا مشاهده کرد.

در آمریکا لاتین دولت ریگان به روسیه ممکن متوسل می شود که دولت انقلابی نیکارا گوئه را سرنگون سازد. در این راستا، ریگان مبالسغ کلانی در اختیار باند های فدا نقلی برای خرابکاری در داخل نیکارا گوئه قرار داده است. سازمان "سیا" در کاستاریکا و هندویش بوسیله هزاران نفوسر از متاوران نظامی آمریکا، فدا نقلیون را آموزش می دهد. بر طبق دستور کاخ سفید در هندویش ۲۷ پایگاه نظامی آمریکا ساخته شده است. دولت ریگان همچنان از رژیم های فدمردمی در آلمان و شور، یسلی، پاراگوئه تشدیداً حمایت بعمل می آورد.

جنوبی از سازمان فداقلایی "اونیتا" که علیه دولت استکلا عمل می کند ، پشتیبانی کرده و به آن کمک های فراوانی می رساند . دولت آمریکا همچنین از دستجات فداقلایی موزامبیک که هفتاد ساله در آنجا کشور خود بذر مرگ می افشانند ، پشتیبانی می کند .

در جنوب شرقی آسیا ، رژیم مردمی کامبوج آماج حملات نیروهای ارتجاعی است . دولت ریگان از دستجات پول پوت که میلیونها انسان را در کامبوج بطرز وحشیانه ای به قتل رسانده اند ، پشتیبانی کرده و در اختیار آنها پول و سلاح قزاقی دهد و دولت تایلند را که مقرر است قرار این دستجات است تقویت می نماید .

دولت ریگان که به "تروریسم دولتی" آمریکا رسمیت بخشیده است ، به بیانه مبارزه با "تروریسم بین المللی" به اقدامات تلافی چوپانه علیه دولت های مترقی و جنبش های آزادیبخش متوسل می شود . عملیات تروریستی و تشکیک رانه آمریکا و اسرائیل علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و لیبی نمونه ای از این سیاست های آمریکاست . ریگان قصد دارد همین سیاست را در مورد سوریه نیز بکار گیرد .

دولت آمریکا با اتخاذ این سیاستها عملا برکات نونهای تشنج در مناطقی مختلف افزوده ، درگیریهای منطقه ای را گسترش داده و بر بیست و یک کشور تهنه های تشنج به مقابله با جنبش های رها بی بخش و ملل رها یافته می پردازد . هر آنجا که مردم بکبار چه برمی خیزند و بر عمر حکومت های دست نشانده نقطه پایان می گذارند و در راه استقلال و آزادی پای می فشارند ، امپریالیسم آمریکا وارد میدان می شود تا با ردیگر فل و زنجیر بر پای ملل رها یافته ببندد .

علیرغم این سیاستها مبارزات مردم برای رهایی از قید استعمار و استثمار پیش می رود . در آمریکا لائتین توده های مردم در مقابل دیکتاتورهای نظامی ایستاده و خواهان استعفاء موزگراسی و بهبود وضع زندگی مادی خود هستند . خونخواران نظامی برای شرفاء و زمین و بحرانهای اقتصادی قادر نیستند تیراچ تخت خود را نگاه دارند . در آرژانتین ، وروگوئه و برزیل ، نظامیان مجبور شدند حکومت را بدست غیر نظامیان بسپارند ، در این کشورها دموکراسی پارلمانی جایگزین حکومت های نظامی شده است . در سودان و فیلیپین نیز بر اثر جنبش گسترده توده ای ، دیکتاتورها مجبور به کناره گیری شده اند .

مردم و بگسترش جنبش توده ای امپریالیسم آمریکا را وادار کرده است آنجا که قادر نیست دیکتاتورهای دست نشانده خود را حفظ کند به سیاستهای دیگر توسل جوید . هر گاه کارها با "مشت آهنین" پیش نرود باید دستکش سفید پوشید و انتحاریت را نهادخت (همانند لسا لوادور) . بیچ از آنکه گمان را دیکتاتوره شدن جنبش های ضد دیکتاتور و شکل گیری یک انقلاب واقعی امپریالیسم آمریکا را و می در ترحیب دهد که دستهای پنهان بماند . لذا به آلترناتیو "دموکراسی پارلمانی" توسل می جوید (فیلیپین و برخی از کشورهای آمریکای لاتین) . در مواردی می توان بطور برنامهریزی شده آلترناتیو معینی را شکل داد و هنگام گسترش جنبش توده ای آنرا به صحنه سیاسی سوق داد . کره جنوبی ، پاکستان و برخی کشورهای دیگر از این نمونه اند .

این تغییرات را نباید به معنی دوره افول دیکتاتورهای تعلق کرد . مورد شبلی ، پراگوئه و دیگر موارد نشان می دهد آنجا که دولت آمریکا "مشیت آهنین" را کارساز می داند ، همچنان بکار می بندد ، ولی متردمی مانند که فرصت را برای تقویت قدرت از دست ندهد . آمریکانمی خواهند که توده های مردم مشت های گره کرده خود را بردها ن دیکتاتورها بکوبند و آنها را به زباله دان تاریخ بفرستند . به همین خاطر آمریکا در هر کشوری که چنین خطری را احساس می کند ، به مانور دست می زند .

امپریالیسم با بهره گیری از وابستگی اقتصادی و تکنولوژیکی کشورهای رها یافته و برتری خود در اقتصاد جهانی ، آنها را به بی رحمانه ترین صورت استثمار می کند . کشورهای امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا هم اکنون از طریق دادن وام ، دسترنج زحمتکش و منابع ملی کشورهای در حال رشد را غارت می کنند . در حال حاضر با زبردخت و بهره قرضهای خارجی

این کشورها نزدیک به ۱۰۰۰۰ میلیون دلار است و بدهی کل کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین به کشورهای امپریالیستی از ۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ رسیده است .

اما تمام این سیاستهای غارتگرانه و تجاوزکارانه نتوانسته است سدی کارساز در مقابل سیل بنیان کن توده‌ها بوجود آورد . در آمریکا لاتین دولت سوسیالیستی کوبا ، با وجود توطئه‌های امپریالیسم ، همچنان به ساختمان موفقیتهای میزوسوسیالیسم ادامه می‌دهد . دولت انقلابی نیکاراگوئه در مقابل تجاوزات و دسیسه‌های واشنگتن ایستاده و نظم نوینی را درجا معمه پی ریزی می‌کند . نیروهای انقلابی در سالوادور همچنان مصممانه به مبارزه برای آزادی برای رهایی خلق ادامه می‌دهند . در شیلی آرکان رژیم دیکتاتور پینوشه است شده ، مبارزات مردم گسترش یافته و جنبش دموکراتیک (ا.ر.د.ام) از نفوذ بیشتری در بین مردم برخوردار می‌گردد . مخالفت با پرداخت بیون کلان و اسارتها ر کشورهای آمریکای لاتین به دولتهای امپریالیستی گسترش می‌یابد . احزاب کمونیست و کارگری کشورهای آمریکای لاتین پیگیرانه علیه با زبردخت این وام‌ها مبارزه می‌کنند . این مبارزه پیوند آنها با توده‌ها را تقویت کرده است .

در آفریقای جنوبی بحران سیاسی پایه‌های رژیم بوتا را به لرزه در آورده است . مردم نیکبارجه به‌غیا با نهاریخته و شجاعانه سیاستهای خود را در مقابل گلوله‌های توپ و تانک فرامی‌دهند . رژیم نژادپرست قاتل در نیست بر اوضاع تسلط یافته و به‌شبهه سابق حکومت کند . مردم دیگر حاضر نیستند تن به اسارت رژیم نژادپرست بدهند . کشتارهای وسیع چکه‌پوشان رژیم خونخوار نتوانسته است آزادمه نبرد سرخوشت را از مردم بگاهد . کنگره ملی آفریقا در هدایت جنبش توده‌ای برجسته‌ترین نقش را ایفا می‌کند . حزب کمونیست آفریقای جنوبی روز بروز اعضا رونفوذ بیشتری در بین مردم پیدا می‌کند . بطوریکه اکنون یکی از پایه‌های اصلی جنبش است .

منطقه خاور میانه عرصه جداترین درگیری بین نیروهای مترقی و ارتجاعی است .

دولت ریگان رژیم صهیونیستی که در لبنان متعجب شکست شده و خاک آن کشور را ترک کردند ، با تمام نیروی کوشنده اش شکل گیری دولت متمرکز و مقتدر جلوگیری کنند . بر اختلاف مذهبی و قومی دا من زندند ، گرایشهای جدا بی طلبانه را تقویت کنند و بدین طریق به پا شوند . لبنان اکنون عرصه درگیریهای خونین نیروهای مختلف مسلح است . تلاشهای دولت سوریه و نیروهای مترقی لبنان برای ایجاد دولت ائتلافی و متمرکز نتوانسته است به نتیجه معینی برسد . تراژدی لبنان همچنان ادامه دارد و رژیم جمهوری اسلامی از دستجات "اسل اسلامی" و "حزب الله" در لبنان حمایت می‌کند . این دستجات بر افراطی‌گری مذهبی بگردد و رنسدواز هرگونه همکاری با دیگر نیروهای سیاسی سرباز می‌زنند و به اقدامات جنایتکارانه علیه کمونیست‌ها دست می‌بازند . آنها با طرح شعار "جمهوری اسلامی" اختلافات مذهبی را تشدید کرده و مانع آنها دیک دولت مقتدر ملی می‌شوند . سیاست آنها عملاً همان با سیاست آمریکا و اسرائیل در لبنان است .

جنبش فلسطین با مشکلات جدی روبرو است . رژیم صهیونیستی اسرائیل ، دولت ریگان و دولت‌های ارتجاعی عرب برای تضعیف ساف و پیشبرد طـروح کمپ دیوید بر تلاشهای خود افزوده اند . موافقت نامه امان که بین یاسسر عرفات و ملک حسین امضاء شده آلمان فلسطینی‌ها برای تشکیل دولتیست فلسطینی ضربه وارد آورد . این موافقت نامه ، با مبارزه پیگیر رژیم‌ها فلسطینی عملاً به کناره رگذاشته شد . گرایشهای سازشکارانه دروهری ساف و دسته‌بندی‌های خصومت آمیز برخی نیروهای فلسطینی علیه یکدیگر موجب تضعیف جنبش فلسطین ساف گردیده است .

افغانستان همچنان در کانون توطئه‌های نیروهای ارتجاعی قرار دارد . دولت ریگان بیش از ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار ربا ندهای خرابکارجهت

کمپ صفا انقلابیون افغانی قرار دارد، به سهیل تاجا وزیر علیه جمهوری دمکراتیک
افغانستان تبدیل شده است. اشرا و تحت رهبری ما زمان "سیا" از کمپ
پاکستان به افغانستان می آورند و به کشتار و غارتگری می پردازند.
رژیم جمهوری اسلامی دوشا دوش رژیم فضا، الحق و همسویان نقشه ها و تلاشها ی
امپریالیسم آمریکا به ده منشا نه ترین شکل علیه انقلاب افغانستان توطئه
می کنند.

دولت افغانستان علی رغم انواع وسیع های نیروهای ارتجاعی، توانسته
است گام های جدی در گسترش پایگاه انقلاب بردارد و ضربات تگاری بر ضد انقلابیون
وارد آورد. دولت افغانستان نه لانه در مذاکرات و شرکت جست و با ارا به
پیشنهادهای سازنده می کوشد که مشکلات موجود با کشورهای همسایه حل گردد.
تداوم جنگ ویرانگر ایران و عراق به گسترش بی ثباتی و تشنج در منطقه
کمک کرده و موجب حضور وسیع امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و دریای عمان
گشته است. آمریکا با دستا ویز قرار دادن امنیت گسترش یافته در خلیج فارس و
تنگه هرمز، راه های جنگی خود را در ساحل خلیج فارس و دریای عمان
مستقر می سازد. هم اکنون جنگ بین دو کشور به بن بست رسیده است. ولی رژیم
جنگ افروزمینی همچنان شعار "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" سر می دهد و فوج
فوج جوانان کشور را راهی کشتارگاهها می کند و اقتصاد کشور را به خدمت جنگ
می گیرد. سران رژیم جمهوری اسلامی با ادامه جنگ عملا به مقاصد
امپریالیسم یاری رسانده، کشورهای ارتجاعی منطقه را تقویت کرده و نیرو
های مترقی را تضعیف می کنند. این جنگ به تقویت ارتجاع منطقه منجر
شده است.

کشورهای ترکیه، پاکستان و عربستان به پایگاه ارتجاع جهانی در منطقه
تبدیل شده اند. آمریکا مداوما به این کشورها اسلحه سرانجامی می کند تا
حکومت های دست نشانده این سه کشور بتوانند نقش ژاندارمی خود را بنحو
احسن انجام دهند. در ترکیه نزدیک به ۶۰ پایگاه، آمریکا وجود دارد که
وسیع مورد استفاده نیروهای واکنش سریع قرار می گیرد. دولت ترکیه به
"مشت آهنین" آمریکا علیه نیروهای مترقی و انقلابی تبدیل شده است. هم
اکنون هزاران مبارز در اسارتگاههای این رژیم زندانی هستند. آمریکا
اغیرا با کمک نظامی ۵ میلیارد دلاری به رژیم فضا، الحق موافقت کرده است
"جنش احیا" دموکراسی در پاکستان در حال گسترش است. مردم
علیه رژیم دیکتاتوری فضا، الحق برخاسته اند. واکنش تحولات پاکستان
را بدقت زیر نظر گرفته و می خواهد قبل از اینکه طوفان بر خیزد به موقع دست
بکار شده و آلترناتیو بورژوا - رفرمیستی خود را سرکاربیاورد. دولت
جمهوری اسلامی با تشکیل بازار منطقه به اسم "اگو" (ا.ری.دی سابق)
و گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای ترکیه و پاکستان، عملیات خدمت مقاصد
آمریکا و ارتجاع منطقه ترار گرفته است.

دولت عربستان در بین کشورهای عربی همچنان به تقویت دولتها ی ارتجاعی
و تضعیف مواضع دولتها ی مترقی عربی می پردازد. عربستان با لایحه
سیاستهای آمریکا در منطقه پیش می برد. دولت ریگان تلاش جدی مینماید
می دارد که عربستان به مدرنترین سلاحها مجهز گردانند تا بتوانند نقش ارتجاعی
و بازدارنده خود را در منطقه بنحوی ایفا کنند.

رفقا!

امپریالیسم جهانی هر قدر هم به تاجا و زگری جنگ افروزی خود بیا فزاید،
قا در نخواهد بود و چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند و مواضعی را که از دست داده
است، دوباره به چنگ آورد تا بتواند سیاست خود را بر جهان تا مین کند. دژ
سوسیالیسم جهانی و در رأس آن اتحاد شوروی، کشورهای رها یافته و نیروهای
مترقی و انقلابی در مقابل تاجا و زگری امپریالیسم جهانی ایستاده اند و هر روز
در پیگاری علیه نیروهای میرنده جهان به کما میا بیهای جدید دست می یابند.

سیمای ضد خلقی، ضد موکراتیک و بغایت ارتجاعی جمهوری اسلامی

رفقا!

انقلاب بزرگ خلق های ایران که تا میندموکراسی، استقلال همه جانبه و عدالت اجتماعی به سود زحمتکشان را هدف بینکارستریک خود قرار داده بود، در اثر خیانت سران جمهوری اسلامی به خلق ایران به اهداف عالی خود دست نیافت و دچار شکست شد. در نتیجه این شکست امکان خروج جامعه ایران از بحران زایل گردید. اکنون مبین باستانی ما روزگار فوق العاده دشواری را از سر می گذراند. هر روز که می گذرد، برداشته و زرفای بحرانی که در آن فرو رفته است، افزوده می گردد. عوامل متعددی بحران کنونی را پدید آورده اند: آن را حادثه ترمی کنند، در این میان در وهله اول باید به نقش ارتجاعی روحانیون حاکم و بسویژه شخص خمینی در مجموعه آنها اشاره کرد. نظریه فاش و نفوذی که خمینی در روحانیت حاکم دارد، جرم او در شکست انقلاب و افزایش رنج و محنت زحمتکشان ایران از همه سنگین تر و بالاتر است.

در اسبساتهای ضد ملی، ضد موکراتیک روحانیت حاکم سیاست آنان در راه مه داغ و خسارات عظیمی به بار آورده است. بخش بزرگی از این آسیب ها بحران پذیر نیستند. تاکنون ۵۱ شهروند در ۳۹۹۱ روستا نابود شده اند. اقتصاد استان مهم کشور چنان آسیب دیده است که بخش اعظم موسسات تولیدی آن از کار افتاده اند. تا پایان سال ۶۳ بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت جنگی به کشور وارد شده است. طی جنگ بیش از ۴۰۰ هزار نفر از مردم زحمتکش ایران و مسراق کشته شده اند. صد ها هزار نفر معلول گشته اند. حدود ۱۵ هزار نفر نابینا و ۱۷ هزار نفر آسیر شده اند. در نتیجه ویران گسی های خمینی و صدام، ۲ میلیون نفر از هموطنان ما از زادگاه خود آواره شده اند. با شروع دور جدید جنگ که با عملیات اشغال جزیره فاو آغاز شد و طی آن چند ده هزار هموطنان کشته شده اند. بر تلفات انسانی فوق بازم افزوده شده است. جنگ اکثریت عظیم قربانیان خود را از کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری برمیگزیند. اکنون جوانانی که حاضر نمی شوند روانه قتلگاه شوند، به سرعت افزایش می یابند. رژیم در مقابل با این جوانان قانونی راجه تصویب رسانده است که مطابق آن ممشولان غایب و کمانی که به آنان کار میبایست دهه ندری ۳ سال زندان محکوم می کنند.

ادامه لجاجت جنگ راهنمای اصلی سیاست گذاری حکومت در همه عرصه ها است. بودجه سالانه که ملا میبایست ریزه شده است، سهم هزینه جنگ در بودجه هر ساله افزایش می یابد، هزینه مستقیم و غیر مستقیم جنگ که در سال ۶۳ به حدود ۱۳۰ میلیارد تومان رسید، در سال گذشته به شدت افزایش یافت. بنا بر اظهارات نخست وزیر ارتجاع سهم هزینه جنگ در بودجه سال ۶۳ به مراتب بیشتر از ۲۳ درصد آن بود. بنا بر اعتراف او این هزینه در سال ۶۴ نیز ۱۲/۵ درصد افزایش یافت. بخش مهمی از این هزینه کلان صرف خرید سلاح از بازار سیاه می گردد. آخرین نمونه آن معامله ۲/۵ میلیارد دلاری اسلحه قاچاقی با بنام آمریکا می - اسرائیلی بود که بر ملا گردید. مرتجعین ۵۰۰ میلیون دلار نیز به افراد بین بانده پرداخته بودند. سران مرتجع رژیم برای تامين سلاح قیمت نفت صادراتی ایران را طی سال ۶۳ برای هر بشکه سه دلار از نرخ قیمت بازاری فروختند و بدین ترتیب در ازای صد و هشتاد و یک میلیون بشکه در روز سالانه مبلغ یک میلیارد دلار اضافی به جیب انحصارات نفتی سوازی برگردند.

زمانی که در سالهای ۶۲ و ۶۳ قیمت نفت سقوط کرد، ارز دریا فتنی به حداقل خود رسید و رژیم دچار بحران ارزی و مالی شد. اما با وجود این بحران آخوندهای جنگ طلب، جنگ راجه قیمت تعطیل پروژه های عمرانی

و خارج کردن منابع ارزبر غیرنسی می از حد تولید و مصرف و بوجه و سهمی
ارزی آنها به جنگ ادامه دادند. در سالی که گذشت ۷۰ درصد اعتبارات
عمرانی کشور و رقمی معادل آن از بودجه آموزش ابتدایی و عالی، بهداشت
و امور درمانی و بیمه و خدمات اجتماعی به هزینه های جنگ اختصاص یافت.
آزادی کشی و لگد مال کردن حقوق دموکراتیک مردم، اعمال ستم علیه اقلیت های ملی
پایه عقیده، دین، ملیت و جنس، اعمال ستم علیه اقلیت های ملی
دشمنی آشتی ناپذیر با شکل های کارگری و دهقانی، مشغله دیگر سیاست
و خط مشی مستبدان ناکام است.

اکنون دهها هزار تن از فرزندان خلق در زندانهای عسلی و مخفی رژیم
استبدادیه بندکشیده شده اند. جرم اکثر آنها داشتن عقایدی جز مطا لیب و
مبتدیان رساله ها و باورهای خرافاتی است. فرزندان دلاور خلق به جسم
اعتقادیه افکار مترقی و مبارزه در راه ملح و آزادی به زندان افکنده
شده و بنظر وحشیانه شکنجه می شوند. اعدام های گروهی زندانیان، تا بودی
جسمی آنان در زیر شکنجه های حیوانی، ناپدید شدن بسیاری از اسیران،
ابتلا به انواع بیماری های جسمی و روانی، تجاوز به زنان و دختران و جوانان
از گریه ترین پدیده های راجع زندانهای ولایت فقیه است. تاکنون بیش از
ده هزار نفر از مردم میهن ما بدست دشمنان رژیم کشته شده اند. رژیم از وحشت و انکسای
مردم ارقام واقعی کشتار را منتشر نمی کند. عزیزان بسیاری در سیاه چاله های
خمینی مخفیانه سر به نیست شده و می شوند. صدای اعتراض بشریت شرق و
علیه دشمنی های هر روز سارتری شود و در جماع بین المللی اشکها س
می باید. اخیرا مجمع عمومی سازمان ملل نیز جمهوری اسلامی را با طمس
نقض حقوق بشر محکوم نمود.

رفقا!

در میهن ما کمتر خا نواده ای است که از تیغ استبداد و ولایت فقیه در امان
مانده باشد. خمینی طی دوران کوتاه حکومتش صدها هزار هم میهن ما را با در
جنگ یا در جوخه های اعدام و یا در زیر شکنجه به شهادت رسانیده و عده با زهم
بیشتری را آواره کرده و یا به زندان و تبعید کشیده است.

امروز فعالیت و مبارزه خانواده شهدا و زندانیان سیاسی چه در داخل
و چه در خارج کشور، نقش افشاگرانه و امیدبخش بزرگی را در جنبش ایفا می کند.
وظیفه انقلابی ما ست که از یک سو با تمام نیرو از این خانواده های زجر دیده
هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی حمایت کنیم و از سوی دیگر با کار سازمانگوانه
در میان آنها، بویژه تقویت ارتباط با خانواده های زندانیان سیاسی
توان ایستادگی زندان در برابر دشمنان و اشکها س هر چه وسیع تر ایستادن
ایستادگی که مظهر ایستادگی خلق در برابر ارتجاع است را هر چه بیشتر ارتقا
دهیم.

رژیم جمهوری اسلامی در آزادی قلم آزادگان و در آزادی بیان آرا و عقاید
ببشر و مطبوعات مترقی نوای مرگ خود را می شنود. در این رژیم بیان
و تبلیغ آن باورهای می جان زندگه روزی رسان ملایان کینه اندیش است.
رژیم جهل پس از نگستن قلم آزاد اندیشان و بندکشدن مطبوعات
آزاد، امروز روزنامه های حکومتی را نیز با شدتی بیشتر از گذشته تحت
کنترل خود در آورده است. روزی نامه های حکومتی نیز حتی سندانند جز
خواست حاکمان مستبد بررسند. آخوندهای مرتجع حتی از عرض طول تمبر
مطبوعات حکومت مراقبت می کنند. " قانون مطبوعات " که جدیداً از
تصویب مجلس ارتجاع گذشته حتی امکان انتقاد از شرکای روحانیستون
در حکومت را نیز سلب می کند. مطایق این قانون هر کس که از مسئولان انتقاد
کند با مجازات تلاق و زندان روبرو می شود. این قانون ارتجاعی آینه تمام
نمای جهل پروری رژیم است.

لگد مال کردن حقوق اقلیت های ملی و جلوگیری از شرکت آنها در تعیین
سرنوشت خود نمودار دیگری از خطت ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی است. کشور
ما از دیرباز سرزمین ملیت های مختلف بوده است. جنبش ملی این خلقها با

کشتار دده منشا نه سرکوب شده ومی شوند. همواره سرکوب خونین خلق عرب آگما ه هستند. سرکوب خلق ترکمن طی دو جنگ و ترورنا جواب نمردانه توماچ و همزمان رهبران این خلق ستم دیده هرگز از با دها نخواهد رفت. سرکوب خواسته های مردم بلوچستان از جمله برانگیزا با ت سال ۶۲ نمونه دیگری است. کینه حیوانی سران رژیم نسبت به اقلیت های ملی بیشتر از هر جا در کردستان جلوه گسرنده است.

اکنون مدت ۷ سال از تهاجم رژیم علیه خلق کرد می گذرد. در طی این مدت دهها هزار نفر از مردم کرد قتل عام شده اند. امروز خلق کرد با بیش از ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای مسلح رژیم درگیر نبردی نابرابر و خونین است. اکنون کردستان بیشتر به یک سرزمین اشغال شده شبیه است تا بخشی از خاک منهن ما کینه روزی سران رژیم نسبت به اقلیت های ملی علاوه بر شوونیسم ناسیونالیستی با شدیدترین نوع اعمال ستم مذهبی همراه است. جنبش ملی خلقهای تحت ستم کشور متحد طبقه کارگر در انقلاب ملی - دموکراتیک بشمار می رود. طبقه کارگر و جنبش های ملی در مبارزه علیه رژیم دارای منافع مشترکی هستند و برای پایه باید مبارزه انقلابی خود را در پیوند نزدیکتر با هم قرار دهند.

وظیفه مبرم سازمان است که فعالیت سیاسی و سازمانی خود را در کردستان هر چه فعال تر گسترش دهد. جلب توده های زحمتکش کرد به صفوف سازمان و گسترش نفوذ سیاست، شعرا و ویرنا مه ما در میان خلق کرد را اهمیت فوق العاده است. کردستان همگامان مبارزه علیه ستم ملی وهم یک کانون تمرکز نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. با توجه به خط مشی، برنا مه و سنگین نیروهای جنبش ملی کرد، حضور فعال سازمان در منطقه و تسلاش سازمان بمثابه پیشاهنگ طبقه کارگر ایران برای سر نوشت نهایی آن حایز اهمیتی تعیین کننده است.

رفقا!

حکومت جمهوری اسلامی مدافع منافع سرمایه داران بزرگ و بویژه تجار و بزرگ مالکان است. خط مشی رژیم در دفاع از سرمایه داری و در ادا مسئله فاجعه بار جنگ همراه با احیای عقب مانده ترین اشکال استعمار و ستم طبقاتی از یک طرف کشور را به حدترین بحران اقتصادی دچار ساخته و از طرف دیگر سنگین ترین فشارهای اجتماعی و فقر و فلاکت را نصیب زحمتکشان کشور ساخته است.

اکنون صنایع کشور در حال رکود و بسیاری از واحدها در خطر تعطیل هستند. آن دسته از صنایع بزرگ که در حال تولیدند، با ظرفیت بسیار پایین تولید می کنند. در سال ۶۴ موسسات بزرگ تولیدی با ۵۱ درصد ظرفیت خود کار کرده اند. تولید صنایع همچنان در حال کاهش است. سطح تولید در بخش های معدن، برق، آب و گاز زمین منگی بوده است. در اثر کمبود انرژی برق مورد نیاز صنایع، رشد صنایع طی سالهای ۶۳ و ۶۴ صفر بوده است. افزایش هزینه های ارزی جنگ و کاهش مستمر قیمت نفت عامل تشدید بحران در صنایع کشور است. زیرا درجه وابستگی صنایع به مواد اولیه، گالاهای نیم ساخته و تکنولوژی وارداتی بسیار بالاست. بر این اساس مقدمات رسمی فعالیت ۸۵٪ صنایع کشور وابسته به تامین نیازهای آنها از خارج است. این رقم در مسورد صنایع بزرگ - به جز واحدهایی که به کمک کشورهای سوسیالیستی ساخته شده اند - به ۹۵٪ می رسد. در سال ۶۳ راه انداختن چرخ تولیدات صنایع به ۷ میلیارد ۸۰۰ میلیون دلار ارز نیاز داشته است. وابستگی عمیق صنایع ایران با کاهش شدید قیمت جهانی نفت، که منبع اصلی ارز است، به امری فاجعه بار تبدیل شده است. اوضاع بحرانی سه ساله اخیر اقتصاد کشور، در وقتین بودن سیاست خودکفایی اقتصادی " رژیم برابرملای کرده است. شعار " افزایش وابستگی در کوتاه مدت برای قطع آن در دراز مدت " که راه نامی سیاست رژیم در راه اندازی صنایع بوده است، همانطور که پیش بینی می شود وابستگی

اقتصاد دستورار به نفع و واردات تا حد افزایش داده و به سهم مسمرص در کشور انجا میدهند. رژیم در مقابل با بحران ارزی و مالی سیاست تعطیل تعداد زیادی از صنایع، قطع ارز بسیاری از واحدهای خصوصی، تا مین هزینه جاری دولت با مالیات را در پیش گرفته است.

سیاست رژیم در دفاع از مالکیت بزرگ ارضی، هم در اشکال سرمایه داران و هم ما قبل آن، عامل مهم و خامت وضع زندگی دهقانان و ورشکستگی کشاورزی کشور است. اصلاحات ارضی دموکراتیک که می توانست علاقه توده دهقانان را به افزایش تولید بهر انگیزه دوار شکوفایی اقتصاد در روستا را بکشد در اثر خیانت سران رژیم متعقد نشد.

برابر اطلاعات منتشره مرکز ما را بر آن در سال ۶۱، ۳۲/۵ درصد خانوارهای روستایی فقط ۲/۳ درصد ارضی را در اختیار داشته اند و ۳۸ درصد خانوارهای زمیندار ما صاحب ۱۴/۹۴ درصد کل ارضی بودند. متوسط زمین روستاییان ۰/۲۵ هکتار و زمینداران ۲۵۶/۸ هکتار بود. در طی ۷ سال پس از انقلاب حکام مرتجع تنها مالکیت ۲۳۵ هزار هکتار ارضی بزرگ مالکان را که توسط خود دهقانان مصادره شده بود به رسمیت شناخته اند. یعنی رژیم تنها ۷ درصد زمین بزرگ مالکان را به حدود ۹۰ هزار خانوار واگذار کرده است. در همان حال سران خیانکار رژیم بر اساس قانون "ابطال اسناد واگذاری ارضی موقوفه" مصوب اسفند ۶۲، ۲۰ هزار قطعه زمین مزرعی را مجدداً از روستاییان پس می گیرند و به مالکیت اوقاف و روحانیت درمی آورند. مالکیت بخش دیگری از ارضی مصادره شده توسط دهقانان از بزرگ مالکان که به حدود ۲۲۵ هزار هکتار بالغ می گردد همچنان "قانوناً" در ملک مالکین قبلی آنها باقی مانده است. اگر رژیم ابقا بنده دهقانان وحشت نداشت تا کنون تمام این زمینها را به بزرگ مالکان بازگردانده بود.

رژیم تا کنون هر چه توانسته انجام داده است که زمین را از دست دهقان بگیرد و به ارباب سابق پس بدهد از سال ۶۱ به این سو، بزرگ مالکستان با احکام حکام شرع و سرنیزه سیا و کمنیته ها، با سرکوب مقاومت دامیرانسه دهقانان، بسیاری از زمینهای مصادره ای را پس می گیرند و دهقانان مبارزان به زندان می افکنند. در اردیبهشت ۶۴ ارتجاع حاکم قانون "اصولاً" واگذاری ارضی مزرعی را از تصویب مجلس گذراند. با تصویب این قانون بزرگ مالکی بر ارضی، باغات، قلمستان ها، زمینهای مکانیزه و سماتیز پذیرفته شد. این قانون ارتجاعی به دولت نیز اجازه داده است که به مثابه یک بزرگ مالک، زمینهای دولتی و موقوفات را به دهقانان اجاره دهد و با آن قرارداد مزارعه و غیره ببندد. این قانون به اعمال گذشته رژیم بر ضد دهقانان رسمیت قانونی داده است. با تصویب این قانون ابعساد مهاجرت روستاییان با زهم گسترش خوا هدیا فت.

بدین ترتیب ۷ سال پس از انقلاب، اطلاعات را در اشکال ارضی همچنان خواست مبرم دهقانان باقی مانده است.

علاوه بر آن روستاییان از خدمات بهداشتی و درمانی، آموزشی و عمرانی محروم مانده و بزرگ و کودما شین های کشاورزی مناسب و ارزان نمی توانند تهیه کنند. قیمت محصولات ناچیز آنان نیز تثبیت شده نیست. ۷۰٪ روستاهای کشاورز فاقد آب آشامیدنی سالم هستند و این امر به گسترش بیماریها و مرگ و میر اطفال روستایی انجا میدهند. حدود ۲۰ هزار روستا در سال ۶۳ فاقد مدرسه بوده اند. با این حال در فروردین امسال وزارت آموزش و پرورش دستور داده است مدارس کمتر از ۲۵ نفر نیز تعطیل شوند. این دستور به تعداد بیسودان بیش از ۶۰٪ روستاهای کشور خوا هدا فرود.

در جمهوری اسلامی، اقتصاد در روستا در حال با شیدگی و تولید کالاهای اساسی کشاورزی نظیر گندم، پنبه، چغندر قند، برنج و نیز دامداری و مراتع در حال سقوط است. واردات گوشت طی این ۷ سال چند برابر شده است. واردات گندم که در سال ۵۷، ۱ میلیون و ۱۳۹ هزار تن بوده در پایان سال ۶۴ به ۴ برابر، واردات برنج از ۳۷۰ هزار تن در سال ۵۸ به ۷۵۵ هزار تن در سال ۶۲ افزایش یافته است. رژیم آخوندی در سال ۶۲ حدود ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تن علوفه وارد کرده است. ارزش مواد غذایی وارداتی که در سال

سالهای ۵۹ تا ۶۲ میزان قیمتها تا ۸۳ درصد متورم شده است و طی همه این سالها رژیم تلاش کرد که به بها نه مقابله با تورم ، دستمزد ها را افزایش ندهد . این وضعیت افزایش دستمزد را به خواست مبرم همه مزدبگیران تبدیل کرده است . چنانکه از هم اکنون پیداست در سال ۶۵ به علت کاهش شدید درآمد نفت و ادامه و گسترش جنون آمیز جنگ ، ارزش پول و دستمزد واقعی زحمتکشان تا چندین برابر پیش از سال گذشته کاهش خواهد یافت . خمینی زنده می راز بر زحمتکشان ا امسال بسیار دشوار تر خواهد کرد . واقعات و فسوق نشان می دهد که جمهوری اسلامی در خدمت اقلیت معدود و پر فدا کثرت عظیم مردم ایران است . رژیم آخوندها رژیمی عدالت سیز و ظلم گستر است . در نتیجه سیاست این رژیم ، فقرا دائما فقیر تر و ثروتمندان ثروتمند تر می شوند .

رفقا !

گسترش بی سابقه بیکاری راه حل رسمی و اعلان شده رژیم برای مقابله با بحران است . اکنون تعداد بیکاران به بی سابقه ترین سطح خود رسیده است . از ۱۲ میلیون نفر نیروی کار کشور حدود ۱۹٪ یعنی ۲/۲ میلیون مطلقا بیکارند و در فاصلاتی که تولیدی نقشی ندارند . حدود ۲۰٪ در شرکتها بیکارند ، پنهان هستند یعنی با شغل های کاذب نظیر دوره گردی ، دستفروشی ، دلالی ، واسطه گری ارتزاقی می کنند . بدین ترتیب در جمهوری اسلامی ۳۰٪ نیروی کار (۴/۸ میلیون نفر) بیکار است و با کار کاذب دارد . تازه هر ساله ۳۵۰ هزار نفر متقاضی جدید کار رتزیو اردبیا را می شوند . روستاییان مهاجر ، کارگران ساختمانی و جوانان ، قربانیان اصلی بیکاری هستند . چنین وضع دشتناکی قبل از هر چیز نتیجه حاکمیت ملایان و سیاست ارتجاعی آنان است . اخراج کارمندان ، معلمان ، کارگران و دانشجویان از کار تبدیل عقایدی گسده داشتند ، بر تعداد بیکاران افزود . سیاست رژیم در سه ساله اخیر در مقابله با بحران اقتصاد بر اساس بیکاری باز هم افزوده است . هسته اصلی این سیاست که رژیم آنرا زیر شعار " کاهش نان خورها " پیش می راند ، بطور خلاصه اخراج توده ای کارگران و کارمندان است . سیاست " کاهش نان خورها " باعث شده که در اکثر کارخانه ها کارگران را گروه گروه اخراج کنند . اکنون ۳ میلیون کارگر در خطر اخراج قرار گرفته اند . در جمهوری اسلامی حق کار که از حقوق ابتدایی هرانسان است ، لگدمال شده و امنیت شغلی مزد و حقوق بگیران بطور جدی به خطر افتاده است .

سیاست رژیم در زمینه آموزش و پرورش ، بهداشت و امور درمانی ، بیمه و خدمات اجتماعی ، حذف مسئولیت های دولت در این امور و کاهش شدید بودجه آنان است . این سیاست اعمال هم دنیا ل می شود . راه سرما به داران بزرگ برای دست اندازی در این عرصه نیز هر روز با زتر می شود . البته نتیجه روشن است . بیسواد ی در میان زحمتکشان با زهم گسترش خواهد یافت و آمار مرگ و میر آنان افزونتر خواهد شد . کیسه زراندوزان در مقابل انباشته گسرو خواهد شد . با پیدای انتظار داشت که تعداد دانشجویانی که از تحصیل محروم می گردند با زهم افزایش یابد . بر ابرای اعلام مسئولان رژیم ۱۵ میلیون بیسواد در کشور ، ۴/۵ میلیون در شهرو بیش از ۱۰ میلیون نفر در روستا ، وجود دارند . در حال حاضر ۵ میلیون کودک ۶ تا ۱۱ ساله از رفتن به مدرسه محرومند و ۵۰ درصد جوانان پس از اتمام دبستان به مدارس راهنمایی راه نمی یابند . اکنون کمبود گرانی مسکن بهداشتی کند در شهرها هزینه مسکن بیش از ۵۰ درصد درآمد زحمتکشان را بخود اختصاص می دهد . در این شرایط سیاست دولت ارتجاع عدم حل این معضل اجتماعی است . دولت هر قدا زمین و سایر خدمات که سرما به داران بزرگ طلب کنند ، در اختیار آنها قرار می دهد . دولت ارتجاع در خرداد ماه سال گذشته آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری را که نافی خود قانون است ، با هدف بهره برداری هر چه بیشتر سرما به داران بزرگ از بحران مسکن به تصویب رساند . با تصویب این قانون دست تجار بزرگ و شرکت های بزرگ سرما به داران بزرگ را در غارت بی محابای خلق

از طریق سینتم "سازوبفروش" کاملاً بازگرد. همچنین این او اواخر سران رژیم به این فکر افتادند که به سرمایه داران بزرگ اجازه دهند که شرکت‌های بزرگ تولید و اجاره تشکیل دهند. البته برای گمراه کردن مردم به این موسسات عنوان "بنگاه‌های خیریه با استیجاری" داده‌اند.

فاسادبی سابقه یکی دیگر از مظاهر فساد است. سیاست‌های رژیم است که جامعه به آن آلوده شده است. گسترش دزدی، ارتشاء، اختلاس، اعتیاد، فحشا، علیرغم عوام‌فریبی‌های اسلام پناهان حاکم از مشخعات با رزجهم‌سوری اسلامی و از امراض رایج جامعه ما است. بخش بزرگی از اردوی ۱۸۰ هزار نفری روحانیون در پست‌های وزارت و مدیرکلی و سرپرستی بنیادهای و دانشگاه‌های شرع و غیره و نیز برخی از فرماندهان ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری و پلیس در زمره عناصر در تشکیل دهنده بورژوازی طفیلی بوروکراتیک اند. بوروکراسی حیف و عمیل اموال دولتی - رشوه، ارتشاء، جایگزین کردن روابط بجای ضوابط، کماکان از صفات مشخصه عملکرد بورژوازی بوروکراتیک بشمار می‌آید. در این روند قدرت سیاسی به ایجاد قدرت اقتصادی کمک می‌کند.

در جمهوری اسلامی، مسئولان رژیم کشتی‌های عظیم را با بارش می‌دزدند و وقتی هم که دزدی‌های کلان بسبب روزنامه‌های حکومتی درمی‌کند، دستگاه عدل اسلامی سرورته قضیه را به نحوی بهم می‌آورد. اما همین دستگاه ظلم وقتی پای محاکمه مردم عادی به میان می‌آید، واضح مجازات‌های عهد عتیق، دست و پا بریدن، چشم درآوردن، سنگسار کردن و غیره است. در این رژیم فساد دزدی‌های دهها و صدها میلیون توسط مسئولان، امرطبیعی و رایج است.

در زمینه اعتیاد و فحشا و بی‌اخلاق و بی‌کرامت‌های فوق العاده خانواده‌هاست. مطابق گزارش که "دایره بین المللی کنترل مواد مخدر" وابسته به سازمان ملل در سال ۶۳ انتشار داد، جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن جمعیت کشور از لحاظ مصرف و اشاعه مواد مخدر و اعتیاد در راس تمام کشورها قرار دارد. مطابق این گزارش حدود ۱/۵ میلیون نفر معتاد به تریاک در جمهوری اسلامی وجود دارد. تعداد واقعی معتادان بیش از این است و چند میلیون راشامل می‌شود. برابر اعتراف مسئولان رژیم ما معتادین در جمهوری اسلامی چندین برابر شده است و طی این مدت ۷۰ هزار قاچاقچی که فقط بخشی از این سوداگران مرگ و عوامل فریب‌خورده آنان است، بازداشت شده‌اند. بیشتر اینها جوان هستند. این ارقام داغ ننگ ابدی بر چهره خلیفه‌جماران است.

رفقا!

سیاست خارجی رژیم نیز مانند سیاست داخلی آن یک سیاست فداکاری و ضد مردمی است. جمهوری اسلامی مخالف صلح و همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای است. جهات اصلی مواضع و سیاست خارجی رژیم در رابطه با نیازهای جنگ و ادامه و گسترش آن تعیین می‌شود. هدف دیگر سیاست خارجی رژیم صدور ولایت فقیه به سایر کشورهای است. سیاست رژیم در مقابل افغانستان انقلابی درهما هنگی عملی کامل با سیاست امپریالیسم آمریکا است. رژیم می‌کوشد که در جنبش ترقیخواهان عراق تفرقه افکند و نیروهای پیرو "ولایت فقیه" را برای جنبش تحمیل کند. رژیم تلاش می‌کند که کنترل جنبش ترقیخواهان مردم فلسطین و لبنان را از طریق مسلط کردن "حزبالله" بر آنها در دست گیرد. این اندیشه‌های عمیقاً ارتجاعی به تشنج اوضاع منطقه دامن زده و الهام بخش ارتجاع منطقه شده است. رژیم سیاست جلب دوستی شیوخ مرتجع عرب را در پیش گرفته و آماده همکاری با شورای امپریالیسم ساخته همکاری خلیج است. هدف این سیاست قطع حمایت شیوخ از صدام و کسب پیروزی در جنگ است. سیاست همدستی با ارتجاع ترکیه و پاکستان در چوب "آر-سی-سی" از مشخعات دیگر سیاست خارجی رژیم است که عملاً در خدمت احیای محور ضد شوروی آنکارا - تهران - اسلام‌آباد قرار گرفته است. احیای این محور از اهداف استراتژیک امپریالیسم آمریکا در منطقه برای بازسازی

رژیم ولایت فقیه پس از تجدید و تحکیم روابط نواستعماری با انگلستان
 آلمان، ژاپن و ایالت‌ها اکنون در پی جلب رضایت محافل امپریالیستی
 فرانسه و سپس تا دی کردن روابط با آمریکا است. محافل امپریالیستی
 در فرانسه و آمریکا نیز نمی‌خواهند از رقبای انگلیسی، آلمانی و ژاپنی
 خود عقب‌بمانند و روی خوش به رژیم نشان می‌دهند. خواست رژیم خمینی
 از دولت دست راستی فرانسه این است که در ازای یک میلیار دلار بـا
 و امتیازات دیگر، از حمایت یک جانبه رژیم عراق و مخالفت یک جانبه
 با رژیم خمینی دست بردارد و حداقل هر دو طرف را در ادامه جنگ و سرکوب
 تیروهای ملی و دموکراتیک یاری دهد. رژیم به موازات سیاست نزدیکی به
 امپریالیسم جهانی، آزمای ضدشوروی و ضدکمونیستی در سیاست خارجی
 پیروی می‌کند.
 رژیم زیرپوشش "استکبار جهانی" و "وتز" دوا بر قدرت "غرب گرایسی
 و سویالیسم ستیزی خود را به اجرا می‌گذارد.
 سیاست خارجی رژیم برخلاف منافع و مصالح ملی مردم ایران و برضد مصالح
 و امنیت منطقه است.

ماهیت و ترکیب حاکمیت جمهوری اسلامی و ضرورت سرنگونی آن

رفقا!

واقعیات فوق و رویدادهای پس از پلنوم مهرماه ۶۳، درستی ارزیابی
 آن پلنوم و الزامات هیت ضد خلقی و ضد دموکراتیک و بنیاد ارتجاعی سیاست
 ویرانه رژیم آشکار کرده است. در مرحله کنونی، دشمن عمده مردم ایران
 بلحاظ سیاسی رژیم ولایت فقیه و زنتظر اجتماعی کلان سرما به دایان و بسزرگ
 مالکانند.

مشخصه‌های اصلی رژیم جمهوری اسلامی، یعنی تمرکز تمام اختیارات در
 دست یک فرد بنام "ولی فقیه" و نفی حق مردم در تعیین سرنوشت خود، قبضه
 انحصاری تمام مواضع قدرت در دستهای حساس در دست آغوندها با ساختار سیاسی
 - دولتی قرون وسطایی، استبداد خونین مذهبی، جنگ طلبی جنون آمیز،
 ضدیت با منافع ملی، فرهنگ ستیزی و فساد دپوروی، پاسداری سیمانه از منافع

استثمارگران و دشمنی کینه‌توزانه با منافع کارگران و زحمتکشان، اعمال
 خشن ترین نوع ستم بر پیروان سایر مذاهب و برزنان، همه و همه نشانه‌های
 آن است که این رژیم، رژیمی است بنیاد ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک
 که سد مانع عمده تکامل جامعه ما است. هر نوع تحول بنیادین و انقلابی
 جامعه قبل از همه در گرو آن است که جمهوری اسلامی سرنگون شود و از سر راه
 برداشته شود.

براین پایه بود که کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
 در بنیاد نیه مشترک با حزب توده ایران، تحت عنوان پیروان دمبارزه خلق
 در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، همه نیروهای ملی و دموکراتیک
 کشور را به مبارزه ای متحد در راه سرنگونی جمهوری اسلامی فرا خواند. امری
 که از مدت‌ها پیش به نیازمیرم جنبش انقلابی میهن ما مبدل شده بود.

رفقا!

تحلیل واقعیات و تجربه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی از لحاظ ماهیت
 طبقاتی، رژیم پیرو زواپی و زنتظر شکل حکومتی، رژیمی تشوکر اتیک است.
 این رژیم هنوز یک دست نیست و علی‌رغم وحدت همه جتاهای آن در دفاع از منافع

روحانیت به مثابه یک قشراجماعی، بلحاظ وابستگی طبیفهای مختلف روحانیون به لایه های مختلف اجتماعی؛ همچنان گرایشات متفاوتی را حمل می کند. گرایشات وابسته به بورژوازی بزرگ، متوسط و کوچک و بزرگ مالکان در حکومت حضور دارند. در این میان بورژوازی بزرگ تجاری که مهمترین پایه طبقه روحانیت است، نقش ووزن عمده را داره. در جمهوری اسلامی بیش از همه منافع روحانیت و بورژوازی تجاری تامین می شود.

مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه با مجموعه هیات حاکمه ای است که اکنون قدرت حکومتی را به رهبری خمینی در دست دارد. اما این امر به معنای عدم توجه به اختلافات و تفاوهای جناح بندیهای درون حکومت نیست. توجه به این تفاوها و استفاده آنها برای گسترش مبارزه، امری لازم و ضرور است. به علاوه باید توجه داشت که رژیم ولایت فقیه، از نظر ساختار دولتی رژیمی است غیر منسجم، ناهمگون و سراپا تفاو. در این رژیم دوگانگی و چندگانگی نهادهای دولتی و تفاوهای با یکدیگر توأم با اختلافات شمی و دسته بندیهای متعددی که حول منافع گروهی شکل گرفته، مانع از عملکرد همگون دستگاه دولتی است. در عین حال تفاوهای آشکار رژیم ولایت فقیه با لزوم دست و پنیا زهای رشد و تکامل اقتصادی-اجتماعی جامعه ما و ضدیت آن با خواستها و منافع توده های خلق که به بحران اقتصادی-اجتماعی حادی منجر شده است روی تفاوهای درون حکومت تاثیر می گذارد و به آن دامن می زند.

با این حال باید تاکید کرد، منشاء اصلی تفاوهای جناحهای درون حکومت، وجود گرایشات متفاوت طبیفهای مختلف بورژوازی در آن است. زیرا تا شبر این گرایشات، بگونه ای با رژیم زمینه مسایل مربوط به سیاستهای اقتصادی دولت چونگی تقسیم قدرت و برخی جهات دیگر، دو جناح در حکومت شکل گرفته است. وحدت این دو جناح در حفظ نظام بهره کشی وستم و موجودیت رژیم ولایت فقیه و تحکیم آن، در کمونیسم ستیزی، شوروی ستیزی و توده ستیزی و جنگ طلبی است. در این عرصه آنها مواضع یکسان و پیا نزدیک به هم دارند و تحت رهبری خمینی متحدان عمل می کنند. هر دو جناح می گویند: نهادها و تشکل های اجتماعی، مذهبی و دولتی را در اختیار خود بگیرند. در یک جناح، علیرغم تداوم حضور گرایشات ناهمگون و تاکید بر منافع روحانیت، نظریات و تمایلات بورژوازی بزرگ تجاری بیشتر مشخص می شود. بورژوازی بزرگ تجاری ایران به مرحله ای از تمرکز سرمایه و ثروت رسیده است که فضای بازتری را برای گسترش سرمایه و کسب سودهای کلان خود می جوید. برای سرمایه بورژوازی بزرگ تجاری می گویند هرگونه مانعی از سرمایه تمرکز و انباشت سرمایه و مالکیت بر زمین و وسایل تولید برداشته شود. لذا "مشروعیت" سرمایه با انحصاری را نیز طلب می کند. این بورژوازی، انحصار توزیع برخی از کالاهای مورد نیاز را در دست دارد و آن را از جمله باپوشش "تعاونی" کنترل می کند. این جریان هرگونه کنترل دولتی اقتصاد، قیمت گذاری، مالیات و سرمایه گذاری دولتی و از این قبیل را رد می کند و "غیر شرعی" می شناسد. این نیروها خواهان انتقال کامل بازرگانی خارجی و مالکیت واحدهای بزرگ تولیدی سودآور دولتی یا تحت مدیریت و کنترل دولت به بخش خصوصی است و از منافع بورژوازی بزرگ و بزرگ مالکان بطور کلی دفاع می کند.

آیت الله خمینی در کتکتهای میان دو جناح حکومتی همچون گذشته با تکیه روی موازین اسلام و شعار نه شرقی، نه غربی به مسانور سیاسی میان آنها ادامه می دهد. نقش ویژه وی آن است که برای حفظ وحدت جناحهای حاکمیت و تامین نیروی کافی برای دفاع از جمهوری اسلامی تلاش می کند. ما فوق تفاوهای جناح بندیهای هیات حاکمه قرار گیرد. ما نورهای خمینی در خدمت تحکیم مواضع روحانیت قرار داد و مواضع بزرگ مالکان و وکلان سرمایه داران را تقویت می کند.

در طی سالهای ۶۳ و ۶۴ با فرامین خمینی در انتقال بیشتر مالکیت موسسات تولیدی و خدماتی و شرکتها و زمینهای دولتی و پیا تحت نظارت دولت به سرمایه داران بزرگ و تجار، سیاست این جناح در این عرصه با سرعت بیشتری از گذشته پیش رفت. مطابق فرمان مرداد ۶۴ "بنیاد مستضعفان" موظف شد کارخانه ها، شرکتها و املاک خود را به بخش خصوصی منتقل کند. این بنیاد

سرمت ساخته می و با زردانی ، ۶ تریلت هواپیما بی ۷۰ میلپارادو مسان
زمین در اختیار دارد. در پی دستور ۴ شهریور او ، وزارت صنایع و اگذاری
واحدهای صادره شده را آغاز کرد. در ۷ دی ۶۳ طرح واگذاری شرکت واحد
تویبوسرانی تهران به بخش خصوصی زیرپوشش تعاونی ، در کمیسیون مجلسین
تصویب شد. در ۲۹ بهمن ۶۳ دولت دستور داد ، با تک صنعت و معدن واحدهای
تحت مسئولیت خود را منتقل نماید. اکنون واگذاری معادن کشور ، موسسات
آموزشی ، اداره شهرداریها و غیره در دست بررسی است. این فاکتها پبشریت
ببشترتسیاست این جناح در عرصه مسایل مربوط به مالکیت زمین و مسایل
تولید و موسسات خدماتی را مدلل می سازد.

در جناح دیگر حکومت نیروهای هستند که در نظرات و سیاستهای اقتصادی
آنان علاوه بر تاحکید بر منافع روهانیت ، منافع بخشهای وسیع تتری از
بورژوازی ، از جمله منافع اقشار پایین تر بورژوازی که کاهش نقش دولت در
کنترل اقتصاد کشور را به زیان منافع خود تشخیص میدهند انعکاس می یابد.
نیروهای که در رأس این جناح قرار دارند در بدو زمان منافع سرمایه داری
بزرگ خصوصی مخالف نیستند و از تجاربزرگ و همه سرمایه داران بزرگ دعوت
می کنند که در تولید و سرمایه گذاری در این عرصه فعالیت کنند. اما پس
سرمایه انحصاری ، با تمرکز تراکم مالکیت زمین و مسایل عمده تولید و نیز
گسترش آن در توزیع مخالفت می کنند. سیاستهای برخی سخنگویان این
جریان در طی سالهای پس از انقلاب کمک کرده چندین هزار واحد تولیدی
کوچک با سرمایه متوسط ۵ میلیون تومان و با حداکثر ۱۵ نفر ایجا شد.

تفا در این دو جناح از کانونهای تشدید بحران سیاسی در هیات حاکمه
محبوب می گردد. هر زمان که این تفا دفا شده و در سطح جامعه انعکاس یافته ،
بر فعالیت انقلابی ، اعتراضی و مطالباتی توده ها ، بر افزایش امکانات
برای فعالیت سازمانهای انقلابی و در جهت گسترش آنها اثر کرده است .
گسترش جنبش انقلابی و توده ای مردم نیز در تشدید این تفا ، نقش موثر داشته
است و در آینده نیز در زرقش آن تاثیر خواهد کرد. قدر مسلم این است که گسترش
این تفا دو جهت آن ، در گونگی وضعیت سیاسی کشور و در فعالیت سیاسی
و مطالباتی نیروهای نقش ایفا می کند . عملگوردردی در این زمینه
تفا در ایجاد جهت مورد توجه کمونیستهای کشور را قرار گیرد . ممکن است که
روند گسترش این تفا در بحرانهای کم یا پر دامنه سیاسی همراه شود . با زمان
ما می گوئید که از آنها در جهت تقویت مواضع نیروهای انقلابی و ترمیمی
سرنگونی رژیم بهره برداری کند .

رفقا!

هرگاه مساله سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق مطرح
شود ، لزوماً با پیاده تحقق آن در مرکز توجه قرار گیرد ، مردم ایران و سازمان
ما خواستار حل مسالمت آمیز تفا دهای جامعه و تحقق مسالمت آمیز انقلابند .
ولی رژیم جمهوری اسلامی امکان تحول مسالمت آمیز را از میان برده است .
رژیم امکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهر آمیز سلب کرده است از اینرو
تنها راه خلق برای بدست گرفتن قدرت سیاسی ، اعمال قهر انقلابی است .
سازمان ما وظیفه خود می داند که طبقه کارگر و همه مردم ایران را برای مبارزه
مسلحانه جهت سرنگونی رژیم آماده سازد . علاوه بر آن سازمان
ما وظیفه خود می شناسد که ارگانهای قهر رژیم را از درون فلج سازد و در نیرو
های مسلح رژیم ، پایگاه نیرومندی پدید آورد و به موازات آن انصراف و
درجاهداران ضد جنگ ، آزاده و میهن پرست را ، حول اجرای خط مشی خود گرد آورد
و سازمان دهد .

این تحلیل بیچ وجه سیاسی اهمیت اشکال مسالمت آمیز مبارزه نیست .
بویژه در وضع فعلی جنبش توده ای ، می توان و باید در مبارزه علیه رژیم ،
همه شیوه های مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز را بکار گرفت .

رفقا!

اکنون نیروها می که در مقابل حاکمیت جمهوری اسلامی قرار گرفتند و در صحنه سیاسی کشور فعالند، متعدد و متنوعاً وقت هستند. اثرات فعلیت این نیروها بر اوضاع سیاسی کشوریگس نیست. برخی نیز تا شیرنا چیز برسیر رویدادها دارند. مجموعه نیروهای اپوزیسیون نظریه ما هیت طبقائی و تحولاتی که هر یک در اوضاع کشور و حاکمیت سیاسی طلب می کنند به جریان های مختلف تقسیم می شوند:

یک گروه سلطنت طلبان هستند. این جریان حول مثلث پهلوی - بختیار - امینی متشکل شده و رهبری می شوند. هدف آنها بازگرداندن رژیم سابق بجای حکومت فعلی است. برنا مه آنها احیای سلطه سرمایه داران بسزرگ وابسته به امپریالیسم آمریکا، احیای کامل مواضع امپریالیسم جهانی و احیای دوباره شکل سلطنتی حکومت است. آنها برای استقرار مجدد آن رژیم مبارزه می کنند که انقلاب بزرگ بهمین به زیاده ان تاریخ افکند. بهمین دلیل برنا مه و خط مشی آنها ارتجاعی و همه تلاش های آنها نیز از موضع ارتجاعی است. این جریان از حمایت همه جا نیه امپریالیسم آمریکا و متحدین آن برخوردار است و توسط آنها تقویت می شود. سلطنت طلبان یک جریان وابسته به امپریالیسم هستند.

این جریان از امکانات درون رژیم خمینی تغذیه می کند و سود می جوید و تلاش می کند در درون نیروهای مسلح، افسران سلطنت طلب را متشکل کند. علاوه بر آن تلاش می کند که با تکیه بر نفوذ پارچای آنها و فتوای الهی منطبق بشیر، از نیروهای عشا یر بهره گیرد. جریان بشیرا خمینی، به دستما به عوا فریبی های این جریان علیه انقلاب بهمین تبدیل شده است. این جریان دشمن مردم است و با بدبه موازات رژیم تبهکار خمینی در تمام جهات علیه این دشمنان شناخته شده خلق شیروپیکرانه نبرد کرد.

جریان بورژوازی - لیبرال گروه دیگر اپوزیسیون است. در طیف آنان، هم گروههای مذهبی و هم گروههای غیر مذهبی وجود دارند. سازمان در قبایل بورژوازی لیبرال از خط مشی افشا و انفرادان از جنبش انقلابی مردم ایران پیروی می کند.

در شرایط کنونی جریان "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان در پیشا پیش نیروها می قرار گرفته است که تحول بورژوازی - لیبرالی در حکومت را دنبال می کند. برنا مه "نهضت آزادی" حفظ نظام سرمایه داری ایران، هموارتر کردن راه رشدان و نیز برقراری روابط "دوستانه" با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است. "نهضت آزادی" برای جرای این برنا مه انجام تغییراتی در حکومت و سیاست آن را با استفاده از روش های قانونی

در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ضروری می بیند. این جریان مخالف ادامه جنگ و انحصار قدرت در دست آخوندهاست و برای تا مین برخی آزادی ها و تا مین فعلیت خود دستجات مشا به تلاش می کند. این فعلیت اکثر آنها واکنش سرکوبگرانه دستجات چما قدار حزب الله موا جبهه است. واکنشی که افشا گرما هیت عمیقاً فده موکراتیک رژیم ولایت فقیه است. این نیرو تلاش می کند که در راه مبارزات مردم قرار گیرد و نیروی توده ها را در جهت اهداف خود غرضانه و سازشکارانه منحرف سازد. امپریالیسم آمریکا و نیروهای سلطنت طلب از تقویت این جریان استقبال می کنند. مهدی بازرگان اخیراً با دعوت عده ای از رجال بازنشسته جبهه ملی سابق و برخی عناصر مشا به برای ایجا دیک جا بجایی لیبرالی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی جریان تازه ای تحت عنوان "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" تشکیل داده است. هدف سفر سال گذشته بازرگان به آلمان و سفر کنونی ابراهیم پزندی به آمریکا جلب حمایت قدرتهای امپریالیستی غرب و محافسل

این نیرو، افشای ماهیت برنما و سازشکاری آن با ولایت فقیه و امپریالیسم
ورواپدان با سلطنت طلبان و جهت جلوگیری از نفوذ آن در میان توده‌هاست.
اکنون باید برای همه توضیح داد که علت اینکه در رژیم ولایت فقیه
میهن پرستان و انقلابیون و عیناً مردم موکرات و مترقی زیر شکنجه و پهای جوخه
اعدام به شهادت می‌رسند و سرکوب می‌شوند، ما با زرگانها تحمل می‌شوید و
امکان می‌یابد برای شرکت در قدرت و تأمین اهداف سیاسی خود، دسته‌درست
کنند، آن است که آنها با این رژیم به لحاظ مواضع ایدئولوژیک و اهداف
طبقاتی همخوانی و اشتراکات زیادی دارند.

درباره "شورای ملی مقاومت ایران" قبل از هر چیز باید گفت که اولاً
این کانون برخلاف برنامه خود، سواً سازمان مجاهدین هیچ یک از دیگر نیروهای
شناخته شده و موثر جنبش ملی مقاومت ایران را در بر نمی‌گیرد، مثلاً این
شورا با نیروی اجبلی و پیگیر مقاومت خلق ایران یعنی جنبش کمونیستی
ایران نه‌را به‌درون در رفتار خصمانه خود با آن تجدید نظر کرده است، پس
یکسال و نیم اخیر تعدادی از نیروهای آن ترجیح دادند که فعالیت خود را در
خارج از این کانون ادامه دهند. حزب دموکرات کردستان ایران، مهمترین
آنها بود. در حال حاضر نیروی اصلی واراده واقعی این "شورا" سازمان
مجاهدین خلق است.

بررسی برنما ملاحظه می‌شود که سازمان مجاهدین نشان می‌دهد که رهبری این نیرو در
برنما ملاحظه می‌شود و در عرصه فعالیت ایدئولوژیک و حیات درون سازمانی به شکل
بازری از مواضع انقلابی و دموکراتیک سابق خود عقب‌نشسته است. محتوی
طبقاتی برنما ملاحظه می‌شود و خط مشی سیاسی و مستگیری کنونی دستگا رهبری مجاهدین
بورژوازی و راست‌گرایانه است. سیاست و مستگیری کنونی این سازمان
بطور کلی در چارچوب مواضع "دموکراسی ملی" است. اما در میان نیروهای
اجتماعی هوادار مجاهدین تمایلات دموکراتیک و مردمی همچنان نیرومند
است. علیرغم اینکه ما با مواضع و مستگیری دستگا رهبری مجاهدین
نسبت به قدرت‌های امپریالیستی، نسبت به جنبش‌ها و کشورهای مترقی
و نسبت به سایر نیروهای مترقی ایران موافق نیستیم و آثاری برای سازمان
مجاهدین و جنبش انقلابی ایران زیانبار می‌شناسیم، با اینحال تصریح
می‌کنیم بنا بر خلعت مرحله کنونی مبارزه، سازمان مجاهدین خلق متحد
نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. برای پایه‌سیاست سازمان مسا
نسبت به این نیرو، اتحاد مبارزه است. هدف عاجل این سیاست تأمین
اشتراک سیاسی و وحدت عمل موثر و اتحاد میان دو سازمان برای سرنگونی
رژیم خمینی و تأمین خواستهای مردم خلق یعنی صلح و آزادی است. ما مکتب را از
مجاهدین دعوت کرده‌ایم به راهی برگردند که آن را ترک کرده‌اند. امتناع
از همکاری و وحدت عمل با جنبش کمونیستی و کارگری ایران، که یگانگی
آن بیم امپریالیسم و بورژوازی بزرگ است، فدیته با کمونیست‌ها که از
سیاست جلب حمایت و دوستی با امپریالیسم و ارتجاع نیز سرچشمه می‌گیرد،
قبل از همه هرگونه خلعت دموکراتیک و شرقی‌خواهانه حاصلین آنرا ملاحظه
خود قرار می‌دهد.

در حال حاضر سازمان مجاهدین، پذیرش رهبری خود را شرط اتحاد دموکراتی
بایدگران قرار داده است. واضح است که گذاشتن چنین شرطی از طرف هر
نیرو که باشد عملاً به معنی نفی اتحاد و در غلطیدن به سکتاریسم است. به صلاح
آنها و به سود مردم ستم‌دیده‌هاست که اینگونه شرط و شروطهای غیر واقع‌بینانه
کنار گذاشته شود. ما در موضوع اتحاد دموکراتی اینگونه شرایط را اساساً رد
می‌کنیم و بجای آن پلاتفرم مشترک را پیشنهاد می‌کنیم.
با این حال ما از مبارزه مجاهدین علیه رژیم حمایت می‌کنیم. سازمان
ما جنبات رژیم علیه مجاهدین را افشا و محکوم می‌کند. تأمین همکاری
و دوام آن، با گسترش کار مشترک در پامین نیز مربوط می‌شود. علیرغم
موانعی که در پامین وجود دارد، زمینه همکاری در پامین کاملاً وجود دارد. فداییان
خلق از کار مشترک در محیط کار روزندگی با مجاهدین استقبال می‌کنند و

از آنان در برابر آنها هم رژیم حمایت می کنند. این فعالیت به گسترش مبارزه علیه رژیم کمک می کند.

در همین حال، سازمان ما وظیفه خود و همه فداییان خلق می دانند که مردم را از خصلت بورژوازی برنامہ، خط مشی و مستگیری کثونی سازمان مجاهدین و پذیرش ایجاب دولتی اسلامی از سوی آنان آگاه سازد و عوارض خطرناک سیاست جلب دوستی و حمایت امپریالیسم و ارتجاع عرب و انحصارطلبی سیاسی مجاهدین را خاطرنشان سازد و نیز اهداف ارتجاعی تبلیغاتی و سمپاشی های رهبری سازمان مجاهدین خلق علیه کمونیست ها و نیروهای انقلابی را تا به آخر افشا کند. ما امیدواریم که توضیحات اخیر محافل ارتجاعی و راست فراسه علیه مجاهدین، رهبری آنان را به درک آثار مخرب سیاست جلب اعتماد امپریالیسم رهنمون شود و به تجدید نظر در مواضع کثونی سوق دهد. با سیاستی که مجاهدین دنبال می کنند آنچه که امروز در فرانسہ علیه مجاهدین سن در حال تکوین است، فردا ممکن است در جای دیگری تکرار شود. به علاوه ایسمن مسلم است که اگر چشم انداز پایان جنگ روشن شود، دلایل کثونی برای صدام چنان تکرارگانی نخواهند بود که به حمایت سیاسی و مادی خود از سازمان مجاهدین ادامه دهد.

سازمان مجاهدین باید به راه نزدیکی با کمونیستهای ایران بازگردد و سیاست جلب اعتماد امپریالیسم و ارتجاع مطلقه و دوری از کمونیست ها را رها سازد و در قرقگاه امپریالیسم و ارتجاع، در میان محافل و احزاب امپریالیستی و ارتجاعی برای تحقق آرزوهای که سازمان مجاهدین برای جامعه مستقل پوشیدن به آنها بوجود آمد، متحد و مددکاری وجود ندارد. به علاوه تا سلف بسیار است و وقتی مشاهده می شود که ولع رهبری مجاهدین برای بهره برداری از تفادیر محافل امپریالیستی اروپا و ارتجاع عرب با رژیم ایران، این رهبری را به وسیله ای برای حل اختلافات بسازد رژیم خمینی تبدیل می کند.

رفقا!

در میهن ما علاوه بر سازمانهای سراسری نیروهای دیگری هم هستند که در میان خلق های تحت ستم مبارزه می کنند و آماج عمده آنان رفع ستم ملی است. اهمیت مسأله ملی و نقش این نیروها در جنبش دموکراتیک و مبارزه بخاطر سرنگونی رژیم ایجاب می کند که سازمان پیگیرانه در راه اتحاد با این نیروها در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی تلاش ورزد.

در این زمینه قبل از همه باید به حزب دموکرات کردستان ایران اشاره کرد. هدف اعلام شده خط مشی سیاسی و مبارزه این حزب تا همین خودمختاری کردستان و دموکراسی در ایران است. حزب کردستان ایران آماج نهایی خود را از سوسیالیسم به سوسیالیسم دموکراتیک تغییر داده است. سوسیالیسم دموکراتیک هموار کردن رشد دموکراتیک سرمایه داری در کردستان را پی می گیرد و در مرحله کثونی ناسیونالیسم شرقی خواه خلق کرد را نمایندگان می کند. در شرایط کثونی حزب دموکرات کردستان ایران، نقش عمده ای در جنبش ملی و دموکراتیک مردم کردستان ایفا می کند. سازمان در روابط خود با حزب دموکرات کردستان از سیاست اتحاد مبارزه پیروی می کند. بر این پایه سازمان حزب دموکرات را به اتحاد در جنبه واحد در راه اهداف مشترک و سرنگونی جمهوری اسلامی فرامی خواند. سازمان ما از مبارزه حزب دموکرات علیه حکومت پشیمان و تهاجم رژیم علیه آن را افضا و محکوم می کند.

در همین حال سازمان پس رفت حزب دموکرات کردستان به مواضع سوسیالیسم دموکراتیک و نیز آثار زبانی بخش آن در تقویت گرایش بورژوازی در آن حزب و نیز تمایلات انحصارطلبانه و سلطه جویانه آنرا مورد انتقاد قرار می دهد و برای تقویت تمایلات دموکراتیک در قبال تمایلات راستگرایانه، سلطه جویانه و تنگ نظرانه درون جنبش ملی کرد مبارزه خواهد کرد.

جنبش ملی خلق کرد اکنون از خرابکاری دارو دسته شبه پل پوتیسسم و ارتجاعی حزب کذایی "کمونیست" که کولمه نیروی اصلی آن است آسیب

در جنبش کمونیستی و کارگری ایران است و می‌بایست تنها ما افشا و منفرد نشود. سیاست، برنامه و مواضع ایدئولوژیک رهبری کومله همان مواضع حزب کدایی است. اما در میان اعضا و پیشمرگه‌های کومله عناصر زیادی وجود دارند که مادقانه برای رفع ستم ملی و سعادت مردم زحمتکش کردستان مبارزه می‌کنند. وظیفه ماست که با برخورد مثبت بکشیم این عناصر را حزب کدایی جدا شوند و راه صحیح مبارزه را انتخاب کنند.

رفقا!

جنبش کمونیستی ایران پیگیرترین نیروی انقلابی در میان نیروهای اپوزیسیون ترقیخواه کشور است. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران گردانهای پیشا هنگ طبقه کارگر ایران و دیگر سازمانهای مارکسیست - لنینیست، نیروهای این جنبش را تشکیل می‌دهند. سازمان ما برای وحدت جنبش کمونیستی در وحدت بخشیدن به طبقه کارگر و جنبش خلق اهمیت و نقش درجه اول قایل است. اتحاد طبقه کارگر و مبارزان راه و آرمان آن، در فراهم آوردن شرایط ذهنی ضرور برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران شرطی اساسی است. بدون مبارزه در راه وحدت پیشا هنگ طبقه کارگر در یک سازمان واحد، صحبت کردن از مبارزه در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک ملی ایران بی‌معناست. کمونیست‌ها خوب درک می‌کنند که چگونه روبرویی نیروهای پیشا هنگ طبقه کارگر و تشدید تضادها و اختلافات میان آنها به تضعیف مواضع طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک می‌انجامد و چگونه حرکت کمونیست‌ها به سوی وحدت در حزب واحد طبقه کارگر مواضع آن را در جنبش و جامعه تقویت می‌کند. هم‌اکنون در ایران که سازمان ما در راه وحدت همه نیروها و سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروولتاری و حول برنامه و اساسنامه واحد، پیگیرانه مبارزه می‌کند. سازمان در این مبارزه و در روابط خود با سایر نیروهای جنبش کمونیستی ایران از اصول برابری و حقوقی پیروی می‌کند. در سراز این وحدت هر چند مواضع متعددی وجود دارد، ولی سازمان مضم است که بر مواضع غلبه کند و خواهد کرد.

در این شرایط که دشمنان طبقه کارگر، تمام نیروی خود را برای برآوردن تخم عدم اعتماد، بدبینی و خصومت میان نیروهای فعال در جنبش کمونیستی و کارگری ایران بکار گرفته‌اند، ترویج هر چه فعالیت‌ها و موثرتر یافته وحدت و مبارزه در راه آن از اهمیت و الویت خاص برخوردار است. بعلاوه با پیدایش کید کردگانه مبارزه در راه وحدت یک مفهوم کلی و عاری از وظایف مشخص نیست. این مبارزه وظایف مشخصی را فراروی ما قرار می‌دهد که باید پیگیرانه در راه انجام آن گام برداریم. در شرایط فعلی اهم این وظایف عبارتند از:

- مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی و نیز همکاری و اتحاد عمل و مشاوره و همفکری سازمان و حزب با هدف ارتقا و وحدت کنونی به سطح وحدتی همه جانبه

- مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی و نیز اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات سازمان با سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران.

- کار بست اشکال و شیوه‌های موثر و متنوع مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروولتاری، علیه هرگونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونیستی و در حفظ پاکیزگی آن.

سازمان به موازات مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران، برای نیرومندی و تقویت پایگاه توده‌ای خود، یعنی برای تبلیغ مواضع سازمان و بسیج خلق تحت رهبری خود مبارزه می‌کند. هر چه سازمان نیرومندتر گردد، جنبش کمونیستی و کارگری مبین ما قوی تر خواهد شد. در مبارزه با ظلمت‌ها و مین وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزب واحد پیشا هنگ طبقه کارگر ایران، باید لزوماً اهمیت تأمین وحدت فکری و سیاسی با سازمانهای معتقد به مارکسیسم - لنینیسم، از جمله گروه منشعب

از سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - پیروبیانیه ۱۶ آذر - سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و برخی گروههای مشابه نیز مورد توجه قرار گیرد. دامنه ناچیز تا شير مستقيم حرکت و فعاليت اين جريانها در کشور نمی تواند و نباید مانع توجه ما به اهمیت موضوع گردد. واقعیت این است که با تبدیل رودر روی و خصوصیت این گروهها به سوی همکاری در مبارزه با خطر سرنگونی رژیم، در عمل نیروی به مراتب بیشتری از جمع جبری نیروهای ما به سوی دفاع از مواضع طبقه کارگر و مواضع پیشاهنگ آن جلب خواهد شد. مساله مقدم گاه این گروهها باید در رابطه با اتحاد عمل با سایر نیروهای دموکراتیک کشور حل کنند، آن است که آنها در عمل همکاری با سایر جریانهای مارکسیستی، دموکرات و مترقی را به علت وجود اختلاف نظر در زمینه مسائل ایدئولوژیک بکنی و اتحاد عمل علیه ارتجاع حاکم بر ایران و امپریالیسم جهانی را موکول به حل اختلافات مذکور می کنند. بعلاوه آنها با اساساً خواهان اتحاد نیروهای دموکراتیک نشده اند و باید بر رهبری خود را شرط تشکیل جبهه با اتحاد با سایر نیروهای ترقیخواه کشور قرار می دهند. ما با چنین سیاستی موافق نیستیم. تا شير عینی این نحوه برخورد فقط و فقط تضمین مواضع طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در روند رویدادهای کشور است. بعلاوه واقعیت این است که سمت اساسی مبارزه سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) علیه رژیم خمینی و برای سرنگونی آن و گشودن راه نامین اساسی ترین خواستههای مردم، با وظایف مبرمی گه راه کارگر و پیروان بیاشیه ۱۶ آذر فراروی خود قرار می دهند، نه تنها نافی یکدیگر نیست، بلکه مشخصاً در یک راستاست. اما متأسفانه این دو سازمان و محافل آنها به جای تکیه بر این نقاط وحدت و کوشش متوالانه برای گسترش دامنه آن - مبارزه علیه سازمان و خصوصیت آن را به سود خود می بندارند. اما ما هرگز نه این سیاست آنان را به سود آرمانهایشان تلقی کرده ایم و نه مقابله به مثل را به سود مردم ایران تلقی خواهیم کرد. باشد که استواری ما در قانع در مواضع مارکسیسم - لنینیزم و انترناسیونالیسم پرولتری و بیگاری امان علیه هرگونه انحراف از آن، و پیشبرد فعالانه و فداکارانه مبارزه علیه رژیم خمینی و نقضی که عملاً در جنبش کارگری و توده ای ایران بر عهده داریم، سرانجام راه همکاری، اتحاد عمل، وحدت فکری، سیاسی و سازمانی با دست کم اکثریت این نیروها را بگشاید.

در اینجا بجای است - جریان "اقلیت" که نزدیک به ۶ سال پیش از سازمان انشعبا کرد نیز مورد اشاره قرار گیرد. این جریان که تحت عنوان "سازمان جریکهای فدایی خلق" فعالیت خود را آغاز کرده، راه غم انگیزی را طی این مدت پیموده است. این جریان نه تنها برضعفها و انحرافات خود غلبه نکرد، بلکه همراه با تحمل انشعبات مکرر مشخصاً و مصراً در همان راه کج تا امروز پیش رفته است. جای تاسف بسیار است که رهبری فعلی این جریان تا امروز تنها عرصه فعالیت خود را در خارج از کشور و در ترکیبی فیزیکی خوین با همه جریانهای مترقی و انقلابی ایران یافت، اقلیت طی این مدت روز به روز به قهقرا رفته است. سکتاریسم مفرط کار این گروه و امتیاسفانه به آنجا کشیده است که چندی پیش نزدیکترین رفیقان همراه نیز در این گروه بر روی یکدیگر اسلحه کشیدند و بدست خود شهید بر جای گذاشتند و انشعبا خوینتی را سازمان دادند. اکنون ۶ سال است که روند انشعبا و تجزیه پیاپی و تشدید خصومت این جریان با سایر نیروهای ترقیخواه ایران پیوسته تشدید شده است. با این حال سیاست ما نسبت به این جریان همچنان کوشش در جهت ترک مقابله با سایر نیروهای دموکراتیک و پذیرش همکاری علیه رژیم خمینی از طریق تقویت مواضع نیروهای سالم آن است. بعلاوه ما در همه جا وظیفه خود می دانیم که علیه هر خصومت حاد این جریان با سازمان، از فعالین آن در برابر یورش سرکوبگرانه رژیم تا هر جا که ممکن است حمایت کنیم.

رفقا!

بدین ترتیب سازمان ما به موازات مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران، در راه اتحاد نیروهای فدا مپریالیستی، دموکراتیک و انقلابی

نیستند، بلکه مشخصاً در خدمت یکدیگر قرار می‌گیرند. همانطور که مشاهده می‌کنید، در تشکیل هر چه سریعتر جنبه‌های که همه نیروهای انقلابی و مترقی کشور را در بر گیرد، ضرورت تام و تمام دارد. آرایش نیروهای سیاسی کشور حاکی از آن است که در حال حاضر نیروهای بی‌گانه می‌توانند در جنبه متحد خلق شرکت کنند. بنابراین: سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، گروه منشعب سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - پیروان بی‌سابقه ۱۶ آذر - سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر) و سایر گروه‌های مشابه سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب دمکرات کردستان ایران و سایر جریانهای ملی در سایر مناطق کشور. باید کوشید معاضد و شغف‌های ملی و مترقی و دموکرات که با جنگ و "ولایت فقیه" مخالفانند با این جنبه جلب گردند. تشکیل چنین جنبه‌های از مسایل جادو می‌برم جنبش ماست. در این میان وظیفه سازمان ما بسیار سنگین و خطیر است. فداییان خلق باید معاضد با ربر سطح فعالیت کنونی خود بسیار فزایدند؛ هم‌در راه متحد و متشکل کردن طبقه کارگر و جنبش توده‌ای و هدایت آن و هم در راه متحد و متشکل کردن نیروهای انقلابی و مترقی و پیوند این دو وظیفه با یکدیگر. در وضع کنونی آرایش سیاسی نیروها، این گذشته‌ها بی‌تاریخی، همه نیروهای ضد امپریالیستی دموکراتیک و انقلابی ایران را به درک مسئولیت تاریخی خود برای خوانندگانشان را به پاسخگویی مثبت به فراخوان‌های سازمان دعوت می‌کند.

جنبش توده‌ای و وظایف ما

سیاست فدرالی و فدموکراتیک رژیم بویژه ادامه جنون آمیز جنگ ارتجاعی توده‌های خلق را به سوی تشدید مبارزه برای تحقق خواسته‌های بروج خود سوق داده است. در این مبارزه، توده‌ها هر چه بیشتر درک می‌کنند که تا رژیم خمینی هست هیچیک از مطالبات و آرزوهای دیرین آنان تحقق نخواهد یافت. در این میان قبل از همه باید از جنبش فراگیر طرح نام برد. این جنبش وسیع ترین اقشار و طبقات جامعه ما را در بر می‌گیرد. خیل عظیم قریبانیان این جنگ کثیف کارگران، دهقانان و بویژه جوانان زحمتکش اند. زحمتکشان آزادانه جنگ بیشترین زیان را متحمل می‌شوند. و خاتمه روز افزون وضع زندگی مردم، بی‌کاری و گران و وحشتناک که گلوی مردم را می‌فشارد، قبیل از همه ناشی از ادامه جنگ است. این جنگ حتی مناقع سرمایه‌داری را هم که به آرزو حمایت مالی دولت نیازمندند به خطر انداخته است. آنها نیز نیاز خواهند داشت قطع جنگ اند. مبارزه در راه بسیج همگانی برای صلح و ارتقاء آن تا سطح مبارزه قاطع توده‌ای علیه رژیم از مدرو و وظایف سازمان است. فداییان خلق در انجام این وظیفه دلیرانه پیگیری کنند. در بسیاری از اعتراضات و تظاهرات توده‌ای علیه جنگ بویژه در تظاهرات توده‌ای محله ۱۲ آبان نیروهای ما نقش برجسته‌ای داشته‌اند. در اعتراضات مردم علیه جنگ، نقش و تاثیر فداییان خلق در حال افزایش است.

قطع فوری جنگ و برقراری صلح مهمترین خواست پرسنل میهن پرست است و صلح دوست نیروهای مسلح ایران نیز هست. تبلیغ صلح و هدایت مبارزه سربازان و درجه‌داران و افسران علیه جنگ، در جنبه‌ها و وپادگان‌ها و تشویق آنان به امتناع از شرکت در ادامه جنگ باید به عرصه مهم پیگیری در راه صلح تبدیل گردد.

اکنون جریانه‌های بورژوازی تلاش می‌کنند در چرخ مبارزه در راه صلح وارد دست گیرند. باید مانع تحقق این امر شد و در این رابطه نیز لازم است که سازمان، همه اعصاب و هواداران آن، در شهرها و روستاها، در میان همه اقشار و طبقات مردمی، در پادگان‌ها و در جنبه‌ها فعالیت خود را علیه جنگ و برای صلح بیشتر از گذشته گسترش دهند. جنبش توده‌ای کارگری همچنان فعال است. قطع اخراج‌ها، قانون کار

آفرینش جنبش توده‌ای دهقانی است. این جنبش علیرغم حمایت رژیم و ارگانهای سرکوب آن ازبزرگ مالکان، برای دستیابی به خواسته‌های خود همچنان در تلاش و مبارزه است. اکنون مبارزه حادی میان دهقانان زحمتکش و بزرگ مالکانی که به‌روستای گودندون نیز دادگانه‌های شرع و ارگانهای قهرامی آنها در روستاها در جریان است. توده‌دهقانان علیه تعرض بزرگ مالکان می‌ایستند و حتی علیه آنها بعدا عمال قهر نیز متوسل می‌شوند. رژیم علیرغم سرکوب خشن فادیه غلبه بر این جنبش و خاموشی آن نشده است. علاوه بر آن ایستادگی دهقانان در برابر رژیم افزایش می‌یابد. زیرا آگاهی آنها به ضرورت استقرار صلح که خود را در فرار موشولین و در پناه دادن به سربازان فراری می‌نمایاند، در حال گسترش است. زمین و صلح از مهمترین خواسته‌های توده‌دهقانان است.

مدرسهای پس از انقلاب در مقیاس تمام کشور در میان دهقانان فعالیت و مبارزه مطالباتی آنها را سازماندهی می‌کنیم. در این زمینه نقش سازمان واقعا موثر بود. در طی یکی دو سال اخیر متاسفانه بایده‌گفتی سطح فعالیت مساعی در روستاها در اثر تغییر عوامل ذهنی و ذهنی به حد اقل رسیده و در بسیاری موارد اصلا فعالیت وجود ندارد. توجه به تجدید فعالیت سازمان در روستاها، نظریه نقش اجتماعی دهقانان که از گروههای بزرگ جامعه ما هستند، از اهمیت است فوق العاده برخوردار است.

سیاست سازمان ما در زمینه متشکل کردن توده‌دهقانان این است که زمینه‌های تشکیل اتحادیه‌های دهقانی در روستا - بویژه در روستاهای بزرگ - با گردآوری دهقانان آگاه و عناصر آشنا به محیط روستا - بی‌ریزی شود. تجربه اتحادیه‌های شوراهای ترکمن صحرا که فداییان خلق اکتفا بر سازماندهی آنها دارند، نمونه‌ای از آمادگی توده‌دهقانان برای متشکل شدن است. در همین حال ما می‌کوشیم که دهقانان آگاه رهبری شوراهای اسلامی روستایی را بدست گیرند. امروز تعداد این شوراهای ۴۰ هزار رسیده است. اکثریت قریب به اتفاق آنها در دست عوامل حکومت است. فداییان خلق تلاش می‌کنند که عوامل حکومت از شوراهای تصفیه شوند.

امروز ما می‌توانیم از یک جنبش اعتراضی و عدالت خواهانه‌ای نام ببریم که در حاشیه شهرها در جریان است. روستاییان مهاجر از نیروهای فعال این جنبش هستند. اما شرکت کنندگان آن به مهاجران روستایی محدود نمی‌شود. در این جنبش کارگران، زحمتکشان و بویژه زنان نقش فعالی دارند. مبارزات زحمتکشان حاشیه شهرها برای مسکن، آب، برق و نان و از این قبیل، در اکثر موارد به درگیری خونین با کمیته‌وسپاه و شهرداری منتهی می‌شود. حلبی آب‌دها حومه شهرهای بزرگ بیشتر مواقع شاهد چنین درگیریهای هستند. درگیریهای خونین حاشیه‌نشینان با رژیم جلوه‌نمای آرزوهای عمیق آنها برای سرنگونی رژیم و نشانه بارز فلاکت زندگی آنها است.

رفقا!

با استقرار رژیم ولایت فقیه مساله زنان به یکی از مسایل حاد کشور ما تبدیل شد. رژیم با قوانین بسیار ارتجاعی و ظالمانه‌ای که به جامعه تحمیل کرده است، اساس زندگی خانواده‌ها را با خطر تلافی مواجه ساخته است. رژیم می‌کوشد بخش عمده‌ای از نیروی مولد جامعه را از فعالیت تولیدی و اجتماعی خارج سازد. برخورد بی‌گناهی ظالمانه و نفرت‌انگیز رژیم با زنان امروز اعتراض جامعه بشری علیه آن را برانگیخته است.

مبارزه توده‌ای و همه‌گیر علیه قوانین بی‌گناهی ارتجاعی رژیم در زمینه حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی زن، مبارزه علیه تحمیل اجباری چادر و چاقه بر زنان، مبارزه علیه هرگونه رفتار توهین‌آمیز و غیرانسانی دستجات حزب الله با زنان، افشای پیگیر احکام و وحشیانه دادگاه‌های مدنی و محاکم شرع علیه زنان و سازماندهی هر نوع اعتراض علیه این احکام

مبارزه برای تأمین حق کار و امنیت شغلی در جهت تأمین برابری کامل حقوق زن و مرد، آزمودنی‌ترین و مبرم‌ترین عرصه‌های کارزار دموکراتیک علیه رژیم ولایت فقیه است.

رژیم برای تحمیل زنان، محافل متعدد مذهبی ایجاد کرده است. افشای ماهیت اهداف و گردانندگان این محافل از وظایف مبرم مردم آنگاه ایران است.

در شرایط فعلی ایجادگسترش محافل وتشکل‌های محلی زنان آنگاه و دموکرات با مضمون کارروشنگرانه در میان توده‌زنان و آفشارگری علیه جنایات رژیم در حق زن و سازماندهی حرکات اعتراضی آنان، دارای اهمیت جدی است. خانواده شهدا و زندانیان سیاسی می‌توانند نقش موثری در این عرصه برعهده گیرند.

افشارگری پیرامون سیاست و رفتارخشن و جنایتکارانه رژیم علیه زنان در سطح بین‌المللی نزدیکی از مهمترین و موثرترین عرصه‌های افشای ماهیت رژیم است. ما می‌کوشیم در این عرصه فعالتر از گذشته به وظایف خود عمل کنیم.

دانشگاهها و مدارس عرصه دیگری از مبارزه علیه رژیم اند. در ۱/۵ سال اخیر، مبارزات نیروهای انقلابی و دانشجویان آزادخواه بیش از همه متوجه افشای ماهیت ضدانقلابی "ستاد انقلاب فرهنگی" و جنایات وابسته به آن، انجمن‌های اسلامی دانشگاه، برای توده دانشجویان بوده است.

برنامه این جریان‌ها برای اسلامی کردن دانشگاه سرنوشتی بغایت اسفناک برای دانشگاهها رقم زد. از همان ابتدا دانشجویان مبارزان آماج اصلی تهاجم رژیم بردانشگاهها بوده‌اند. آنها هزاران اخراج، زندانی و شهید دادند. امروز علیرغم سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی جوانه‌های احیای این جنبش و روندبازایی نقش آن در مبارزه عمومی علیه ارتجاع رشد است. بگی از راه‌های احیای این جنبش مبارزه قاطع علیه ارگانهای ارتجاع در دانشگاه و برای تحقق مطالبات منفی و عمومی دانشجویان است. این جنبش هرچه بیشتر احیا شود نقش مهمتری در مبارزه افشارگرانه علیه رژیم ایفا خواهد کرد.

در طی ۱۵ سال اخیر علاوه بر آخوندها و حزب الله، عمال وزارت اطلاعات نیز بردانشگاه دست انداخته و می‌کوشند که با کنترل کنکور و گزینش دانشجویان و با ادامه دستگیری و زندانی و مجازات مبارزان، مانع اعتدلی مبارزه دانشجویی شوند. انتخابات جدید دانشگاهها نیز در این راستا انجام گرفته است. منصوبین مربوطه همچنین وظیفه دارند که سطح علمی و کارکرد آموزشی دانشگاه را کنترل دهند که بسط "فقیه" نزدیک شود.

سطح کنونی مبارزه دانشجویان در مقایسه با کشتاری که رژیم علیه این نیروی راه انداخته عمق نفوذت شده دانشجویان و دانشگاهیان را از رژیم خمینی نشان می‌دهد. اکنون قطع تسلط و بیکه تازی آخوندها در دانشگاهها، انحلال انجمن اسلامی و ستاد ضد انقلاب فرهنگی و دیگر ارگانهای جاسوسی رژیم، کسب حق شکل صنفی و آزادی فعالیت سیاسی و اجتماعی، لغو ضوابط ارتجاعی کنکور و پذیرش دانشجویان، لغو سهمیه شهدا، منع هرگونه مداخله نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی در دانشگاه از عمده ترین خواسته‌های توده دانشجویان است. دانشجویان پیشگام در راه آوردن فعالیت‌های دانشجویان مترقی در هسته‌های مخفی برای هدایت مبارزه دانشجویی تلاش می‌کنند.

در مدارس نیز ارگانهای ارتجاع نظیر دوا و پراور تربیتی و انجمن‌های اسلامی با خرافاتی کردن دانش آموزان برای گسیل آنان به جبهه، با سرکوب و تنقیه دانش آموزان و معلمان مترقی، جنایات خود در دانشگاه را در مدارس تکرار می‌کنند. در سال ۶۴ وزارت آموزش و پرورش بیش از ۱۰۰ هزار دانش آموز و ۳۰ هزار آموزگار و کارمندان این وزارتخانه را بزور راهی جبهه‌های بی‌بازگشت کرد.

علیرغم تلاش‌های ارتجاع، مبارزات جوانان گسترش می‌یابد. حسودان مهر و در ماه ۶۳ در آلوده تهران و تظاهرات بزرگ دانش آموزان تهران

(اکثریت) در شرایط خفقان کنونی مبارزه خود را برای سازماندهی مبارزه
 اعتراضی دانشجویی و دانش آموزی و احیای جنبش دانشجویی ادامه می دهد
 و تلاش می کند به دستجویمان در این مبارزه یاری رساند. نظریه نقش جوانان
 در گسترش مبارزات آتی علیه رژیم، نظریه شارون نقش مبارزاتی انسان،
 سازماندهی مبارزه جوانان با بدجبهی گرفته شود و واحدهای سازماندهی
 اهمیت آنرا مرگ کنند. امروز تقویت و یاری دادن به سازمان جوانان فدایی
 برای آنکه نقش بیشتری در مبارزه جوانان بعهده گیرند، اهمیت کلیدی برای
 مبارزه انقلابی جوانان دارد.

برای اینکه بانگ آزادیخواهی، مخالفت با جنگ برهانی از اسلحت
 ولایت فقیه و سرکوبگری رژیم در صفوف نیروهای مسلح هر چه رسوخو
 می باید پرسنل آگاه و مبارز موفق شوند که با حداکثر ملاحظات امنیتی
 هسته های مخفی تشکیل دهند. ارتجاع برای کنترل همین پرستان اوتش
 هر روز بیشتر از گذشته دوا بر سیاسی - ایمنولوژیک و آنچه های حاسوسی
 اسلامی و ارگانهای اطلاعاتی فرعون ارتش را تقویت می کند. دوا بر سیاسی -
 ایمنولوژیک مورد نفرت توده نیروهای مسلح ارتش و سپاه است و خابیه
 آنها آرزوی پرسنل است. ارگانهای ارتجاع امروز بیشتر از هر موقع
 در مقابله با مبارزات پرسنل طرح طلب و فرار آنها مرتکب جنایت می شوند.
 علیرغم جنایات پنهانی رژیم، جنبش طرح راه خود را در جبهه ها و پانگانه ها
 می گشاید.

رفقا!

طرح شعارهای تاکتیکی صحیح در بسیج توده ها و گشودن راه ارتقا
 جنبش های توده ای موجود و نیز در هموار کردن راه تفاهم و نزدیکی نیروهای
 دموکراتیک اهمیت ویژه ای دارد. برخی از این شعارها از آنجا که خواستهای
 حداکثری را با زبانیت می دهند و برای توده های وسیع خلق قابل درک و مطالبه
 هستند، قدرت آنرا دارند که در شرایط کنونی توده های وسیع خلق را حول خود
 بسیج کنند و راه مطالبه خواستهای بالادستی و سیاسی تری را بگشایند. جملات
 و ویژگی برخی از این شعارها آن است که قادرند طبق وسیع تری از اقشار و
 طبقات جامعه را علیه سیاست های رژیم متحد کنند. در شرایط فعلی شعارهای
 "زنده باد مسلم"، "زنده باد آزادی" وسیع ترین اقشار و طبقات جامعه ما را در
 مبارزه علیه رژیم حاکم بسیج می کنند. علاوه بر آن شعارهای برنامه ما از
 جمله: کار برای همه، زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند،
 در مرحله کنونی بسیج کنند. این شعارها می باید وسیعاً به میان توده ها برده
 شوند.

رفقا!

اعتراض و مبارزه اقشار و طبقات ملی و دموکراتیک کشور علیه هیات حاکمه
 برای خواستها و مطالباتشان در حال رشد است. توده های خلق در هر گام اهمیت
 مبارزه شان، تجربیات تازه ای بدست می آورند و آگاه تر می شوند. در مبارزات
 و اعتراضات جاری کشور، میلیونها نفر شرکت دارند. اما نقش وزن این
 مبارزات در تعیین سیراوضاع عمومی کشور هنوز قابل ملاحظه نیست. علت این
 وضع آن است که این مبارزات و جنبش ها از ضعف هایی که دارند به شدت رنج
 می برند و از ایفای نقش شایسته بازمی مانند.

امروز جنبش ها و مبارزات توده ای بیشتر خود بخودی عمل می کنند و
 سازمان نیافته. طی سالهای اخیر بسیاری از مبارزات و اعتراضات
 توده ای علیه جنگ، علیه نهادهای سرکوب رژیم و غیره جدا از یکدیگر
 رخ داده است. رژیم با استفاده از این پراکندگی بسیاری از آنان را سرکوب
 کرد. خصلت خود بخودی جنبش توده ای قبل از همه باغله رهبری سیاسی
 جنبش توده ای ارتباط می یابد. جنبش توده ای از پایین بودن سطح آگاهی

وتشکل طبقاتی هم‌رنگ می‌برد. این نقص وظیفه‌سنجی را در جهت ارتقا سطح آگاه‌ها و تشکل طبقاتی آن در برابر ما قرار می‌دهد. در اثر این ضعف، وزن شعارها و خواسته‌های سیاسی در مجموعه مطالبات جنبش توده‌ای هنوز قابل ملاحظه نیست. البته باید گفت که اعتراضات و مبارزات توده‌ای بوضوح در آمیخته با آگاه‌ها سیاسی است و در جریان درگیری توده‌ها با ارگان‌های سرکوب رژیم درک سیاسی آنان ارتقا می‌یابد و شعارهای سیاسی زمینه طرح و نفوذ بیشتری می‌یابند.

طی سه سال اخیر سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) کوشیده است که با افزایش شدید فعالیت سیاسی و تبلیغاتی خود در سراسر کشور و گسترش کار در میان توده‌های خلق از یک طرف، و دعوت هر چه فعال‌تر و وسیع‌تر نیروهای ملی و دموکراتیک کشور به اتحاد در یک جبهه‌گسترده که بمناسبت آلترنا تیفو رژیم عمل می‌کند، از طرف دیگر کاستی‌های جنبش توده‌ای را از میان بردارد و آنرا تا سطح یک جنبش فراگیر انقلابی که تا بودی رژیم را آماج مبارزه خود قرار می‌دهد، ارتقا دهد.

هوک برا امپریالیسم
جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

درباره سیاست و بورژوازی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درس‌های ۶۱-۱۳۵۷

آزایش نیروهای سیاسی درس‌های پیش از انقلاب

طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ کشور ما ایران با کامیابی‌های شتابان درجاده سرمایه‌داری پیش رفت. نو سازی بورژوازیی جامعه با فشار زیاده‌سالاری صورت می‌گرفت و با تخریب ساختارهای سنتی اقتصاد توأم بود و اقتصاد کشور را در راستای منافع بورژوازی بزرگ وابسته و نیازهای انحصارات انبریا - لیستی، بویژه امپریالیسم آمریکا سازمان می‌داد. در اثر این تحولات، علیرغم حفظ بقایای فئودالیسم در روستا، شیوه تولید سرمایه‌داری به شیوه تولیدی غالب در جامعه تبدیل شد. این تحولات در مواضع و موقعیت سیاسی نیروها تا شیرمین برجای گذاشت. سران جنبه ملی که با سیاست سازشکارانه خود موجبات شکست نهضت استقلال طلبانه مردم و غلبه کودتای ۲۸ مرداد را پدید آورده، پیش از پیش در میان مردم به انزوا کشانده شدند. آنها نشان دادند که قبل از هر چیز آماده سازش با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا هستند و ناتوانی خود را در برپا ساختن مبارزه‌های جنبش ملی - دموکراتیک مردم ایران پیش از پیش آشکار می‌ساختند.

در میان احزاب وابسته به اقلیت متوسط بورژوازی ایران، "نهضت آزادی" به رهبری بازرگان که در میان لایه‌های اقلیت متوسط شهری نیز تا حدی نفوذ داشت، با سرمایه‌بازرمدی و مشروطه‌طلبی "خانه نشینی" و "تسلیم و رضا" در مقابل رژیم شاه را توصیه می‌کرد. رهبری "نهضت آزادی" منافع لایه‌های بورژوازی ملی ایران را منعکس می‌کرد که در هراس از مبارزه با زرگان، دهقانان و زحمتکشان، هر لحظه آماده بود با رژیم شاه و امپریالیسم به زد و بند بنشیند.

شده‌دهم سیاست و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و رشد تضادهای طبقاتی در اوایل دهه ۴۰، شکاف میان رهبران "نهضت آزادی" و فعالین جوان آن را که به خرده بورژوازی شهری تعلق داشتند، عمیق‌تر کرد. در پیروسی شکل‌گیری و تعمیق همین شکاف بود که "سازمان مجاهدین خلق ایران" با ایدئولوژی اسلامی و با سرمایه‌بازرمدی یک نیروی دمکرات انقلابی سر برافراشت. در آستانه عیان ۱۵ خرداد ۴۲، آیت‌الله خمینی نیز در رأس جناحی از روحانیون، از موضع مخالفت با روند نو سازی بورژوازی کشور، مخالفت با اصلاحات ارضی و برابری بورژوازی حقوق زنان با مردان، و در مخالفت با مداخلات امپریالیسم آمریکا، به مبارزه با اقدامات شاه روی آورد. خمینی نو سازی بورژوازی جامعه و تضای ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی سنتی را عامل مستقیم نابودی اسلام و روحانیت می‌دانست.

در جریان اصلاحات بورژوازی شاه به بسیاری از منافع روحانیت فریبیده و آرد آمد، از آن جمله مالکیت بزرگ وقفی نیز آماج تعرض شاه قرار گرفت. بدین ترتیب به یکی از مهمترین ارکان قدرت و ثروت مراجع بزرگ شیعه نسبت جدی وارد آمد. نفوذ سرما به داری در اقصی نقاط کشور، گسترش فرهنگ سرما به داری و غرب گرا، پایه های معتقدات سنتی مذهبی مردم را سست می کرد و اعتبار مذهبی و اجتماعی روحانیون را کاهش می داد. این امر بخش بزرگی از روحانیت شیعه را به مخالفت با شاه برمی انگیزد. خمینی قبلاً از هر چه برجم اعتراض این نیرو را به کف گرفت.

خمینی بسمتایه یک "مرجع تقلید" بزرگ رهبر سیاسی، قبل از هر چه بسز و بطور بلاواسطه مدافع روحانیت بسمتایه یک قشر اجتماعی بود. خمینی اندیشه پردازان حکومت اسلامی و "ولایت فقیه" بود و قبل از هر چه برای اجرای احکام اسلام و برقراری حکومت تشوکرانیک روحانیت شیعه مبارزه می کرد. حکومت تشوکرانیک وسیله ای برای اسلامی کردن حیات اجتماعی و تأمین منافع خاص روحانیت بود.

در شهر، بازار و در راه آن تجار و ریزگه مهمترین پشتیبان و پابگانه و مرمعاش روحانیت بودند، در مقابل با شرایط جدید که به منافع و مواضع آنها ضربه می زد، به مبارزه علیه شاه برخاستند.

بورژوازی تجاری با زار، هم با بخش دولتی در اقامت دوام داخله و ابفای نقش آن ضموماً در امر تجارت مخالف بود، و هم با گروه بندی های انحصاری در بخش خصوصی. او برای تأمین شرایطی مبارزه می کرد که تمام بازار داخلی را به انحصار خود درآورد و خود را در گنجد اصلی کالاهای مبریا لیستی باشد.

خرده بورژوازی سنتی که یکی از پر شمارترین پابگانه های اجتماعی روحانیت و پشتیبان و مرمعاش آن بودند در شرایط جدید آماج یک تازی بورژوازی وابسته و کارگزاران رژیم شاه بود و مبارزه خود علیه رژیم شاه را گسترش می داد.

ملاکین پابگانه اجتماعی دیگر روحانیت پیرو خمینی بودند.

بر این پایه روحانیت به رهبری خمینی در مبارزه علیه شاه با این نیروها که محکمترین پیوندها را با آنها داشت همبوند و منافع و تقاضای آنها را منعکس می کرد. خمینی و رای طبقات قرار نداشت، اما به ما نورهایی برای قرار دادن خود در ورای طبقات و معرفی خویش به عنوان "رهبر امت" دست می زد. همچنین خمینی بسمتایه یک "مرجع تقلید" و پابگانه از موقعیت مذهبی خود و پابگانه بر مذهب نفوذ سیاسی خویش را در میان اقلشار و طبقات مختلف جامعه گسترش می داد.

روحانیت به رهبری خمینی در جریان رشد و گسترش جنبش، موفق شد که علاوه بر بورژوازی تجاری و خرده بورژوازی سنتی طبیف وسیعی از نیروها را به سوی خود جلب کند و در رأس مبارزات مردم علیه رژیم وابسته شاه قرار گیرد.

روحانیت به رهبری خمینی این مبارزه را با آرمانخواهی ارتجاعی و برای استقرار یک رژیم سیاسی ارتجاعی هدایت می کرد. لیکن علیرغم این آرمانها به نوبه خود بیرون تبار میبارزات توده ها قرار گرفته، با مبارزات ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی مردم همسوی گشت و در پیرویه مبارزه برای سرنگونی رژیم وابسته شاه تلاش های ارتجاعی آن، به وجه غیر عمده مبدل می شد.

در میان پیروان خمینی نیروهای زیر عنوان "عدالت اسلامی" خواهان برخی اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در چارچوب سرما به داری بودند. عملکرد برنا ما اقتضای تجارت را با رهبر و خمینی قبل از انقلاب خلعت محافظه کارانه و بعد از انقلاب خلعت ارتجاعی داشت. ایدئولوژی روحانیت به رهبری خمینی و حکومت مطلوب آن، در وجه اقتصادی در خدمت برنا ما اقتضای بورژوازی قرار می گرفت. این ایدئولوژی و کلا "ولایت فقیه" هرگز نمی توانست در خدمت تحقق یک برنا ما اقتصادی مرفقی قرار گیرد.

در همین سالها که حزب توده ایران، حزب طبقه کارگران ایران، زبیر آماج سهمگین ترین طوطه ها و فشارهای رژیم دیکتاتوری شاه و عوامل امپریالیسم

قوا داشت و از بحران شدیدتری رنج می برد، می کوشید برای پاسفکویسی به وظایف انقلابی خود سازماندهی حزبی اش را که پس از کودتای ۲۸ مرداد در در نتیجه اقدامات خونین رژیم اغلب متلاشی شده بودند، با زسای کند.

جریان مارکسیستی - لنینیستی فداییان خلق ایران بطی همین سالها، در شرایطی که جنبش کمونیستی ایران از تداوم بحران همه جا نیه ای رنج می برد، تشکیل شد و با هدف تحقق آرمان طبقه کارگر، مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم وابسته شاه را آغاز کرد.

رژیم شاه درهراس از اعتدای روحیه انقلابی مردم، سیاست سرکوب خونین و قلع و قمع کمونیست ها و نیروهای انقلابی و دموکرات را پی می گرفت، درحالی که سیاست رژیم درقبال روحانیت طرفدار خمینی و محافل بورژوا - لیبرال بهیچوجه متوجه سرکوب و نابودی آنها نبود.

دیکتاتوری شاه مانع سیاسی عمده پیشرفت و تکامل جنبش واز میسبان برداشتن رژیم سلطنتی وابسته شرط مقدم حرکت جا معه در راه استقلال دموکراسی، پیشرفت اجتماع و سوسیالیسم بود. جنبش توده ای نیرومنسند ضد دیکتاتوری که از سال ۵۴ روه اعتلا گذارد، به سرعت شکل گرفت و با نیروی شگرفی گسترش یافت و اثبات نمود که در آن مرحله از انقلاب، دشمن عمده به لحاظ سیاسی رژیم دیکتاتوری شاه، و از نقطه نظر اجتماع بی بزرگ مالکان و وابسته و بورژوازی بزرگ وابسته ایران، که انحصارات متعلق به خاندان پهلوی و چندده خانوار سرمایه دار بزرگ ایران هسته اصلی آنرا تشکیل می داد دوسرما به های امپریالیستی شریک آنان بود.

در چنین شرایطی خمینی برای گردآوری قوا خیز برداشت. در جریسبان گسترش و اوج گیری جنبش انقلابی و روند سرنگونی رژیم شاه، روحانیت به رهبری خمینی با بسیج همه امکانات عینی و ذهنی خود و با استفاده از تفرقه و ضعف نیروهای چپ، در رهبری انقلاب قرار گرفت و بدین ترتیب آلترنا تیسو رژیم شاه عملا شکل گرفت.

سیاست کمونیست ها نسبت به روحانیت به رهبری خمینی

* سیاست کمونیست ها نسبت به روحانیت به رهبری خمینی لزوما می بایست با توجه به تناقضات شدیدی که در جریان گسترش جنبش درمواقع این نیرو خود نمایی می کرد، تنظیم می گشت. روحانیت به رهبری خمینی از یک سو برای انحصار رهبری جنبش و اسلامی کردن آن و از سوی دیگر علیه رژیم شاه و سلطه امپریالیسم در کشور مبارزه می کرد. مبارزه روحانیت آنجا که بمنا به یک قشر برای منافع خاص خود عمل کرد، فاقد خصلت مترقی و دموکراتیک بود، اما آنجا که همسوی جنبش حرکت می نمود در مقام رهبری سیاسی مبارزات مردم برای سرنگونی رژیم شاه و برانداختن سلطه امپریالیسم عمل می کرد، مبارزه اش مترقی بود و بزاین پایه متحد موقت ما محسوب می شد.

در این دوره سازمان ما ضمن حمایت از مبارزات جریان به رهبری خمینی علیه شاه و سلطه امپریالیسم و مبارزه در راه جلب آن به اتحاد با نیروهای چپ و دموکراتیک، اقدامات این جریان علیه دموکراتیسم و نیروهای چپ و دموکراتیک و نقشه ها و اندیشه های ارتجاعی آن را به منظور جذب پایگاه توده ای آن و تقویت نفوذ خود در جنبش پیگیریانه افشا می کرد. در آستانه انقلاب بهمن، هنگامی که روحانیت به رهبری خمینی، عملا به آلترنا تیز رژیم شاه مبدل شد، شعار تاکتیکی ما می بایست تشکیل دولت موقت انقلابی با شرکت همه نیروهای سرنگون کننده رژیم شاه می بود. این دولت می بایست شرایط دموکراتیک را برای همه نیروهای انقلابی جهت شرکت در انتخابات مجلس موسسان فراهم می کرد و ما اجرای برنانه مهادت قتل خود را از آن مطالبه می کردیم.

از پیروزی قیام تا تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی

« انقلاب ۲۲ بهمن از نظر سمت اصلی حرکت یک انقلاب ضد سلطنتی ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیع ترین اقشار خلق، اشکال مبارزه و خواست های مبنی بر تامين عدالت اجتماعي، برپا شدن انقلاب فلسفي بود، با پیروزی قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی، قدرت سیاسی به روحا نیست به رهبری خمینی انتقال یافت. خمینی با شرکت دادن " نهفت آزادی " و گروه های دیگری از لیبرال ها، دولت موقت را تشکیل داد. بدین ترتیب روحانیت حاکم همه سال زمانهای انقلابی کشور را که در گسترش و پیروزی انقلاب نقش جدی داشتند و تنها مشوق خلق به قیام مسلحانه بودند، از شرکت در قدرت محروم کرد.

در حکومت جدید روحانیت حاکم به رهبری خمینی قبل از همه برای تامین منافع روحانیت بمثابه یک قشر اجتماعي مبارزه می کرد. این روحانیت در عین حال منافع طبقاتی بورژوازی تجاری با زار، خرده بورژوازی سنتی و مالکان ارضی را منعکس می کرد و حاصل گرایش های متفاوت این نیروها بود و بیشترین پیوند را نه با آنان داشت. در عین حال در حکومت جدید نیروها بسی نیز وجود داشتند که منافع لایه های اربورژوازی متوسط و کوچک صنعتی را نمایندگی و منعکس می کردند. ماهیت و سمت گیری حکومت جدید بورژوازی بود. این حکومت در عین تامین منافع نیروهای طبقاتی حاکم، بیش از همه در خدمت سرما به دارای با زار قرار می گرفت و در پی استقرار ولایت فقیه بود، لذا انقلاب را با شکست روبرو می ساخت.

« خمینی و روحانیت پیروا و از فراتر رفتن انقلاب از براندازی سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم و اقدامات ضد انحصاری هراسان بودند. آنها از همان فردای پیروزی انقلاب با دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعي به مخالفت برخاستند و جهت انفرادی نیروهای انقلابی، بویژه نمایان خلق هیئت فرستی را از دست ندادند و برای قبضه همه قدرت بدست خود و استقرار رژیم شوکرا تیک و "جامعه اسلامی" علیرغم آنکه تعادل قوا در جامعه از آن استقرار فوری آترانسی داد، دست بگذاشتند. بورژوازی لیبرال خواهان قطع تعرض انقلاب به مواضع ارتجاع سرنگون شده و طرفدار سازش با امپریالیسم آمریکا بود. این جریان برای بازگشت انقلاب و برپا داشتن دستاوردهای آن تلاش می کرد. در عین حال با قبضه همه قدرت توسط روحانیت به رهبری خمینی مخالفت می کرد.

« با پیروزی انقلاب بهمن هدف استراتژیک ما در مرحله انقلاب ملی - دموکراتیک مردم ایران تحقق نیافت و به قوت خود باقی ماند. سیاست درست در این راستا نیز همچنان مبارزه در راه بسیج توده های خلق تحت رهبری خود و مبارزه در راه اتحاد نیروهای چپ و دموکراتیک و گسترش آن به اتحاد همه نیروهای خلق و تامین هژمونی طبقه کارگر در آن و انتقال قدرت به این آلترناتیو بود.

سازمان ما برپایه برنامۀ حداقل خود، خواستار تشکیل "شورای انقلاب ایران از درون" کمیته ها و کارگزاران و اعصاب مردم و انجمن های که خود برای کنترل امور بوجود آورده اند" و متشکل از نمایندگان کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، کارمندان، بازاریان، دانشگایان و فرهنگیان روحانیون و روشنفکران" بود. این شورا بود که صلاحیت داشت "دولت موقت را تعیین کند. سازمان طلب می کرد که عاجلاً سلطه امپریالیسم و پانگساره داخلی آن در همه عرصه ها نابود شود. همه مستشاران نظامی امپریالیسم اخراج و پیمانهای آسرتبار لغو گردد، اموال دربار و کارگران وابسته

به آنها و سرمایه‌های امپریالیستی و شرکای آنها در همه عرصه‌ها مصادره شود ،
با نگاه ملی گردیدند و اصلاحات ارضی دموکراتیک آنها گام گیرد . با زمان خواستار
دموکراتیزه کردن حیات سیاسی و اجتماعی کشور بود و در این راه پیگیری کرد .

« با پیروزی انقلاب و انتقال قدرت سیاسی به حکومت جدید ، نظریه
نقش توده‌های قیام‌کننده ، حضور فعال سازمان‌های ضد امپریالیست و مردمی
که درگسترش جوانقلابی در جامعه و اعمال فشار از پایین نقش جدی داشتند و
وجودبخشی از نیروهای پیرو خمینی در حکومت که خواهان برخی اصلاحات
اقتصادی ، اجتماعی در چارچوب سرمایه‌داری بودند ، تعرض انقلاب به موانع
امپریالیسم و ارتجاع سرتنگون شده ادامه یافت .

« سازمان‌ها آنجا که بر این باور نبود که حکومت خمینی می‌تواند
خواستهای اساسی توده‌های قیام‌کننده را برآورده سازد ، پشتیبان حکومت
خمینی نبود . این سیاست درست بود . اما سازمان‌های نمایی با سیاست پشتیبانی
از اقدامات حکومت جدید در خلع پادشاه و سرمایه‌داران بزرگ وابسته و براندازی
موانع سیاسی و نظامی امپریالیسم تردید نشان می‌داد .

در این دوره سازمان‌ها در برابر اقدامات ضد دموکراتیک رژیم می‌ایستاد
عملکردهای ارتجاعی و سرکوبگرانه خمینی و روحانیت پیرو او را قاطعانه افشا
و با آنها مقابله می‌کرد . در این دوره فعالیت سازمان‌ها اساساً بر دموکراتیزم
پیگیری ، بر اقدام مستقل توده‌های متکی بود و از شوراهای مستقل توده‌ها
پیگیرانه دفاع می‌کرد . ما تنها سازمان سیاسی سراسر کشور بودیم که چنین
تاکتیکی را بکار می‌بستیم . سازماندهی اتحادیه سراسری دهقانان و ترکمن
محرانگونه در خفا و افتخار آفرین این جنبه از فعالیت سازمان است .

سازمان‌ها در مقابل با یورش رژیم به کردستان با سیاست جلوگیری
از جنگ سرکوب شورشی جمهوری اسلامی را بدرستی محکوم می‌کرد و از مطالبه
عادلانه خلق کرد می‌بخشید و بر خود مختاری قاطعانه دفاع می‌نمود .

« در فروردین سال ۵۸ «جمهوری اسلامی» به زفراندوم گذاشته شد
خمینی از مردم می‌خواست که بگویند «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم
و نه یک کلمه بیش» . پدیده بود که منظور او برداشتن گام مستقیم در راه استقرار
ولایت فقیه و اسلامی کردن همه عرصه‌های حیات سیاسی و اجتماعی کشور است . سازمان
ما به درستی به «جمهوری اسلامی» رای نداد .

در تیرماه ۵۸ خمینی وعده تشکیل مجلس موسسان را که قبلاً داده بود
پس گرفت و مجلس خبرگان را که اختراع کرده بود بجای آن نشان داد .
علیرغم اعتراض شدید نیروهای انقلابی به این جایگزینی ارتجاعی ،
در مردادماه ۵۸ انتخابات مجلس خبرگان برای تدوین و تصویب قانون اساسی
اساسی برگزار گردید . ما تاکتیک شرکت در انتخابات «مجلس خبرگان»
را برگزیدیم . این تاکتیک درست به سازمان امکان می‌داد تا بطور موثر
اصل ولایت فقیه و بنیاد ارتجاعی هیأت حاکمه در جایگزینی «مجلس خبرگان»
بجای مجلس موسسان را افشا کند .

« با اشغال سفارت آمریکا احساسات ضد آمریکایی مردم که قبلاً در حال
گسترش بود تشدید شد و بر این زمینه شعار مرگ بر آمریکا به شعار روز مردم
تبدیل گردید . اما خمینی و روحانیت پیرو او آشکارا می‌کوشیدند که با طرح
شعارهای ضد آمریکا می‌درمانند . در این مبارزه ضد امپریالیستی مردم قرار گیرند و
این مبارزه را در چارچوب تضاد حکومت و دولت آمریکا محدود نکنند و از راه جهت
اصولی قانون اساسی جمهوری اسلامی متصرف سازند . در این شرایط سازمان
ما می‌کوشید با افشای اهداف روحانیت در تصویب اصل «ولایت فقیه» ، ضمن
پشتیبانی از اقدامات افشاگرانه « دانشجویان » ، مبارزه علیه امپریالیسم

آمریکا را با بسیج هر چه بیشتر خلق حول شعار مرگ بر آمریکا گسترش دهد.
روحانیت حاکم با استفاده از برگانه و حساب شده از ما برای گروگانگیری
و فراندوم قانون اساسی را برگزارد کرد. سازمان ما از شرکت در فراندوم
امتناع کرد و طی بیانیه‌ای اعلام نمود:

"در قانون اساسی حق حاکمیت توده‌ها آشکارا باطل شده است... قانون
اساسی با تصویب "ولایت فقیه" حق حاکمیت را به انحصار فقها در آورده است.
بیانیه سازمان در دعوت مردم به امتناع از شرکت در فراندوم قانون
اساسی اصولی بود. بدین ترتیب سازمان قانون اساسی جمهوری اسلامی
را مورد تأیید قرار داد. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی رژیم
تشوگراتیک پایه قانونی یافت و استبداد مذهبی رسمی گردید.

« در آغاز اجرای گروگان گیری و مقابله روحانیت حاکم با توطئه‌های
امپریالیسم آمریکا و فدا انقلاب شکست خورده به منظور حفظ و تحکیم حکومت خود
و استقرار رژیم تشوگراتیک، این تز در سازمان مطرح شد که گویا "دگم‌ها" ی
روحانیت حاکم (یعنی اعتقاد روحانیت به "ولایت فقیه") به سود "مخالفان فاسق
واقعی خرده بورژوازی" می شکند، این تز با واقعیت که بیانگر روند استقرار
رژیم تشوگراتیک بود، بشدت تضاد داشت و نیز فاقد پایه علمی و اصولی بود.

« در این دوره سازمان در گزینش اشکال مبارزه و تاکتیکها، نفوذ
ایدئولوژیک و سیاسی خمینی بر توده‌های مسلمان و توهم آنان نسبت به
مواعید او را که فروریختن آن به گذشت زمان و تجربه شخصی آنان بستگی
می یافت، به مبارزت دیگر رتساب قوای موجود را کمتر مورد توجه قرار می داد
و در این رابطه به چپ روی دچار می شد. این امر از وجود گرایشهای سکتاریستی
در سازمان ناشی می شد. معمولیات نخستین پلنوم وسیع سازمان در مهرماه
۵۸ پیروزی تازه‌ای علیه سکتاریسم بود. پیروزی پلنوم در تضعیف سکتاریسم
برچم ما رکسیسم - لنینیسم را بر فراز سازمان ما با زهم افراشته تر به احتراز
در آورد. و راه انعطاف سازمان در مقابل تاکتیک و اشکال مبارزه را در مراحل
بعدی مبارزه گشود.

« در این دوره سازمان لیبرالها را افشا و منفرد می گرد و به منظور گشودن
راه پیشروی انقلاب بهمین می بایست شعارهای مجلس موسسان، حفظ آزادی
و حقوق دموکراتیک مردم را بتدریج برجسته می گرد و سمت اصلی مبارزه خود
را متوجه حفظ دموکراسی در برابر بر سرکوب رژیم، مقابله با حرکت روحانیت
برای استقرار رژیم تشوگراتیک و افشای نماندگان تجار در حکومت و دفاع
خمینی از آنان می نمود.

در این راستا سازمان می بایست در راه شکل دادن اتحاد های ضروری
مبارزه می گرد و قانونی بودن فعالیت خود را به رژیم تحمیل می نمود و بسا
بطریق مناسب می گشود توده‌های خلق را از زیر نفوذ رهبری خمینی خارج
کرده تحت رهبری خود قرار دهد.

از تصویب قانون اساسی تا استقرار کامل رژیم تشوگراتیک

« زمستان سال ۵۸، کشور صحنه کارزار گسترده‌ای برای انتخاب نخستین
رئیس جمهوری اسلامی بود. سازمان ما می گشود تا اتحاد نیروهای چپ و
ترقیخواه کشور را در یک ائتلاف انتخابی شکل بخشد. این موقع گیری
اصولی از اهمیت استراتژیک برخوردار بود. زیرا برای نخستین بار به نسوم
تشکیل آلترناتیو چپ و دموکراتیک از جانب سازمان مورد تأیید قرار گرفت.

دراستند سال ۵۸ انتخابت تحت‌تحتین دوره سما پندی مجلس شورای ملی برگزار گردید. ما بدرستی تا کتیک شرکت در انتخابات را بمنظور صدایک "جبهه واحد نیروهای ضد امپریالیست و مشرقی" برگزار کردیم.

جمهوری اسلامی پس از فراغت از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، در اردیبهشت ۵۹ آموزش به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور را سازمان داد. این آموزش زیر پرچم "انقلاب فرهنگی" توسط حزب جمهوری اسلامی رهبری می شد و هدف آن مقابله با گسترش نفوذ نیروهای چپ و دموکراتیک کشور و تعطیل دانشگاهها با هدف اجرای نقشه اسلامی کردن همه دانشگاهها و مدارس عالی بود. همزمان با آموزش به دانشگاهها و تعطیل آنها جنگ در کردستان ابعادفا جمعباری یافت. خمینی که بدنیال تشهیر سفارت طوسی مانوری در آبان ماه ۵۸، به خلق کرد و وعده داده بود که به مطالبات وی پاسخ مثبت خواهد داد، در بهار سال ۵۹ فرمان "قلع و قمع اشراق کردستان" را صادر کرد.

هنگامی که تهاجم جدید رژیم خمینی علیه مردم کردستان آغاز گشت، سازمان ما با تمام امکانات خود در تبردهما دلانه خلق کرد شرکت کرد. پس از نبردهای بهار سال ۵۹ از سوی سازمان و حزب دموکرات کردستان دو پیغام مشترک در خرداد و مرداد انتشار یافت. این پیغام ها بیاناتگرتلاش سازمان ما در راه قطع جنگ در کردستان بود. سازمان در نیمه دوم سال ۵۹ به حضور مسلحانه خود در جنبش خلق کرد پیمان داد. و در همان حال موضع نادرستی نسبت به این جنبش اتخاذ کرد. این امر به موقع اصولی ما در مبارزه برای خود مختاری خلق کرد آسیب وارد آورد.

در ۳۱ شهریور ۵۹ با تهاجم بمب افکن های رژیم صدام به تهران و چند شهر بزرگ دیگر، آتش جنگ خانما نوزاد ایران و عراق شعله ور شد و بخش زیادی از جنوب ایران به اشغال ارتش تها و زگر عراق درآمد. امپریالیسم آمریکا متوجه اصلی این جنگ تها و زکارانه و بیهوده بردار اصلی آن بسسود، تحریکات مدافع جوانه جمهوری اسلامی علیه عراق به تنویه خود ر خدمت شعله ور شدن این جنگ قرار گرفت. سازمان ما در نتیجه تحلیلی غلط از ماهیت و سمتگیری جمهوری اسلامی ایران سیاست نادرستی نسبت به جنگ اتخاذ کرد و به راه حل نظامی برای دفع تها و زکار کرد. ما ضمن محکوم کردن اشغال خاک هر یک از کشور توسط رژیم کشورهای دیگر، از همان آغاز جنگ می بایست سیاست دفاع از قطع بی درنگ جنگ و استقرار صلح و حل اختلافات دو کشور از راه مذاکره را پیش می بردیم. در راستای اجرای این سیاست، در آغاز جنگ و شاکتشی شدن نقشه ایجاد "خوزستان آزاد" که با طرح پیشنهادش بی از سوی رژیم عراق (چند ماه بعد از شروع جنگ) آشکار شد، تا کید بر بسیج مردم به مقاومت در برابر تها و زگر و شرکت در جنگ درست بود. ولی از آن پس سیاست ما بایست همه تلاش ما متوجه تحقق صلح عادلانه از طریق مذاکره می شد.

به بهانه تها و زکار صدام در آذرماه ۵۹ خمینی دستور داد اجرای بندهای "ج" و "د" طرح واگذاری اراضی مزرعهی متوقف شود. ما دستور خمینی را "غریبه گرانباری بر پیکر انقلاب" ارزیابی کردیم. فرمان خمینی مقابل اشکار با خواست میلیونها دهقان و اجرای سیاست بزرگ مالکان بود. این فرمان نشانه با زرا این حقیقت بود که روحانیت حاکم علیه غم اختلاف نظرهای درون آن در مورد اصلاحات ارضی، آنجا که بر اندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری مطرح می شد، پاسدار کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بود.

سازمان ما برای مقابله با تعرض بزرگ مالکان و بخشی کردن حمایت حکومت از آنان به سازمانگری اعتراض توده ای دهقانان زیر شعار "بندج و د اجرا باید گردد" دست زد. ما همچنان دهقانان را به معادله مستقل اراضی

بزرگ مالکان دعوت می کردیم و در همین حال مشوق هیات های هفت نفره
در اعتراض به دستوردهدقانی خمینی بودیم .

چنانچه که بنی صدر رهبری آنرا بعهده داشت ، با حاکمیت انحصاری
و روحانیت مخالفت می ورزید و خواستار آن بود که سهم نمایندگان لیبرال
و غیر آن بود و طبقی از بورژوازی در حاکمیت افزایش بیابد . جناح دیگر که بهشتی رهبر
آن بود و طبقی از بورژوازی تجاری تا خرده بورژوازی سنتی را نمایندگی
می کرد با گسترش نفوذ جناح بنی صدر در حاکمیت مخالفت می ورزید و در پی
اختلال تمام مواضع قدرت به روحانیت بود . روحانیت حاکم به رهبری خمینی
هر مجموع جانبدار بهشتی بود و خمینی به شخص بهشتی اعتماد کامل داشت .
مخالفی از روحانیت نیز از بنی صدر حمایت می کردند .

هرچیز که این درگیریها رهبری مجاهدین و رئیس جمهور بنی صدر به
اختلاف آشکار با یکدیگر علیه حزب جمهوری اسلامی روا آورده بودند . نهفت
آزادی و جنبه ملی نیز سیاست تقویت بنی صدر را دنبال می کردند .

سازمان مافروپا و روسی این جناح های هیات حاکمه جانبدار بنی صدر
نمود ، مافرمین حال طرفین از حکومت را نیز طرح نمی کرد . سازمان مافرو
سیاست نزدیکی با امپریالیسم لیبرالها سازش آنها با سیاستهای سرکوب
گرا نه ، ایستادگی آنها در مقابل خواتنها و مطالبات توده ها و تلاش آنها
طبقه سازمانهای انقلابی را افشای کرد . در این دوره سمت اصلی مبارزه
" مجاهدین " اتحادیای بورژوازی لیبرال علیه حزب جمهوری اسلامی و شخص
بهشتی بود . از یک سو این مجاهدین این بودند که اختلاف مجاهدین و لیبرالها
می توانستند اکثریت مردم را بدست آورند و آنان را جلب کنند و پیروان خمینی و شخص
بهشتی را منظره و از حاکمیت طرفدار نماید .

سازمان مافروپا هدف ایجاد یک جنبه " رادیکال و انقلابی " و جلوگیری
از دست گیری رهبری مجاهدین برای قوی از نیروهای چپ و اتحاد با جریانهای
بورژوازی - لیبرال به تلاش گسترده و مسئولانه ای دست زد . مافروپا
فاجعه با این سیاست و نظری را که از کثرت گفتمانهای تدریجی مبارزه فدا میرد
بالیستی متوجه سازمان مجاهدین می شد مگوژدمی نمودیم . در همین حال
ما اقدامات سرکوبگرانه رژیم طبقه مجاهدین خلق را محکوم می کردیم .

تا شمرت تصمیمات و تفکرات گیری آشکار و ترغیب بندهای جدید ، روی سازمان
ما افزایش امپریالیسم خمینی بود . این امر در مرحله پستی این دوره به
جانبداری از دولت کردایی و روحانیت پیرو خمینی حکومت انجام مید و سرانجام
سیاست ایجاد یک قطب انقلابی رهبر امپریالیسم توتک شد . حمایت آشکار بنی صدر
از سرمایه داری و نزدیکی به غرب و استقبال امپریالیسم از تقویت مواضع
بنی صدر از یک سو و تشدید توطئه های آمریکا علیه حکومت خمینی که با مقابله
خمینی با قدرت گیری بنی مافروپا توطئه های امپریالیسم همراه بود از سوی
دیگر ، این گمان را پدید آورد که گویا خمینی و روحانیت چون تودیک او در مبارزه
با امپریالیسم پیگیر توطئه ها و تحولات بنیادین اقتصادی - اجتماعی
بسیودر محکشان هستند . این گمان ما را به جانبداری از خمینی و بهشتی در
درگیریهای آنها با بنی صدر سوق داد .

در دوره ای که از تصویب قانون اساسی بفاصله ارتجاعی جمهوری اسلامی
تا آغاز بورژوازی سرکوبگرانه و خونین رژیم برای نابودی کامل آزادی های
سیاسی در تابستان ۶۰ بطول انجام مید ، سیاست ما می بایست همچنان مضموم
پشتیبانی از حکومت ، مبارزه علیه آن و نبرد برای ایجاد آلترناتیو
انقلابی بمنظور انتقال قدرت سیاسی به این آلترناتیو بود (سازمان ما در راه
تشکیل آلترناتیو تحت عنوان " قطب انقلابی " مبارزه می کرد) . برپایه
چنین سیاستی می بایست مبارزه توده ها را در همه عرصه ها شعله ور می ختمیم .
آنها را برای دستیابی به خواسته های بیشتری در جهت تحقق آماجهای برنامد
خودمان ترغیب می کردیم . باید توده ها را با تکیه بر خواسته های مشخص آنها

اعمال فشار از پائین و مقابله فزاینده با کل رژیم بسیج می نمودیم. هر یک از تاکتیکهای ما می بایست چنان انتخاب می شد که در تضعیف قدرت و نفوذ روحانیت حاکم و شخص خمینی، جلوگیری از استحکام روقبه قدرت سیاسی توسط این نیرو و استقرار و تحکیم رژیم بغایت ارتجاعی ولایت فقیه تا حد اکثر ممکن مؤثر واقع می شد. ما می بایست مردم را علیه رژیم "ولایت فقیه" که در حال استقرار همه جانبه بودیم، به رژیم استبدادی و خادم گسلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بسیج می کردیم. برای این پایه سازمان می بایست شعارها را از آزادی سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را که گسل رژیم را در بر می گرفت به شعار اصلی تبدیل می کرد.

در این دوره و بطور مشخص تا آغاز جنگ، حکومت خمینی وعده های سیاسی مبنی بر انجام اصلاحات اقتصادی اجتماعی می دهد و به برخی اقدامات در این زمینه نیز دست می زند.

رژیم خمینی، علیرغم ترکیب هیات حاکمه رژیمی با ماهیت و خط مشی بورژوازی بود. هم ماهیت این رژیم، هم ترکیب نیروهای آن و هم ساختار و سنگتگیری آن مشخص می کرد که اصلاحات مطرح شده از سوی هیات حاکمه فاقد یک هدف گیری مردمی، فاقد تداوم و پیگیری و قبل از هر چیز در خدمت خلع سلاح نیروهای کمونیست و انقلابی و تحکیم حکومت روحانیت است. بنا بر این نمی بایست با واسطه چنین مواعد و اقداماتی در ذهن توده ها نسبت به حکومت امید و یا توهمی پدیدار می گشت. اما در عین حال اهمیت اصلاحاتی که منطبق با خواسته های مشخص توده ها بود می بایست بدرستی درک می شد، یعنی می بایست مردم را ترغیب و بسیج می شدند تا برای انجام این اصلاحات و برای گستردن دامنه آنها مطابق با برنامه ما رژیم را زیر فشار قرار دهند. می بایست با دفاع پیگیرانه و خواسته های مردم جهت انجام اصلاحات اقتصادی - اجتماعی می گویندیم پرچم خودمان را بر پیشانی آنها برافرازیم. با یک قدمداده شدن اصلاحات، تا پیگیری رژیم، بی سرانجامی اقدامات آن و هدفهای ارتجاعی حکومت خمینی در طرح این اصلاحات را افشای کردیم و مردم را به بسزوم اعمال فشار از پائین و اهمیت تکبیه بر اقدام و تشکیل مستقل خودشان متقاعد می کردیم. سازمان ما تا آستانه جنگ در غالب این جهات مبارزه گسترده و مؤثری را پیش برد.

سازمان ما طی دوره مورد بحث در زدودن اندیشه های سکتاریستی در سازمان و تجهیز هر چه بیشتر افراد بیان خلق به مارکسیسم - لنینیسم خلاق و دستاوردهای گرانقدر شورویک و تجربی جنبش جهانی کمونیستی پیروز مندان به پیش رفت - بارزترین نمودار حرکت فرا زمان سازمان ما در این روند پذیرش و آموزش مفاد اسنادی بر نامه ای مصوب جلسات مشاوره - احزاب کمونیست و گامی بزرگ بود.

در بررسی خط مشی سازمان در این دوران می توان تنها بر ذاتی رابین دوران قبل از جنگ و بعد از جنگ تشخیص داد. خط مشی سازمان تا آستانه جنگ ایران و عراق در مجموع درست و اصولی بود. اما در عین حال در همین دوران نطفه هایی از تفکرات انحرافی شکل می گیرد. این تفکرات تا قبیل از جنگ از چنان رشد و توان و اتساع می برخوردار نبودند که مشی انقلابی و اصولی سازمان را منحرف کنند. اما با آغاز جنگ ایران و عراق و در نتیجه سه رشد تفکرات فوق و تا تحریکات حمایت از رژیم در جنگ و یک رشته عوامل دیگر مشی سازمان به خطاهایی جدی آلوده شد و در پایان این دوره انحراف بر است در خط مشی سیاسی سازمان پدیدار شد.

جمهوری اسلامی پس از استقرار کامل رژیم تشوکراتیک

روحانیت بهره‌برری خمینی که پس از عزل بنی صدر حاکمیت انحساری خود را تحکیم کرد در نیمه نخست سال ۱۳۶۰، همانگونه که "قانون اساسی جمهوری اسلامی" مشخص می‌کرد، استقرار رژیم تشوکراتیک (ولایت فقیه) را به انجام رساند. طرفداران حاکمیت انحساری روحانیت از قدرت و گسترش شدیدتهاجمات نوین حکومت علیه سازمانهای ترقیخواه و انقلابی نتیجه ناگزیر حرکت روحانیت برای استقرار رژیم مطلوب خود بود.

با قبضه کامل قدرت سیاسی توسط روحانیون و مستقر شدن رژیم ارتجاعی علیه مردم تصور روحانیت حاکم، تضادهای درونی هیات حاکمه پایداری نداشت. همه جناح‌های هیات حاکمه در اینکه قدرت به انحصار روحانیت درآید و رژیم استبدادی "ولایت فقیه" مستقر گردد و نیروهای انقلابی و ترقیخواه مخصوصاً پیروان سوسیالیسم علمی سرکوب گردند، وحدت نظر داشتند و همه آنها از استبداد دفری خمینی دفاع و زیر رهبری وی عمل می‌کردند.

در ترکیب هیات حاکمه، جناحی که گماکان دست بالا داشت و پیروان سوسیالیسم و سرسخت‌ترین مدافع رژیم ارتجاعی - تشوکراتیک بود، رژیم نام "حاکمیت اسلامی" یک رشته اصلاحات را در چارچوب سرمایه‌داری را مطرح می‌کرد. این جریان به سود جمهوری اسلامی می‌دانست که مواضع بزرگ مالکان و صاحبان شویز به سود لایه‌های عقب مانده اروپا بین تریبورژوازی و خرده بورژوازی منتهی و سرمایه‌داری دولتی اصلاحاتی انجام گیرد. این جریان خصوصاً برای طبقه پایگاه نموده‌ای روحانیت حاکم و برای گرفتن شکر از نیروهای انقلابی و منفرد نمودن آنان در میان توده‌ها و در نهایت "حکف کباب" است. بر اساس این اصلاحات که با تبلیغات پرمیاه و عوام‌فروشی‌ها همراه می‌شد، روحانیت حاکم می‌پنداشت که با تریبورژوازی و بزرگ مالکان صاحبان می‌گردد و به سود جمهوری اسلامی می‌دانست که بطور درستی هر خدمت‌مندی است. آنان قرار می‌گیرند، این جناح با هرگونه اصلاحاتی به زیان نیروهای فوق می‌گردد.

آیت‌الله خمینی در کشاکش فوق نیز همچون دوره‌های پیشین به تکیه روی موازین اسلام و شعار "نه شرقی نه غربی" و ما نور سیاسی میان جناح‌ها روی آورد. نقش ویژه خمینی آن بود که برای حفظ وحدت نیروهای حاکمیت نوین نیروی کافی برای دفاع از حاکمیت روحانیت تشکیلی می‌گرم تا فوق حاکمیت و تنافضات فاحش درون هیات حاکمه قرار گیرد و از طریق ما نور و منافع مشخص هر یک از جناح‌های حکومت و تکیه بر منافع مشترک روحانیت، جمهوری اسلامی را رهبری کند. ما نورهای خمینی هر خدمت‌مندی‌ها مواضع روحانیت بود و راه تقویت مواضع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و افراسمرات می‌گردد. مواضع‌های خمینی درباره "کوخ نشینان" و "پایه‌ها" "مردم" جلب اعتماد توده‌ها به روحانیت، و بطور خاص منفرد کردن کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی بود.

در شرایطی که رژیم ولایت فقیه استقرار یافته بود، و با وجود به اینکه هر دو جناح هیات حاکمه در مستقر ساختن این رژیم و حفظ آن منافع مشترک داشتند، کشاکش میان جناح‌های حکومت نه می‌توانست، مستگیری رژیم را تغییر دهد و نه تا شیری در سر نوشت انقلاب بگذارد. آنچه تعیین کننده بود این بود که رژیم ارتجاعی مستقر گردید، ماهیت جناح اصلاح طلب هیات حاکمه را نیز نه اصلاحاتی که مطرح می‌کرد، بلکه رژیم که مستقر کرده بود نشان می‌داد. هر دو جناح هیات حاکمه ارتجاعی بودند و متحداً زیر رهبری خمینی بود خلق عمل می‌کردند.

بوده تا نادودی یکپایه و تک تک نیروهای ترقیخواه و انقلابی، خصوصاً کمونیستها در آن پیش بینی شده بود. اما در عین حال مقابله نظامی سازمان مجاهدین خلق دستاویز رژیم برای تسریع و تشدید توطئه‌های آن علیه نیروهای ترقیخواه و کشتار رده‌منشانه مجاهدین و مبارزین شد.

«پشتیبانی سازمان از حکومت و رهبری آن خمینی با مبارزه سازمان در راه طرد "جنح راستگرا" همراه بود. تحلیل ما این بود که جنح غالب در حکومت و شخص خمینی ترقیخواه و خواهان پیشرفت انقلاب و بهبود زندگی توده‌ها هستند، اما جنح "راستگرا" که شورای نگهبان در رأس آن قرار داشت ترمنز انقلاب و مدافع کلان سرمایه‌داران بزرگ مالکان است. از این رو سیاست سازمان این بود که با طرد "جنح راستگرا" راه پیشروی انقلاب را بگشاید.

مبارزه سازمان علیه "جنح راستگرا" عمدتاً با تکیه بر لزوم انجام اصلاحات اقتصادی و اوضاع مخالفت این جنح با آن صورت می‌گرفت و با تکیه وسیع سازمان برای بسیج توده‌ها در جهت تشدید مبارزه علیه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان همراه بود. طی سالهای ۶۰ و ۶۱ سازمان ما به‌گونه شعاری مبنی بر لزوم انجام اصلاحات ارضی و دولتی شدن تجارت خارجی تعویب قانون کارمرتی و بهبود زندگی کارگران و زحمتکشان را به میان توده‌ها برد. فعالیت گسترده و به‌گیرانه سازمان در راستای تأمین مطالبات اقتصادی - اجتماعی رنجبران به افزایش اعتبار سازمان نزد توده‌های معروم و گسترش پیوند و پایداری توده‌های آن منجر شد. با این حال در سیاست سندیکا بی سازمان سیاست آن در رابطه با جنبش‌های و نهفت‌ها و نسبی انحرافات از سیاست مستقل طبقه کارگران شکار بود. اساسی این انحراف آنجا بود که سازمان نیروی پرتوان توده‌های را علیه یک‌جنح، "جنح راستگرا" و سرشناس‌ترین چهره‌های آن سازمان می‌دانستیم. روحانیت حاکمه و رهبری خمینی. این کار به هوشیاری و آگاهی توده‌ها لطمه وارد می‌کرد. در سیاست سندیکا بی سازمان همچنان شعارنا دوست و غیراصولی "افزایش تولید" شعار پرولتاریا معرفی می‌گشت.

طی دوره مورد بحث برپایه این تحلیل که جمهوری اسلامی یک جمهوری فدا مبره‌الیت است، گرایش‌های رژیم برای نزدیکی و دوستی با غرب غالباً به یک جنح "جنح راستگرا" نسبت داده می‌شود. ضمنی رژیم با اردوگاه کشورهای سوسیالیستی به اندازه لازم عوارزی می‌مواقع رژیم ترقی‌گرا امپریالیسم دخالت داده نمی‌شد. این واقعیت بود که معاسیه دقیق‌تر تا شیر عوامل اساسی چون وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم، سلطه رژیم شوکراتیک و تا شیر شخصی عامل روحانیت و مذهب، باعث آرایش یک‌ارزیایی خوش‌بینانه از مواقع جمهوری اسلامی در مسائل جهانی و ترقی‌گرا امپریالیسم می‌شد.

«تا مین آزادی‌های سیاسی که حلقه‌املی برای فراهم شدن شرایط جهت بسیج و سازمان‌دهی انقلابی توده‌ها بود، طی سالهای ۶۰ و ۶۱ در سیاست سازمان به یک مساله فرعی تبدیل شد. این امر تا آنجا پیش رفت که به طرح نظریات دستاویزهایی در جهت بی‌بها کردن آزادی‌های سیاسی با تکیه بر روی اصلاحات اقتصادی انجام مید.

مناسبات با دیگر سازمانهای انقلابی و ترقیخواه

«طی سالهای ۶۰ و ۶۱ مناسبات سازمان با سازمانهای انقلابی و ترقیخواه مخالف رژیم بطور عمده زیر تا شیر پشتیبانی ما از حکومت و سکتاریسم این نیروها تیره گردید.

سازمان مجاهدین خلق به حمایت کامل از بنی صدر پرداخت ، طی چندماه آخر ریاست جمهوری بنی صدر ، عملاً طرفداران بنی صدر و مجاهدین خلق بطور مشترک به مقابله با جناح بهشتی برخاستند ، در راستای تکامل همین روند بود که به هنگام طرد بنی صدر از حکومت ، سازمان مجاهدین خلق به تقابل مسلحانه و خونین با رژیم کشیده شد . تحلیل رهبری سازمان مجاهدین خلق این بود که امکان بی‌اگر کردن یک قیام مسلحانه علیه رژیم خمینی و برانداختن حکومت از این طریق ممکن است ، چنین تحلیلی از اوضاع ، در شرایطی که رژیم مدام به تحریکات سرکوبگرانه مشغول بود و به آشکارسال مختلف شرایط را برای تهاجم همه جانبه و خونین علیه نیروهای شرقیخواه هموار می کرد ، مجاهدین خلق را به یک درگیری مسلحانه زودرس و فاجعه بار سوق داد .

تغییرات سیاسی سازمان مجاهدین خلق و رشد گرایش بورژوازیسی سیاست و برنای سازمان مجاهدین ، منجر به تخریب مناسبات دوطرفه توسط ما و آنها شد . ما عملاً سیاست اتحاد و انتقاد در مقابل سازمان مجاهدین خلق کنار گذاشتیم .

در مناسبات ما با سازمانهای چپ و حزب دموکرات کردستان ایران نیز تیرگی های جدی پدید آمد ، انتقال دیرسیاست و مشی این سازمانها به شکل یک جانبه و غیرسازنده صورت می گرفت و تا کید بر وجود اختلاف و تضاد ما با این سازمانها و مرزبندی با آنها ن به وجه برجسته در مناسبات ما با این سازمانها تبدیل شد .

مناسبات با حزب توده ایران

بزرگترین و ارجمندترین دستاورد ادشولوزیک سازمان ما طی سالهای ۵۸ ، ۵۹ و ۶۰ درک تعمیق یافته ترانزنا سیونا لیمس پرولتری و تجلی آن یعنی همبستگی عمیق احزاب کمونیست و کارگری جهان و تعمیق و تحکیم آن در سازمان بوده است . پذیرش و تبلیغ و ترویج اسناد برنای جلیقات مشاوره ای احزاب کمونیست و کارگری جهان که شماره تحول فکری فاسوق بود ، برای سازمان این امکان را فراهم کرد که به مبانی علمی راهگشایی برای تشخیص و تحلیل شرایط ایران و مسایل انقلاب کشور ما مجهز گردد . این تحول فکری حاصل روند تکامل مستقل سازمان بود و در ادامه روند عمومی تکامل فکری سازمان حاصل گردید ، اما در این دوره روند تجهیز ست شورویست سازمان با انطباق خلاق این شوروی ها بر شرایط مشخص جامعه ایران و بهره مندی درست از آنها برای درک روزهای مسایل انقلاب همراه نبود .

در این دوره مبارزه در راه وحدت با حزب توده ایران پذیرفته شد و این دستاورد بزرگی برای جنبش کارگری ایران بود ، این امر در مصوبات پلن شوهای اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰ تجلی یافت ولی هیات سیاسی به مضامین مصوبات پایبند نماند و به اهمیت و نقش برنای ما و اساسنامه در امر وحدت بهیچاسی لازم را نداد .

کمیته مرکزی سازمان تحت تاثیر این درک از وحدت ، بدون برخورد انتقادی لازم با برنای موشی حزب توده ایران به منطبق کردن برنای موشی سازمان با آن پرداخت .

روند فوق از عرصه برنای موشی سیاسی نیز فراتر رفت و به آنجا منجر شد که اصل حقوق برابر میان دو سازمان برادر یعنی گردید سیاست و راه درست آن بود که برای وحدت سازمانها میان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران و دیگر سازمانها با رگسیست - لنینیست ، در حزب واحد طبقه کارگر بر اساس ما رگسیسم - لنینیسم و انترناسیونا لیمس پرولتری و برنای ما و اساسنامه واحد و رعایت اصل برابر حقوقی میان آنها ن مبارزه می شد .

ارزیابی سیاست و برنامه سازمان در سالهای ۶۰ و ۶۱

در شرایطی که هیات حاکمه استقرار استبداد مذهبی را به تمام می‌رساند پشتیبانی قاطعانه از حکومت بمثابه مبنای سیاست سازمان در رابطه با آن قرار گرفت. سیاست پشتیبانی از حکومت به برنامه سازمان راه برد. در خرداد ۶۱ طرح برنامه سازمان برای پیشبردهمجانیه انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در هیات سیاسی کمیته مرکزی تصویب شد و در سطح جامعه انتشار یافت. در برنامه استقرار سوسیالیسم و تکامل شکوفان آن آماج نهایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اعلام شد.

طرح برنامه سازمان مبارزه در راه اتحاد نیروهای غذا مهربالیستی و مردمی در جنبه متحد خلق و زیر رهبری خمینی را مبرم ترین وظیفه سازمان و دیگر نیروهای انقلابی قرار می داد. در برنامه سازمان ضرورت رهبری طبقه کارگر برای پیشرفت پیگیر انقلاب و به فرجام رساندن آن مسکوت گذاشته شد و این به معنای نفی آن در عمل بود.

رویدادهای چند ساله اخیر، تجارب مشخصی که طی این دوره بدست آمده است، تحلیل های گشونی و خط مشی امروز ما همه روشن می سازند که خط مشی و برنامه ما در سالهای ۶۰ و ۶۱ در جهت خلاف روند عینی رویدادها بوده است.

در شرایطی که رژیم تشوکر اتیک تحکیم می شود استبداد مذهبی استقرار می یافت و تهاجم همه جانیه برای نابودی انقلابیون و محدود ستاورده های مردمی انقلاب آغاز می گشت، ضرورتاً سرنگونی رژیم تشوکر اتیک به هدف عاجل خط مشی ما تبدیل می گشت.

مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی الزاماً بدین معنی نبود که سازمان بلافاصله به تقابل مسلحانه با رژیم کشیده شود، باید از همه امکانات و فرصت ها برای بسیج قوا و تدارک سرنگونی استفاده می شد. در این راه خصوصاً می بایست بر شعارهای صلح و آزادی و عدالت اجتماعی تکیه می شد. شعارهای فوق آن حلقه هایی بودند که توده ها را حول مسایل مشخص و قابل درک خودشان علیه رژیم استبدادی بسیج می کردند.

مبارزه در راه بسیج متحدان نهموده های مردم علیه رژیم، و مبارزه در راه متحد کردن همه سازمانهای ترقیبخواه و انقلابی بمنظور پابین کشیدن حکومت دوجبهه اساسی تدارک سرنگونی رژیم بود. هیچ جناحی از هیات حاکمه نمی توانست درجه های تدارک گیری در که می بایست به منظور سرنگونی رژیم تشکیل شود. هیچ نیروی ترقیبخواه مخالف رژیم نیز نمی توانست ممنوعاً از اتحاد ضرور کنار گذاشته شود.

خط مشی سیاست سازمان طی سالهای ۶۰ و ۶۱ برخلاف ضرورت های فسوق بود. این خط مشی و سیاست اشخرف به راست از سیاست مستقل طبقه کارگر بوده است.

خط مشی و سیاست سازمان در دوره فوق تجسم برنامه مصوب خرداد ۶۱ بود. این برنامه اشخرف بر است از مواضع مستقل طبقه کارگر بوده است.

درباره فعالیت سازمان در میان دوپلنوم

رفقای ارجمند!

هیات سیاسی منتخب پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی، از نخستین روز همه تلاشهایش را متوجه آن کرده که ممویات پلنوم اجرا گردد و برپا به تصمیمات پلنوم مهرماه به بنیادهای فزاینده جنبش کمونیستی و انقلابی میهنمان پاسخ داده شود. این تلاشها همانگونه که در همین گزارش منعکس است در پاره‌های جهات به موفقیت رسید ولی در برخی عرصه‌ها به نتایج مطلوب دست نیافت. در مواردی نیز تصمیمات متخذه در پلنوم مهرماه ۶۲ اجرا در دنیا مد.

درواقع، در مسیر پیشرفت کار و ادامه تلاشها، هرچه بیشتر آشکار گردید که اصولاً تا مین مساعده‌ترین و بهترین وضعیت برای فعالیت سازمان در پیش و قبیل از همه در اروپا سبب یک رشته مسایل گریه سازمان و جنبش کمونیستی و کارگری میهنمان است. مسایلی که با پاسخ گویی به آنها امکان می‌دهد تا سازمان نقش واقعی و شایسته خود را در جنبش کمونیستی و انقلابی کشور ایفا نماید. از همین روستی دوره مذکور بخش بزرگی از نیرو و توان سازمان بدرستی مصرف نقد و بررسی سیاسی و برنامهمه سازمان در سالهای ۶۱ - ۱۳۵۷، شناخت خطاها به منظور غلبه بر هرگونه انحراف از سیاست مستقل پرولتاریا و طراحی استراتژی و تاکتییک سازمان برای مرحله کنونی نبرد انقلابی در میهنمان گردید. تلاش سترگ و کار سخت کوشانه برای این زمینه، گرچه موجب اختلالاتی در فعالیت روزمره سازمان شد، معذرتاً در درک طرف تراصول و موازین مارکسیستی - لنینیستی و کارریست آن در هدایت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی سازمان، ما را توان مندتر کرده است.

اکنون برعهده پلنوم وسیع است که این دستاوردهای ارزشمند را تثبیت و راه آینده پیروز مندهم ما فدا بیان خلق را بگشاید.

اینک فعالیت یک سال و نیمه سازمان در عرصه‌های مختلف را به اجمال مرور می‌کنیم:

الف: فعالیت سیاسی

در عرصه سیاسی ضرورت تا مین حضور فعال سیاسی سازمان پیش روی هیسات سیاسی قرار داشت. حدت اوضاع سیاسی کشور ايجاب می نمود که در راه پاسخگویی به این ضرورت عاجل، همه امکانات سازمان بکار گرفته شود.

در دوره مورد گزارش نشریه‌ها بطور منظم انتشار یافت و کوشید تا تحلیل و ارزیابی روند تحول اوضاع سیاسی کشور را به رهنمودهای مشخص، در هدایت جنبش انقلابی مردم ایران نقش موثری ایفا نماید. در این دوره دستگناه رهبری سازمان با نارسایی‌های در امر هدایت سیاسی و ایدئولوژیک سازمان و مجموعه جنبش رو بر رو بود و مانع از آن شده که نشریه‌ها کارها و وظایف ترویجی برخوردار فعال داشته باشد. نشریه‌ها کارها تیزاً بیست هزار کماکان موقعیت خود را به تنها نشریه انقلابی که منظم در سراسر کشور توزیع می‌گردد، حفظ کرده است.

در دوره مورد گزارش هیات سیاسی از طریق انتشار پیام‌ها، بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و تراکت‌ها، در جهت هدایت جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران و زحمتکشان کوشید نقش موثری ایفا نماید.

رادیو زحمتکشان ایران رادیوی مشترک سازمان فداییان خلق ایسرا (اکثریت) و حزب توده ایران که در فروردین ۶۲ تأسیس شد بطور مستمر به کار خود ادامه داد. ضرورت تقویت همه‌جانبه رادیو زحمتکشان بویژه هدای آن کماکان به بقوت خود باقی است. هیات سیاسی همچنان پاسخ به این ضرورت را نیا زمبرن جنبش و از اهم وظایف خود ارزیابی می‌کند.

در اردیبهشت ماه ۶۲ کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در بنیانه مشترک با کمیته مرکزی حزب توده ایران تحت عنوان "پیروز بساد

مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی - سوسیالیسم و
دموکراتیک کشور به مبارزه ای متحد در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی
فراوانند. طرح ضرورت سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و دعوت از همه طبقات
و اقشار ملی و دموکراتیک به مبارزه در این راه با سخگویی به ضرورتی بود که
از مدت ها پیش به نیا زوا قعی جنبش دموکراتیک خلق ایران تبدیل شده بود.
طرح این شعار از سوی سازمان در جهت تقویت مواضع طبقه کارگر و پیشاهنگ
آن در جامعه تشریح کرده است.

در این دوره فعالیت تبلیغی و افشاگرانه واحدهای سازمانی در سطح کشور
حول شعارهای کمیته مرکزی بگونه ای چشمگیر گسترش یافت و بسیاری از واحدها -
های سازمانی در زمینه تبلیغات به اقدامات مبتکرانه دست زدند. گسوستی
جانبا زانته گذاردها ، اعضا و هواداران سازمان در سطح کشور که در شرایط
سنگین ترور پلیسی پیگیرانه به تبلیغ و معرفی مواضع سازمان و افشای همه
جانیه رژیم جنگ طلب خمینی همت گماشتند ، ستایش انگیز است . سازمان ما
طی دوره میان دو پلنوم از نظر سطح شعارتویسی ، انتشار تراکتها ، اعلامیهها
نشریات و اوراق تبلیغی در میان شدهها ، پیشاپیش همه تیروهای سیاسی
کشور حرکت کرده است .

در دوره مورد گزارش ، فعالیت سازمان در خارج کشور به میزان قابل
توجهی گسترش یافت . نشریه هفتگی " اکثریت " که بعنوان نشریه هواداران
منتشر می شد ، بمثابة نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج
کشور تجدید سازمان یافت و توانست با ارتقا سطح کیفی خود و انعکاس اخبار
مبارزات مردم ایران و مبارزات ایرانیان مقیم خارج کشور علیه رژیم ترور
و اختناق مرمی نقش مؤثری در معرفی مواضع سازمان در خارج کشور به عهده
گیرد .

انتشار " بولتن بین المللی " به زبان انگلیسی کام دیگری در جهت گسترش
فعالیت بین المللی سازمان بود . این بولتن بطور منظم انتشار می یابد
و در انعکاس رویدادهای کشور و گزارش مواضع و فعالیت سازمان در جهان نقش
مؤثر ایفا می کند .

در این دوره روابط سازمان با احزاب کمونیستی و کارگری جهان و سیما
گسترش یافت . ملاقات های متعدد در سطح رهبری انجام گرفت و پیرامون
مسائل مورد علاقه طرفین تبادل نظر بعمل آمد . روابط انترناسیونالیستی
سازمان بیش از دوره های مشابه قبلی گسترش یافت . هیات نمایندگی
سازمان در کنفرانس ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی و نیز در کنفرانس
احزاب برادر شرکت نمود . در اسفند سال ۶۴ سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت) ، حزب توده ایران ، حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست ترکیه
مشترکا به انتشار اعلامیه ای مبادرت ورزیدند که طی آن مواضع یگانها
کنندگان بهرامون جنگ ایران و عراق ، مسأله کردستان و رژیمهای ضد مردمی
سه کشور و مسائل حاد منطقه اعلام گردید .

شرکت مؤثر هیات نمایندگی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت)
برای اولین بار در دستشوال جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو از اهمیت
ویژه ای برای گسترش مناسبات بین المللی و کسب تجربه در این زمینه
برخوردار بوده است .

هیات نمایندگی سازمان با شرکت فعال در اجلاسها و کنفرانس های سازمانهای
دموکرات و مترقی در سطح بین المللی نقش مؤثری در افشای جنایات رژیم
ایفا نمودند .

رفقا!

در دوره مورد گزارش در زمینه نشریات ترویجی کمیته های جدی وجود
داشته است . در این دوره تنها دو شماره از نشریه " موزشهایی از انقلاب و
سوسیالیسم " منتشر شد . تدارکات هیات سیاسی برای گسترش فعالیت ترویجی
در قالب یک نشریه شوریک به نتیجه نیا نجا میدو سازمان موفق به انتشار
آن نگردید .

از عوامل اصلی ضعف کار ترویجی رهبری سازمان آن بود که هیات
سیاسی در جریان سازمان تگری میا حث گسترده شوریک - سیاسی حول بررسی

سیاست و برنامه‌ها زمان در سالهای ۶۱ - ۵۷ درباره‌ها این ضرورت قرار گرفت که درک عمیق تری از چگونگی گسترش روندهای انقلابی درجا معه ما بدست دهد. امری که مستلزم کار نسبتاً گسترده و مسئولانه‌ای بود. اسنادی که اکنون به پلنوم ارائه شده است دستاورد تلاشهای ما است. در این اسناد درجه‌ها اساسی به مسایل مطروحه پاسخ‌های اصولی ارائه شده است. تدقیق و تصویب این اسناد توسط پلنوم وسیع برای گسترش فعالیت ترویجی سازمان راه می‌گشاید و به رهبری سازمان امکان می‌دهد که در عرصه فعالیت ایدئولوژیک و در مبارزه با انحرافات "چپ" و راست آسیاست مستقل طبقه کارگر سهم شایسته خود را ایفا نماید.

رفقا!

درفاصله دوپلنوم، سازمان در اجرای تصمیمات پلنوم مهر ۶۲ تلاش کرد مشاوره و همکاری میان سازمان و حزب توده ایران در سطوح مختلف حفظ شده و گسترش یابد. کمیته‌ها هنگی که در آستانه پلنوم مهر ماه ۶۲ بمنظور تبادل نظر و مشاوره در جهت حفظ و گسترش وحدت فکری و سیاسی و هدایت امر همکاری و اتحاد عمل میان سازمان و حزب تشکیل شده بود، در دوره مورد گزارش با دشواریها و نارسایی‌هایی روبرو بوده است. در این دوره جمعی قابل توجهی از فعالیت‌های سیاسی به بررسی مسایل مربوط به تنظیم مناسبات سازمان و حزب و همکاری‌های متقابل اختصاص یافت. هیات سیاسی کوشید که مسایل مربوط را برپایه تحکیم روابط متقابل حل کند.

هیات سیاسی در جهت بهبود روابط با سازمانهای چپ کشورهای تلاشهای مسئولانه‌ای دست‌زد تا زمینه‌های همکاری متقابل علیه رژیم در راه اهداف مشترک فراهم نماید. اگرچه در مواردی این تلاشها در رابطه با بعضی از سازمانهای چپ بی نتیجه نبوده است، اما متأسفانه علیرغم نیازهای مبرم جنبش و علیرغم وجود بسیاری از شعارها و اهداف مشترک این سازمانها در حفظ مواضع خصمانه نسبت به سازمان همچنان اصرار می‌ورزد.

هیات سیاسی در جهت برقراری مناسبات و همکاری و اتحاد عمل با حزب دموکرات کردستان ایران نیز کوششهای لازم بعمل آورد. با آنکه رهبری حزب دموکرات کردستان ایران بر لزوم تشکیل جبهه دموکراتیک فدا مهربان لیستی متشکل از همه نیروهای فدا مهربان لیستی و دموکراتیک کشور تا کید دارد، فسران خوان اتحادجویانه ما از سوی آن هنوز بی پاسخ مانده است. از سوی سازمان بمنظور برقراری روابط سازنده با برخی نیروهای متعلق به حلقه‌های تحت ستم ایران نیز اقداماتی صورت گرفت که با نتایج شریک شرمناک همراه بود.

هیات سیاسی همچنین سازمان مجاهدین خلق ایران را به مبارزه متحدانه در راه سرنگونی رژیم خمینی و سایر اهداف مشترک فراخوانده است. فسران خوان‌های ما تاکنون با ستیزه‌جویی‌های مبتذل مواجه بوده و رهبری مجاهدین همچنان بر مواضع خصمانه نسبت به سازمان اصرار می‌ورزد.

هیات سیاسی عمیقاً متعقد دارد که علیرغم دشواریهای موجود بدلیل اهمیت اساسی مساله اتحاد نیروها برای سرنگونی رژیم و انجام تحول انقلابی دموکراتیک در کشور، تلاش‌های اتحادجویانه و سیاست و روش برخورد مسئولانه نسبت به همه نیروهای مشرفی کشور که بر اساس اتحاد و انتقاد استوار است بایستی همچنان پیگیرانه دنبال شود.

هیات سیاسی در دوره مورد گزارش همه محافل دموکرات و ترقی خواه جهان را به گسترش مبارزه بمنظور توقف جنگ مآراجویانه و ارتجاعی ایران و عراق و نجات جان زندانیان سیاسی ایران فراخواند. در پاسخ به این فسران خوان‌ها دهها حرکت اعتراضی و نظا هرات از سوی محافل دموکرات و انقلابی جهان در اعتراض به سیاست ادامه جنگ رژیم خمینی و شکنجه و اعدام انقلابی ایران در بسیاری از کشورهای جهان برگزار گردید. شخصیت‌های دموکرات و انقلابی مشهوری خواهان قطع بلادرنگ جنگ و آزادی آن دسته از رفقای رهبری سازمان که در معرض خطر اعدامند، شدند.

در دوره مورد گزارش، هیات سیاسی برای گرامیداشت پانزدهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان احمد بیت ویژه‌ای قابل شد. فراخوان‌های هیات سیاسی بمناسبت پانزدهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان در جهت گسترش فعالیت و افزایش اعتبار و نفوذ سازمان تاشیو کرد. فعالین سازمان را جانبا زانسه

تاریخ می دادند. چندی پیش با نزدیکی ساحتها در سازمان ناسور
چهار مرکز گردید و بیش از ۱۵ حزب و سازمان کمونیست، انقلابی و دموکرات
در سطح کمیته مرکزی پیام های شادباش ارسال داشتند.

رفقا!

تدارک پلنوم وسیع کنونی سنگین ترین وظیفه ای بوده است که در تمام
دوره مورد بحث برعهده هیات سیاسی قرار داشته است. هیات سیاسی علاوه بر
تنظیم اسناد و ابهامیت مربوط به بررسی خط مشی گذشته، طرح استراتژی و
تاکتیک سند مربوط به تشکیل نخستین کنگره سازمان رانیز، که پلنوم مهر
ماه ۶۳ برعهده وی نهاده بود، به پلنوم ارایه داده است.

قطعنامه درباره وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران در دستور کار پلنوم
قرار داد. گزارش مربوط به کار کمیسیون برنامها و اسانامه بر ضرورت ادا
کار این کمیسیونها تاکید می کند. هیات سیاسی جهت تدقیق سیاست سازمان در
قبال گروه های سیاسی کشور، بررسی همه جانبه مواضع این گروهها را در دستور
کار خود قرار داد. نتایج حاصله در این زمینه که به پلنوم وسیع گزارش
می شود به سازمان امکان می دهد که سیاست درست و از نقطه نظر اصولی بسا
استحکامی را در قبال نیروهای سیاسی کشور اتخاذ کند.

نظریه اهمیت موضوعات در دستور پلنوم، هیات سیاسی تصمیم گرفت پلنوم
کنونی در شکل وسیع برگزار شود. به این منظور گروهی از کارهای سازمان به پلنوم
کمیته مرکزی دعوت شدند. اکنون این رفقا در پلنوم حضور دارند. حضور این
تنها از کارهای در پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان و شرکت غیر مستقیم بخش
وسیع از کارهای سازمان در این مباحثات که توسط هیات سیاسی سازمان
یافت، در جهت ارتقاء سطح کیفی آگاهی و تجربه کارها و تحکیم پیوندها
دستگاه رهبری سازمان تا شایسته است.

بازرسی هیات سازمان در زمینه سازمانگری جنبش توده ای

پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ بر تمرکز قوای سازمان در مراکز کارگری تاکید کرده
بود. تحکیم پیوندهای توده ای سازمان در صورتی که بر اساس قرارداد است. انجام
بهبود یافته و وظیفه در شرایطی که بر اثر سرکوب سبانه رژیم خون آشام
خمینی به ارتباطات توده ای سازمان لطافت جدی وارد آمده بود از یک سو
دشوار و از سوی دیگر بسیار حیاتی بود. در پاسخ به این وظیفه حیاتی و دشوار
ضرورت تشکیل هسته های مخفی کارگری در دستور کار سازمان نگارنده فعالین ما
قرار گرفت. اعتبار بزرگ ذوق آهن و چندين واحد بزرگ صنعتی کشور اهمیت
سرشت سازمان تحکیم پیوند سازمان با جنبش توده ای کارگری را بنحویر جسته تری
آشکارا ساخت. در همین رابطه بود که کلیه فعالین سازمان به شرکت فعالانسه
و گسترده در جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگری و توده ای فرا خوانده شدند.
مبارزه در راه ایجاد شکل های مستقل کارگری و حضور فعال در تشکلهای موجود
مقاوم با اخراج کارگران و مبارزه علیه قانون کار ارتجاعی و شورای اسلامی
کیار، مبارزه برای افزایش دستمزدها و بسوی مبارزه
تلاش وسیع برای سازمانگری مبارزات کارگران علیه جنت، عرصه های اصلی
فعالیت ما در جنبش کارگری و افشای ماهیت کارگزنسوز رژیم و طرح و بهگیری
خواستهای کارگران نقش فعال ایفا نمودند.

ایجاد و گسترش هسته های مخفی کارگری همچنان در مرکز سیاست سندیکا بی
سازمان قرار دارد. دستگاه رهبری فعالین سازمان می بایست به کسب
سازمان نگارنده توده ای در میان کارگران توجه جدی تری نمایند. رهبری
سازمان می بایست با اختصاص به تنها کارهای بیشتر بلکه بهترین کارها به
این عرصه حیاتی، موقعیت سازمان را در جنبش کارگری بیش از پیش تقویت
نمایند. ما امیدواریم که اسناد شوریک و سیاسی و رهنمودهای پلنوم وسیع در
این عرصه مهم از فعالیت سازمان راه غلبه بردشوار و ریها را بگشاید.
مبارزه دهقانان برای حفظ زمین های تقسیم شده و جلوگیری از بازگشت
ملاکین به روستاها، در سال گذشته نیز ادامه یافت. تسلط ارتجاع، سرکوب
مقاومت دهقانان و فشار رژاندار موسی و بردشوار ریهای کار در زمینه مشکمل

کردن دهقانان را افزوده است. عدم توجه کافی سازمان به این عرصه فعالیت موجب تنزل سطح ارتباطات ما با روستاها گردید. ما با پدیده‌های سازمانگري جنبش دهقانی در شرایط جدید را با ابتکار و خلاقیت کشف و راه غلبه بر مشکلات را، بیابیم. فعالیت سازمان باید اهمیت کار در میان دهقانان را بیش از پیش درگ کنند.

در زمینه فعالیت در جنبش دموکراتیک زنان، افشای قساوت‌های رژیم خمینی علیه زنان در مرکز و شهرستان انقلابی ما قرار داشت. در جهت جلب پشتیبانی زنان دموکرات جهان از مبارزات زنان ایران کوشش‌هایی صورت گرفت. اما این کوشش‌ها بدلیل مشکلاتی که در رابطه با تشکیلات دموکراتیک زنان پدید آمد نتوانست از بارزده مناسب برخوردار شود. پدیده منفی و تکرار کننده آن است که پس از سال ۶۱ سهم و نقش زنان در تشکیلات سازمان تنزل یافته است. کارشناسان فعالیت و مسئولیت زنان در تشکیلات به نقش و تاثیر سازمان در مبارزه زنان و کارروده‌ای لطمه زده است. اکنون بویژه ضروری است مواضعی که بر سر راه شرکت فعال زنان فدایی برای شرکت موثر در جنبش زنان کشور وجود دارند برده شده شود و رهبری سازمان امکانات و تمهیدات لازم را به منظور شرکت فعال زنان فدایی در این جنبش دموکراتیک فراهم آورد.

از فعالیت‌های مثبت این دوره انتشار مجدد نشریه پیشگام ارگان سازمان جوانان فدایی ایران (اکثریت) و پخش و توزیع آن در داخل کشور بوده است. با انتشار ماهیانه نشریه پیشگام فعالیت سازمان در میان جوانان کشور گسترش یافت. توده وسیع جوانان با توجه به جوان بودن ترکیب جمعیت کشور از سوی فعالان جوانان کشور در مبارزه علیه اختناق و استکباری‌های رژیم، تلاش وسیعی را برای تجدید سازمان جوانان فدایی از ما طلب می‌کنند. توجه به این مهم در این دوره در دستور کار هیات سیاسی قرار گرفت. کاری که آغاز شده است در مقایسه با آنچه که باید انجام پذیرد ناچیز است. هدف ما آن است تا سازمان جوانان به یک سازمان سراسری که همه وظایف خود را تحت هدایت عمومی رهبری سازمان برعهده دهد، تبدیل شود. هیات سیاسی برای این اعتقاد است که علیرغم انبوه مشکلات و پیچیدگی‌ها، این کار ممکن و بسیار ضروری است. جوانان فدایی نیروی ذخیره سازمان اند. این حقیقت گویای اهمیت گسترش فعالیت سازمان در میان جوانان کشور است.

در عرصه کار در میان ملیت‌های ساکن کشور طرح‌هایی به تصویب هیات سیاسی رسیده و تلاش‌هایی برای گسترش فعالیت سازمان در کردستان، بلوچستان، ترکمن صحرا صورت گرفته است. ضرورت گسترش فعالیت سازمان در میان اقلیت‌های ملی و مذهبی کشور کاملاً احساس می‌شود. سازمان باید در دوره آتی گام‌های بلندی در این زمینه به پیش بردارد.

در سایر زمینه‌های فعالیت توده‌ای، کار فعال در میان دانشجویان، نیروهای مسلح، پزشکان، کارمندان و بویژه دانشجویان و معلمان کشور که قبلاً از پایگاه‌های عمده نیروهای چپ کشور بوده‌اند، با دشواری‌های گوناگون مواجه بوده است. بخش عمده‌ای از این دشواری‌ها البته معلول سیاست ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه حاکمیت بوده است. اما نمی‌توان برده‌پوشی کرد که ضعف سازمان ما در تفریق مبتکرانه و اصولی کار علمی و مخفی و عدم بهره‌گیری ضرور از امکانات عملاً موجود در جهت گسترش فعالیت‌های توده‌ای نقش مهمی در این ناکامی بازی کرده و می‌کند. هیات سیاسی معتقد است علیرغم مشکلات و دشواری‌های موجود، در دوره آتی می‌بایست با کشف اشکال و روش‌های مناسب مبارزه، با ارائه روش‌ها و طرح‌های مناسب در جهت سازمانگري این بخش وسیع نیروهای شرکت کننده در جنبش دموکراتیک میهن‌مان مجدداً کوشش کنیم. واحدهای سازمان در سطح کشور باید توجه ویژه‌ای به این زمینه فعالیت مبذول دارند.

رفقا!

در دوره مورد گزارش فعالیت سازمان با فداکاری ستایش‌انگیز در جنبش توده‌ای فدینگ شرکت ورزیدند. تراکت‌ها و اعلامیه‌های سازمان در سراسر کشور بطور مستمر انتشار یافت که همه مردم را علیه جنگ و برای صلح به مبارزه پیگیر

در آرزوی نگرشی جنبش توده‌ای ضد جنگ فعلی شرکت داشتند. نشان دادن مصائب جنگ، افشای ماهیت فدملی و ضد مردمی سیاست‌ها، جنگ بویژه روشنگری انقلابی پیرامون این حقیقت که چگونه جنگ در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه و تحکیم مواضع طبقات و نیروهای ارتجاعی جامعه است، در آنفرا در بهران رژیم و گسترش و ژرفای مبارزات مردم در راه سرنگونی جمهوری اسلامی نقش بزرگی ایفا کرده است. شرکت و حضور فعال سازمان در جنبش توده‌ای ضد جنگ و هدایت آن دارای اهمیت اساسی است که می‌بایستی همچنان گسترش بیابد.

ج: فعالیت در زمینه کار تشکیلاتی

طی سال ۱۳۶۴ از طریق احیا و بازسازی شعب کمیته مرکزی در جهت تکامل ساختار سازمانی دستگاره رهبری کوششهای موثری صورت گرفت، بطوری که به تقویت نقش و تاثیر سازمان در هدایت جنبش انقلابی مردم ایران با روی رساندن پلنوم مهرماه ۶۳ سیاست عدم تمرکز تشکیلاتی را مورد تأیید قرار داده بود. هیات سیاسی در انطباق اصل عدم تمرکز با وضعیت مشخص تشکیلات سازمان با توجه به تشدید شرایط خلفان و سرکوب و با توجه به ساختار تشکیلاتی موجود و جمع بست تجارت به تکمیل و تدقیق طرح تشکیلاتی بر اساس اصل عدم تمرکز اقدام نمود.

جهت این طرح از سویی متوجه افزایش درجه امنیت، کیفیت و قدرت رهبری واحدهای تشکیلات در سطح کشور و از سوی دیگر تحکیم رابطه آنان با دستگاره رهبری و با مبارزات توده‌ای بود که علیرغم برخی موفقیتها می‌توان گفت که با نتیجه مطلوب هنوز فاصله وجود دارد.

در این دوره نیز با توجه به پیگرد گسترده پلیس سیاسی، افزایش خطر شناسایی، تعقیب و مراقبت و بازداشت کارها و فعالین سازمان، مسائلی حفاظت تشکیلات در مرکز اقدامات و تداوم بیرون تشکیلاتی قرار داشتند. تحکیم رابطه رهبری با واحدهای سازمانی نیز از اهم مسایل در دستور رهبری سازمان بوده است. در این زمینه علاوه بر تداوم بیرون تشکیلاتی ضرور، یک سلسله آموزشها برای مقابله با پلیس سیاسی، رهبری تشکیلاتی و کار توده‌ای تدارک دیده شد و سرمایه اجرایی آمد.

در دوره مورد گزارش از سوی کارها و فعالین سازمان در جنبش کردن نقشه‌های سرکوبگرانه رژیم که متوجه متلاشی ساختن واحدهای سازمانی مابین تلاشهای رزمجویانه ستایش انگیزی صورت گرفت. بیگانه‌فداکارانه و جانباخته فعالین ما این امکان را پدید آورد که سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بمثابه گردان پیتاهنگ طبقه کارگر ایران در جنبش انقلابی خلق حضور فزاینده خود را تثبیت کند و موقعیت خود را تحکیم نماید.

رفقا!

در این دوره هیات سیاسی کوشید تا تشکیلات سازمان در خارج کشور را با اختصاص کار و تجدید سازمان آن تقویت نماید. اما با دیدن کید کنیم کسبه مشکلات تشکیلات سازمان در خارج کشور بویژه دشواریهای مسایلی که اعضا و هواداران سازمان در مهاجرت با آن دست‌گیر باشند، توجه جدی تریه حل مشکلات آنان را طلب می‌کند.

پدیده مهاجرت سیاسی، بمثابه شکلی از تیرد انقلابی در برابر یورش ارتجاع البته دشواریها و بیخونگیهای خاص خود را دارد. اما نباید پنهان کرد که بی تجربگی رهبری سازمان در هدایت طبق نقشه مهاجرت بنوبه خود به دشواریها افزوده است، علاوه بر این مهاجرت‌هایی که بنا به تصمیم شخصی انجام می‌گیرد به عوارض منفی منجر می‌شود. بر این اساس هیات سیاسی به تشکیلات رهنمود داده است که برای رفقای که با مشکلات امنیتی مواجه می‌شوند حداکثر امکاناً تکیا رگرفته شود تا با تغییر محل کار و زندگی وسایر تمهیدات از مهاجرت بی هدف جلوگیری بعمل آید.

رهبری سازمان با محاسبه واقع بینانه امکانات می کوشد در جهت
قلبه بر مشکلات ناشی از مهاجرت، به رفقای مهاجر سازمان یاری برساند.
قراردادن بیش از پیش نیروی رزمجویانه این بخش از رفقای ما در خدمت
جنبش انقلابی میهنمان، در مرکز توجه رهبری سازمان قرار دارد.
رفقا!

دردوره قبل از پلنوم مهر ۶۳ سازمان با مشکلات مالی جدی روبرو بود.
طی دوره مورد گزارش وضع مالی سازمان با تلاش و فداکاری توده اعضا و
هواداران بطور نسبی بهبود یافت، لیکن بایستی در نظر داشت که برای
پاسخگویی به ضرورت های گسترش امکانات مالی، مشکلات و موانع کماکان
وجود دارند. بطور قطع باید گفت که تنگناهای مالی در عمل به یکی از موانع
جدی گسترش کمی و کیفی فعالیت سازمان تبدیل شده است.

رفقای ارجمند!

چنانکه گزارش نشان می دهد، سازمان ما در حالی که طی این دوره با
اختناق و سرکوب و حشیانه رژیم مواجه بوده اما مجدداً نه کوشیده است تا به
وظایف انقلابی خود عمل کند. در یکسال ونیم گذشته، ما رفیق منصور (محمد
رضایاری) عضو مشاوریهات سیاسی و رفیق رضی الدین تابان عضو مشاوریه مرکزی را همسراه
با عده ای از بهترین رفقایمان در راه برافراشته نگاهداشتن پرچم ما رکنیم
- لنینیم و انترناسیونالیسم پرولتری، در راه دفاع سرافرازانه
از منافع طبقه کارگر و توده زحمتکش از دست دادیم. در این دوره همه ما در پی کار
علیه ارتجاع خمینی با فداکاری و جان نثاری و با همه هستی خویش، در راه آرمانهای
والای طبقه کارگر و توده های در بند و محنت کشیده میهنمان رزمیدیم و لحظه ای از
پا نایستادیم، حاصل همه این تلاشها، با میزان افزایش نفوذ و اعتبار و حضور
سازمان در میان توده ها و نیروهای مترقی، زیگ سو و بارچه تحکیم موقعیت سازمان در
خانواده احزاب کمونیست و کارگری آزادی دیگر قابل ستیج است. اما بسا
اینهمه، همه ما بر آنیم که سازمان با پدیدخوا آمدن دوره آتی فعالیت خود
با برداشتن گام های بلندتری هم فعالیت سیاسی خود را گسترش دهد و هم با
کار بست تدابیر و اشکال مناسب فعالیت سازمانی در شرایط ضروری و اختناق
حاکم بر کشور ما سازمان نگارانه توده ای و پیوسته گارد در جهت تحکیم پیوستند
سازمان با طبقه کارگر میهنمان را بنحویت بخشی توسعه بخشد.

رفقا!

مجموعه اسناد عرضه شده به این پلنوم وسیع تاریخی مویذ آن است که ما
کوشیده ایم با تکیه بر سنن ارزشمند و دیرپای فداییان خلق یعنی پیوندگی
انقلابی، صداقت رزمجویانه و انتقادشجاعانه از خطاها و انحرافات در راه تسخیر
آینده پیش رویم. برای ما فداییان خلق همواره و این بار نیز زنی خطاهای
گذشته با اثبات راه ظفر نمون آینده معنی پیدا کرده می کند.

رفقا!

هیات سیاسی فراخوان خود در جشن پانزده سالگی را با این عبارات
تزیین داد: "لنین را بخوانیم! ما هم در این پلنوم وسیع بار دیگر بر
این پیام تکیه کنیم."

اکنون در بهار شانزدهمین سال بنیادگذاری سازمان پرافتخارمان، با
هدف دستیابی به برنامهاستراتژی و تاکتیکی ظفر نمون و راهگشا به سوی
سوسیالیسم، با کوشش پیگرد راه ارتقای روحیه رزمندگی انقلابی در صفوف
فداییان خلق، با تلاش در جهت هر چه محکم تر ساختن وحدت و انضباط سازمانی و
با استواری در پی نمودن راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری میهنمان کسبه
سنگرخلل نا پذیر خلقی برای رسیدن به راهی قطعی از هر گونه ستم و تبعیض
طبقه ای و اجتماعی است، بر آنیم که در برتوا آموزش های سترگ لنینیستا
نیل به پیروزی قطعی متحدویگانه به پیش برویم.

در ایسن ۱۵ سال ، ما فداییان خلق راه پررنج و شگوهمندی را پشت سر نهاده ایم . ما ز نیروی کوچکی که از ظلمت کده نظام پوسیده سلطنتی راه رهایی خلق خویش را جستجویی کرده با زمان سراسری شیرومندی فستورا روبیده ایم که پرچم رسالت و مسئولیت تاریخی رها بی قطعی خلق خویش و رهبری پیروزمندان انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران و گذر به سوسیالیسم را بردوش خود گرفته است .

تجربه انقلابی زندگی پانزده ساله ما نشان می دهد که پیروزی قطعی و ناگزیر آلمان ما هر چند به بهای جان های عزیز بی شماری که از ما می ربایند سرانجام بردست های پینه بسته کارگران و دهقانان ، بردست های تسوده میلیونی مردمی ، که زهر تلخ رژیم سفاک خمینی در کما نشان است ، شکوفه خواهد زد .

زننده یاد سا زمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) !

برافراشته باد پرچم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری !

برقرار باد وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزبی واحد طبقه کارگر !
پیروزی باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی !

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا !

www.iran-archive.com

طرح استراتژی و فاکتیک

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای انقلاب ملی و دموکراتیک ایران

۱ - بر اثر فرقه‌های شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه‌داری در پیوند با رگاتیک با امپریالیسم جهانی به سرعت رشد کرده مناسبات غالب در کشور ما مبدل گشت. در این روند، تفاذکا روسرما به به تفاذاطلی جامعه تبدیل شد و تفاذخلق و امپریالیسم تشدید گردید.

در کشور ما گرچه شیوه تولید سرمایه‌داری شیوه غالب و استعمار سرمایه‌داری شکل اصلی تضاد دسترنج کارگران و زحمتکشان است، ولی هنوز بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه‌داری وجود دارد.

۲ - مردم‌مبین ما برای تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی علیه حکومت دست‌نشانده شاه بها خاستند و قهرمانان آن را به زیر کشیدند. انقلاب بهمین گرچه رژیم سلطنتی، لایه‌بالیبی سرمایه‌وابسته و مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم را برانداخت ولی در نتیجه انتقال قدرت سیاسی به روحانیت پیرو خمینی، دستاوردهای دموکراتیک و مردمی انقلاب نه تنها گسترش نیافت، بلکه آماج ستیز و سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی قرار گرفت.

۳ - رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است بورژوازی و تشوکر اتیک، دارای خصمت عمیقاً ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک که بیش از همه متناقض روحانیت و بورژوازی تجاری را تا مین می‌کند.

حفظ وابستگی اقتصاد د کشور سیاست نزدیکی به امپریالیسم، دفاع از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، سیاست‌های جنگ افروزانانه و پان‌اسلامیستی رژیم جمهوری اسلامی و سوبیزه خصمت تشوکر اتیک آن، موجب تشدید بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی جاسعه شده است. بحران‌های ریشه‌ان اساساً در نظام سرمایه‌داری و وابستگی اقتصاد د کشور به امپریالیسم نهفته است. تفاذدین رژیم جمهوری اسلامی طبقة کارگر، دهقانان، خرده‌بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی هر روز عمق و دامنه بیشتری پیدا می‌کند. ادامه جنگ و حکومت استبدادی روحانیون ناراضی و مخالفت بخشهایی از بورژوازی ملی را نیز برانگیخته است. دشمنان عمده مردم ایران در مرحله کنونی عبارتند از: رژیم جمهوری اسلامی، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا، نقطه ستیز عمده و بیابان دیگر دشمن عمده‌ای که تنها آرزای درهمس کوپیدن آن راه تحقق خواست‌های فدائیان نیستی - دموکراتیک مردم‌کشور ما هموار می‌گردد، رژیم جمهوری اسلامی (رژیم ولایت فقیه) است.

۴ - آماج غایی سازمان ما استقرار سوسیالیسم و کمونیسم در ایران است. سوسیالیسم تنها نظامی است که قادر است کارگران و زحمتکشان را از بندهای اسارت سرمایه‌داری رهایی بخشد، به استعمار انسان از انسان خاتمه دهد و راه رشد همه‌جانبه و شتاب‌بنده نیروهای مولده را بگشاید و شرایط ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی زحمتکشان را تا مین کند. سازمان در راه دستیابی به این آماج مبارزه می‌کند.

گوناگون حیات اجتماعی به یک تحول انقلابی دموکراتیک درآستانه می‌سوییم
نیازمند است. انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، غلظت تفاهت دهنها
و آرایش نیروهای طبقاتی آن گماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد.
تا مبنی صلح، آزادی و حقوق دموکراتیک مردم، جدایی دین از دولت،
شناختن حق تعیین سرنوشت خلق‌ها، براندازی کلان سرمایه‌داری، بزرگ
مالکی و محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه‌داری، گسترش بخش دولتی
و تانوی و تعدید بهره‌معا لیت بخش خصوصی و دموکراتیک کردن حقیقتات
اجتماعی - اقتصادی، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، اتخاذ
سیاست خارجی مترقی از عمده‌ترین وظایف انقلاب ملی - دموکراتیک ایران
است که می‌باید در آستانه می‌سوییم انجام پذیرند. شرط ضروری و ضروری
این انقلاب سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات
و اقشار دموکراتیک و انقلابی جامعه و استقرار حاکمیت انقلابی خلق است.

۶ - نیروهای محرکه انقلاب ملی و دموکراتیک ایران عبارتند از: طبقه
کارگر، دهقانان، خرده‌بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی. طبقه کارگر
انقلابی ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است. لایه‌های پاپینی
بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دموکراتیک ذینفع اند، اما قادر به تحول
انقلابی جامعه نیستند. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب و افراد بورژوازی
لیبرال و بخشی کردن ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی برای انجام تحول
انقلابی جامعه ضروری است.

۷ - در انقلاب ملی و دموکراتیک علاوه بر طبقه کارگر، نیروهای طبقاتی
دیگری نیز شریک و ذینفع هستند و تلاش می‌کنند سرکردگی خود را در انقلاب
تا مبنی نما یند. سرنوشت انقلاب با سرکردگی آن گروه می‌خورد، سا زمان
ما با تمام قوا در راه تا مبنی رهبری پرولتاریا در انقلاب ملی و دموکراتیک
ایران، بنیاب اساسی ترین وظیفه استراتژیک خود مبارزه می‌کند. تا مبنی
سرکردگی مستلزم آن است که طبقه کارگر متحد شود، بورژوازی لیبرال
را منفرد و ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی را بخشی سازد و بتواند ستوده
دهقانان، خرده‌بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی را به سوی خود جلب کند.
پیشرفت پیگیری و به فرجام رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در گستر و
تا مبنی رهبری پرولتاریا در این انقلاب و قرار گرفتن پیشاهنگ طبقه کارگر
در رأس قدرت سیاسی است.

۸ - مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار و طبقات خلق تحت
رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، مبارزه در راه وحدت همه پیروان می‌سوییم
علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران، مبارزه در راه تا مبنی اتحاد همه
نیروهای مترقی، دموکراتیک و انقلابی در یک جبهه واحد از عمده‌ترین
وظایف استراتژیک سا زمان در مرحله کنونی و به منظور سرنوشتی رژیم
جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت انقلابی خلق است.

این حاکمیت بر اتحاد و راه داده واحد طبقه کارگر، دهقانان، خرده‌بورژوازی
شهری و روشنفکران خلقی متکی و بازار اعمال آن دولتی دموکراتیک و
انقلابی است که باید بر نامه طبقه کارگر برای انقلاب ملی و دموکراتیک
ایران را به اجرا بگذارد. درجه پیگیری این دولت در اجرای برنامه مذکور
با میزان سهم و نقش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در این حاکمیت بستگی می‌یابد.

۹ - اتحاد نیروهای محرکه انقلاب ملی - دموکراتیک ایران کسسه
استخوانی آن را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می‌دهد، لازمه تحقق
این انقلاب است. تا مبنی این اتحاد وظایف اساسی پیشاهنگ طبقه کارگر
است.

در شرایط کنونی که سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی آماج مقدم جنبش
است، تا مبنی اتحاد دسترنده‌ای از نیروهای انقلابی، دموکراتیک و مترقی
کشور که خواهان صلح، دموکراسی و سرنوشتی رژیم هستند در یک جبهه واحد
ضرورت عاجل دارد. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب شامل دهان جبهه است.

جبهه واحد بر اساس برنامه مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می‌گیرد، تشکیل می‌شود. سازمان برنامه خود را بعنوان برنامه‌ای ——— جبهه‌پیشنهاده می‌کند.

درواه رسیدن به این جبهه سازمان از تائید و گسترش همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای ترقیخواه کشور علیه رژیم استقبال می‌کند.

۱۵ - رژیم جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکسوب قهرآمیز سلب کرده است، تنها راه انتقال قدرت سیاسی به خلق اعمال قهر است. لذا سازمان آماده ساختن توده‌های خلق را برای مبارزه مسلحانه به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه خود می‌داند. در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌توان تمام اشکال مسالمت‌آمیز و قهرآمیز مبارزه را بکار گرفت.

www.iran-archive.com

قطعنامه پنجم و وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران

مبارزه در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و حول برنامه و اساسنامه واحد مبتنی است بر:

- مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران با هدف ارتقاء آن به سطح وحدتی همه جانبه.

- مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی سازمان با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری.

اتحاد عمل و مشاوره و همفکری همه پیروان سوسیالیسم علمی در مبارزه علیه رژیم، علیه امپریالیسم و سرمایه داری و در راه آرمانهای طبقه کارگر ایران مواضع جنبش کمونیستی ایران را تقویت می کند و راه وحدت و نزدیکی کمونیستهای ایران را هموار می نماید. این امر نیازمند جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

- سازمان پیگیرانه در راه گسترش همکاری، اتحاد عمل، مشاوره و همفکری میان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران تلاش می کند.

- سازمان پیگیرانه در راه تأمین اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران تلاش می کند. کار بست اشکال و شیوه های متنوع مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هرگونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونیستی و در راه حفظ یگانگی آن جایز اهمیت اساسی است.

قطعه نامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی درباره تدارک

کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به هیات سیاسی ما موریت داد که امکان برگزاری نخستین کنگره سازمان را از جوانب مختلف بررسی نموده و نتایج را به پلنوم کمیته مرکزی گزارش نماید. پلنوم وسیع کمیته مرکزی با تأیید گزارش هیات سیاسی درباره امکان برگزاری کنگره و نظریه نقش و اهمیت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی کنگره ضرورت آن را مورد تأکید قرار داد و قرار ذیل را صادر نمود:

الف:

۱ - پلنوم وسیع کمیته مرکزی به هیات سیاسی ما موریت می دهد که برگزاری کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را با بکارگیری تمام امکانات در محدوده زمانی معین شده تدارک ببیند و پیشرفت کار را به پلنوم آتی کمیته مرکزی گزارش نماید.

۲ - اسنادی که در دستور کار کنگره قرار خواهد گرفت عبارتند از: ۱ - برنامه سازمان ۲ - اساسنامه سازمان ۳ - گزارش کمیته مرکزی ۴ - گزارش ارگانهای مرکزی ۵ - بررسی تزه های اساسی مربوط به خط مشی سازمان در در سالهای ۶۱ - ۵۷ که در پلنوم وسیع فروردین ۶۵ به تصویب رسیده است.

ب:

- ۱ - هیات سیاسی موظف می گردد که در اولین فرصت اسناد ذیل را جهت تصویب در پلنوم آتی کمیته مرکزی آماده نماید. ۱ - برنامه سازمان ۲ - اساسنامه سازمان
 - ۲ - بدین منظور به هیات سیاسی کمیته مرکزی ما موریت داده می شود با انتخاب کمیسیون هایی که تحت مسئولیت هیات سیاسی کار خواهد کرد برنامه و اساسنامه را تهیه نماید. این اسناد پس از تصویب کمیته مرکزی جهت اظهار نظر عمومی انتشار خواهد نمود. این اسناد پس از تمحیحاتی که بر اساس اصلاحات و پیشنهادات آرایه شده صورت می گیرد توسط کمیته مرکزی تصویب و به کنگره آرایه خواهد شد.
 - ۲ - هیات سیاسی می بایست گزارشات و طرح های زیر را جهت بررسی و تصویب به پلنوم آتی کمیته مرکزی آرایه نماید:
- الف - تعیین تعداد نمایندگان شرکت کننده در کنگره ضوابط و معیارهای عملی انتخاب آنان با توجه به شرایط
- ب - طرح نحوه برگزاری اجلاس کنگره و نحوه گزینش کمیته مرکزی با توجه به اساسنامه سازمان.
- ج - طرح کمیسیون تحقیق.

به مردم ایران

مردم شریف ایران!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریست)، رزمجویان نه‌ترین سلام‌های خود را نشا‌رشا می‌کند. فداییان خلق با مسردم خود پیوند استوار و گسست‌ناپذیری دارند. مادر تاریخ ۱۵ سال رزم و رنج خودروزی را بدون پیگرد و سرکوب‌خونین سپری نکرده‌ایم، اما نه پیگردهای خونین، نه زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها و نه میدان‌های اعدام، هیچ‌کدام نتوانستند فداییان خلق را درهم بشکنند و علی‌رغم آرزوی دژخیمان، در راه خلق فداکار و بی‌گبر و در برابر بردشمنان خلق ستیزنده و تسلیم‌ناپذیر باقی ماندیم. رزم دوام و بقای ما فداییان خلق پیوند استوار با شما مردم ایران است. این پیوندهای بخش و پیروزی آفرین، افتخار و شرف ماست و هیچ نیرویی را برای گسستن آن نیست. بگذار با این حقیقت بزرگ سخن آغاز کنیم تا دشمنان مردم ایران از هراس مرگ بر خود بپرزند.

هم‌میهنان! رژیم استبداد مذهبی خمینی کشور ما را به گورستان مسردم زحمتکش، آزادبخواه و میهن دوست تبدیل کرده است. در چار گوشه میهن ما خانواده‌ای نیست که با درجه‌های بی با زکشت جنگ ایران و عراق و یاد و رشک‌کنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام رژیم خمینی عزیز را ز دست نداد. و در مرگ آن عزادارینا شد مردم ایران در جهنم جنگ و استبداد خمینی می‌سوزند و زگراشی و بی‌کاری، بیماری و گرسنگی، آوارگی و خانه‌بدوشی، تبعیض و بی عدالتی، فساد و رشوه‌خواری و دهاها و صدها بلای تحمیلی رژیم رنج می‌برند. این رژیم خادم کلان‌تاجران و بزرگان مالکان است و در راه تحکیم و استیلا اقتصاد کشور به انحصارات امپریالیستی گام برمی‌دارد. امری که کاملاً سلفه‌سپاسی امپریالیسم بر میهن ما را به دنبال خواهد آورد.

پنج سال و نیم است که کشور در تنور جنگ ایران و عراق می‌سوزد. مردم ایران باید بدانند که ادعای خمینی و دولت‌مردان رژیم او مبنی بر اینکه ختم قوری جنگ ناممکن است یک دروغ بزرگ، بی‌شرمانه و جنایتکارانه است. رژیم خمینی مسئول مستقیم ادامه جنگ، مصیبت‌های مردم و ویرانی میهن ماست. دروغ بزرگ جنایتکارانه خمینی را با ورنکنید. علیه جنگ و ویرانی صلح بنها خیزید.

هم‌میهنان! رژیم ولایت فقیه هیچ‌گونه آزادی و حقوقی را برای شما مردم به رسمیت نمی‌شناسد. احزاب و سازمان‌های انقلابی و ترقیخواه سرکوب می‌شوند. اقلیت‌های ملی و مذهبی در بی حقوقی کامل بر سر می‌برند و در معرض سرکوب و وحشیانه رژیم قرار دارند. تبعیض و ستم در حق زنان پیدا می‌کند. آشکارا حقوق، حرمت و شرف آنها لگدمال می‌شود. نه آزادی تشکیلات سازمان‌های دموکراتیک و اجتماعات، نه آزادی بیان و قلم، نه آزادی نشر مطبوعات و کتاب، هیچ‌گونه آزادی جز آزادی قارت و فریب و سرکوب مردم در کشور وجود ندارد. امنیت قضایی و شغلی از شما مردم سلب شده است. حتی مردم در زندگی فردی و خصوصی شان نیز آزاد نیستند. رژیم، مبارزان صلح و آزادی، بهترین فرزندان شما را بنام "ملحد" و "مناقض" راه می‌کشد و زندان‌ها می‌کند، به شکنجه و صلابه می‌کشد و به جوخه‌های اعدام می‌سپارد.

حکومت فقیه که به نام دین فرمان می‌راند هیچ جایی برای اعمال اراده مردم در تعیین سرنوشت خود باقی نگذاشته است. چاره این ستمگریها، راه‌پایان بخشیدن به استبداد و اختناق، راه دستیابی به صلح پایدار و آزادی نابودی رژیم ولایت فقیه است. برای سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی متحد شویم.

کارگران مبارز! روزیم خمینی پاسدار منافع افسار و طبقات فارتکب
بخصوص تجار و ملاکین است. در روزیم خمینی این گروه کوچک چپا و لگس
هر روز به شربت و مکتب بیشتری دست می یابند در حالی که نصیب شما اخراج
و بیگاری و نصیب خانواده ها اینان گرسنگی و در بهری است. خمینی به خواسته های
عدالتخواهان شما کارگران با گلوله پاسداران خود با شما می گوید و برای
اینکه در احقاق حقوقتان ناتوان بمانید به تفرقه میان شما داد
می زند. در روزیم خمینی در پاسداری از منافع تاجران و ملاکین و سرمایه
داران، اخراج و سرکوب کارگران و جلوگیری از ایجاد تشکل های مستقل
کارگری است.

کارگران مبارز! درفش مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه برای ملیت
و آزادی را در دستهای پرتوان خود برافراشته تر سازید! برای دستیابی به
قانون کار مترقی و در راه ایجاد تشکل های مستقل کارگری علیه اخراج
کارگران مبارزه کنید! هسته های مخفی کارگری را برای رهبری مبارزات
کارگران سازمان دهید و تکلیف شما اینست! به شورا های فرمایشی تن ندهید و
نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنید! مبارزات صنفی خود را گسترش دهید و
آنها را مبارزه در راه ملیت و آزادی پیوند دهید! متحدان دهقانان و بهمنشاهیان
همه زحمتکشان دیگر برای سرنگونی رژیم کارگزاران ولایت فقیه بپا خیزید!
تجزیه انقلاب بهمن می آموزد که طبقه کارگران ایران به شرطی در مبارزه در
راه سرنگونی جمهوری اسلامی به اهداف خود دست نخواهد یافت که تحت رهبری
سازمان سیاسی خود برزسد. سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) سازمان
سیاسی طبقه کارگران ایران است. برای پیروزی خلق، برای آنکه میسوسه
مبارزات شمار دیگران نچینند به سازمان خود بپیوندید.

دهقانان مبارز! رژیم ولایت فقیه مدافع خوانین، فئودالها و بزرگ
مالکان است. در رژیم خمینی نیز نصیب شما دهقانان زحمتکش جز مهاجرت
غربت و آوارگی، فقر و فلاکت نیست. به وعده های رژیم خمینی باور نکنید!
به چشمه ها نروید! علیه بازگشت خوانین و بزرگ مالکان مبارزات خود را
گسترش دهید! به احکام استعماریانه دادگرایان خمینی تن ندهید! متشکل
شوید و با کارگران متحد شوید! بدانید که سازمان فداییان خلق ایران
(اکثریت) با عزم استوار در راه تحقق خواسته ها و آزادهای عدالتخواهان
شما مبارزه می کند.

ملیت های ساکن کشور! از جنایات بزرگ خمینی تشدید بقا و روشناسی
ملی در درون کشور و استقرار رژیم متکی بر زورگویی و تبعیض مذهبی است.

خلق مبارز کرد! رژیم قادیانیت مبارزه بر حق شما را درهم بشکند.
سازمان ما که معتقد به حق تعیین سرنوشت برای همه خلق های این سران
است. از مبارزات شما در راه کسب خودمختاری با تمام نیرو دفاع می کند و
خواستار رفع ستم ملی و برابر حقوقی همه ملیت های ساکن کشور می باشد.
فداییان خلق با تبعیض و برتری طلبی مذهبی خمینی مبارزه می کنند!
مردم در معتقدات خود آزادی پیدا کنند! معتقدات مذهبی در شما را مورد خصوصی
افراد خاص است. به مخالفت دین در حکومت و به حاکمیت فقه با پیدا پس از
داد! در این راه متحد شویم و مبارزات خود را علیه رژیم ولایت فقیه گسترش
دهیم.

زنان مبارز ایران! حرمت و شرف و حقوق شما لگدکوب رژیم ولایت فقیه
است. متشکل شوید و برای دفاع از حیثیت و شرافت خود و حفظ امنیت خانواده
علیه قوانین قرون وسطایی مبارزه کنید! به تعصبات ارتجاعی رژیم
که شما را از تحصیل و اشتغال محروم می کند، تن ندهید. علیه آن مبارزه
نمایند!

جوانان! آینده سازان ایران! رژیم خمینی کشور را به قبرستان بزرگ شما تبدیل کرده است. در مدارس و دانشگاه‌های کشور رژیم می‌کوشند اندیشه آینده ساز جوانان را در زندان تاریک اندیشی به بندگشودن آن را از تاریخ و سنن ترقیخواهان و جنبش دانشجویی ایران بیگانه سازد. محیط آکنده از فساد و اعتیاد که رژیم خمینی پدید آورده آن است زندگی امروز و فردایان را به تباهی تهدیدی کند.

جوانان مبارز! سازمان جوانان پیشگام ایران پاسا ربهترین، انسانی-ترین و انقلابی ترین اهداف و سنن جنبش جوانان کشور است. به سازمان خود بپیوندید و در راه صلح و آزادی و برپایی ایران شکوفان و شاد و سعادت مند، در راه سرنگونی رژیم و ولایت فقیه مبارزه کنید.

پرسنل میهن دوست! رژیم جنگ افروز و ارتجاعی خمینی همچون رژیم شاهنشاهی شما را در برابر متافع ملی و مردم ایران قرار داده است. به این خیانت بزرگ تمکین نکنید! به مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی و ناپودی رژیم و ولایت فقیه باری رسانید.

پرسنل مبارز! صفوف خود را هر چه متشکل تر کنید! پیوند خود را با فداییان خلق استوار سازید! در راه جلب هر چه بیشتر پرسنل میهن دوست به صفوف مبارزه مردم ایران به طرق مقتضی تلاش کنید!

مردم مبارز و آزاده ایران!

خیانت رژیم خمینی به اهداف ترقیخواهان انقلاب بهمین به سلطنت طلبان فرصت ما نوروتیزنگ داده است. آنها ما لوسانه خود را آزاد می‌خواه، استقلال طلب و عدالت گستر معرفی می‌کنند تا اهداف فدملی و فدمردمی شان را از انظار پنهان سازند. هدف پلید آنها این است که سوار بر موج تاریخی مردم حاکمیت سرنگون شده خود را از نو برقرار کنند و کشور را جولانگاه غارت و چپاول هزار قایل میل کرده و میهن بگلشیده ما را دوباره بزرگسلفه همه جانبه امپریالیسم آمریکا در آورند.

پلنوم وسیع کمیته مرکزی در باره خطر سلطنت طلبان به مردم زحمتکش و آزاده ایران هشدار می‌دهد و از آنان می‌طلبد که در برابر فریب این دشمنان آزموده خلق به هوشیاری خود بپنجاینند.

سوما به داران لیبرال نیز مملعت جویانه با قریب دغشم و نفرت مردم هم آوایی می‌کنند. آنها در پی آزادی خود اندوز به شعار "حاکمیت ملی می‌کوشند حاکمیت خود را تا ما مستقر نمایند. هدف این گروه جلب اعتماد مردم به خود و انحراف جنبش توده‌ای از مسیر انقلابی می‌باشد. مردم ایران باید بدانند که لیبرال ها قار در نیستند به خواسته‌های دموکراتیک و انقلابی آنان جا به عمل بپوشانند.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) برای صلح و آزادی و در راه انتقال قدرت حاکمه به مردم زحمتکش و آزاد ایران مبارزه می‌کند. هدف ما استقرار دولتی است که منافع کارگران و دهقانان و اقشار زحمتکش و دموکراتیک جامعه را نمایندگی می‌کند. راهنمای آن اهداف راهی بخش طبقه کارگر ایران است و گام در راه سوسیالیسم، یعنی برپایی ایران مستقل، آزاد و شکوفان و خالی از ستم و تبعیض و بی عدالتی و استثمار دارد. پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، برای تحقق این هدف مقدس همه نیروهای انقلابی، دموکرات و ترقیخواه کشور را که در راه صلح و آزادی و استقلال میهن و سعادت مردم ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع می‌رزمند به اتحاد در جویانه در جبهه متحد خلق برای سرنگونی رژیم خمینی فرا می‌خواند.

به اعضاء و هواداران

رفقا! فداییان خلق!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ، بسسه همه کارها و اعضاء و هواداران رزمنده و جانبا زکده در شرایط پیگردا — ترور و سرکوب خونین ، برای بهروزی خلق و تحقق آماجای رهایی بخش طبقه کارگر ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم قهرمانانه مبارزه می کنند ، رزمجویان نه ترسین درودها را انتشار می کنند .

برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع دستاورد شریک بخش مبارزات شما و پاسخی دشمن شکن کارگران و زحمتکشان میهن ما به تبهکاریهای رژیم استبداد مذهبی خمینی است . پلنوم با پایبندی به مارکسیسم — لنینیسم و انترناسیونالیسم پروولتری ، با نقدشجاعانه خطر مشی گذشته و درس آموزی از تجربه های دور و نزدیک که دست در دست یکدیگر از سرگذرانده ایم و با وفاداری به سوسیالیسم رزمجویان فداییان خلق ، شما را به تسخیر آینده فرا می خواند . با پدید آگه و استوار در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به پیش تازیم و خلق را زیر درفش رهایی بخش طبقه کارگر ایران برای پیروزی رهمنون و رهبر شویم .

رفقا!

ما در شرایط بغرنج و حاسن بین المللی مبارزه می کنیم . هدف سیاستهای جنگ طلبانه و تجا وزگارانه امپریالیسم جهانی تشدید و خامت اوضاع جهانی است . امپریالیسم آمریکا برای مقابله با کشورهای سوسیالیستی ، اعتلای جنبش کارگری و کمونیستی و جنبش دموکراتیک توده های در کشورهای — پیشرفته سرمایه داری ، شکوفایی مبارزه خلقها در راه استقلال و آزادی و ترقی اجتماعی به سیاست شنج فزایی و سابقه تسلحاتی دامنی زندگی نوینهای تازه ای از جنگ و تجا و زد و چار گوشه عالم شعله ورمی سازد . در چنین شرایطی نقش جامعه کشورهای سوسیالیستی ، بویژه اتحاد شوروی بمثابه دژ استوار صلح جهانی و سعادت بشریت و استقلال و آزادی خلقها هر روز اهمیت و اعتبار افزونتری کسب می کند . دفاع از صلح جهانی و پاسداری و همبستگی انترناسیونالیستی بشریت ترقیخواه در راه صلح ، استقلال ، دموکراسی و سوسیالیسم وظیفه خطیر ما کمونیستهاست . پلنوم وسیع شما را به انجام هر چه بیکیترترین وظیفه میهنی و جهانی فرا می خواند .

رفقا!

در میهن ما حاکمیت سیاه و نکبت بار رژیم ولایت فقیه کشور را در بحران اجتماعی و اقتصادی عمیقی فرو برده است . اکنون اکثریت عظیم مردم ما اسیر جنگ و آوارگی ، ترور و استبداد مذهبی ، تبعیض و بی عدالتی ، گرانسی و بیکاری و فقر و فلاکت اند . مردم در رژیم خمینی آینده ای برای خود و فرزندان نشان نمی بینند ، آتش خم — و اعتراض آنان اینجا و آنجا زبا نسسه می کشد و گرمای آن در هر جا احساس می شود ، اما جنبش هنوز پراکنده ، کم دامنه و سازمان نیافته است . نیروهای انقلابی در پراکندگی بسر می برند و هنوز قادر به ایفای نقش ثابسته خود نیستند . توده های مردم رهبران خود را می جویند و ما باید رسالت تاریخی خود را در پیکار رسوشت سازی که در پیش است بطور همه جانبه درک و بدان عمل کنیم . امروز در محیط جنگ و ترور و

اعتراض مردم جاری است. رسالت ما این است که نیروی خلق را متحد کنیم
این جوهر را به یکدیگر پیوند دهیم و از آن شط خروشان خلق را پدید آوریم.
افشای بی امان ستمگریهای رژیم، شرکت فعال در جنبش اعتراضی
و مطالباتی کارگران، دهقانان، زنان و جوانان، کارمندان و روشنفکران
و دیگر اقشار خلق، دفاع استوار از حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی کشور،
پشتیبانی از مبارزات سازمانها و احزاب مترقی که در راه صلح و آزادی و
سرنوشتی رژیم ولایت فقیه مبارزه می‌کنند، اتحاد عمل گسترده با نیروهای
فدا مهربان لیستی و دموکراتیک کشور در راه دستیابی به آماج های سیاسی
و دموکراتیک از وظایف مهم کنونی ما است.

پلنوم وسیع کمیته مرکزی ضرورت گسترش مبارزه در راه دستیابی به
"صلح" و "آزادی" را مورد توجه قرار می‌دهد و با تاکید تازه بر وظایف
سازمان در راه ادامه نبردهای دموکراتیک و فدا مهربان لیستی در جنبه
متحد خلق برای سرنوشتی جمهوری اسلامی تاکید می‌کند.

پلنوم وسیع برای وحدت پیروان سوسیالیسم علمی اهمیت اساسی قایل
شد زیرا با پیروزی واقعی خلق قبل از همه پیگیری در مبارزه در راه وحدت
همه پیروان سوسیالیسم علمی را طلب می‌کند.

قطعتاً ما مصوب پلنوم، مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت
فکری و سیاسی سازمان فدا بیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران
با هدف ارتقا آن به سطح وحدتی همه جانبه و تلاش پیگیر در راه گسترش
همکاری و اتحاد عمل میان این دو گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران
را مورد تاکید قرار داد. در قطعتاً ما مصوب پلنوم، مبارزه در راه تأمین
وحدت فکری و سیاسی سازمان با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست
ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و تلاش
پیگیر در راه تأمین اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات با آنها نیاز
مهم جنبش کارگری و کمونیستی ایران شناخته شد.

رفقای عزیز!

با وریه توانایی و رسالت طبقه کارگر ایران در کسب قدرت سیاسی و استقرار
سوسیالیسم در میهن ما و مبارزه پیگیر در راه تأمین رهبری این طبقه
به اخراج انقلابی در انقلاب ایران، اندیشه راهنا در بینکاران امروز و فردای ما است
پایبندی بی خدشه به این اندیشه سترگ ایجاب می‌کند که به میان کارگران
پروریم، زیرا ما دام که اندامهای تشکیلاتی سازمان ما در هر کارخانه و
کارگاه گسترده نشود، ما دام که کارگران حول منافع آبی و آبی سازمان
متحد نشوند، ما دام که طبقه کارگر ایران تحت رهبری گردانهای پیشاهنگ
خود در صحنه بینکارهای کوچک و بزرگ قدس قرار داشته است، تا مین رهبری
طبقه کارگر در انقلاب هدفی دست نیافتنی باقی خواهد ماند. پس رفقا! در
حالی که ما کمونیست‌ها همواره پیگیرترین و روزگنده‌ترین نیروی سیاسی
کشور برای تأمین "صلح" و "آزادی" و برای سرنوشتی جمهوری اسلامی
در مبارزات سیاسی عمومی فعالانه شرکت می‌کنیم، با تمام نیروی
تسخیر کارخانه‌ها و کارگاه‌ها - در وهله نخست واحدهای بزرگ صنعتی کشور - به
پیش تازیم!

رفقا! جامعه سوسیالیستی - این جامعه عاری از استعمار و استثمار - را به
کارگران میهن ما پیشنهاد کنید. آگاهی نسبت به سوسیالیسم را در میان
کارگران اشاعه دهید!

رفقا!

کار تبلیغی، ترویجی و سازمان‌نگرانه در میان کارگران و زحمتکشسان
پایه و اساس مبارزه ما را در مرحله کنونی تشکیل می‌دهد. توجه به این وظیفه
محوری نباید ما را از انجام دیگر وظایف بازدارد.
تبلیغ هر چه گسترده تر شعارها، بخش وسیع مطبوعات سازمان از وظایف

انقلابی مبرم ماست که باید خلافت‌ها در انجام آن بکوشیم.
زنان در کشور ما در بی حقوقی کامل بسر می‌برند. رژیم ولایت فقیه می‌کوشد با معروف کردن زنان از فعالیت تولیدی و اجتماعی، آنها را در پستوی خانه‌ها و آشپزخانه‌ها محبوس سازد. رژیم خمینی با تنزل مقام انسانی زن تا سطح ماشین زودولید و وسیله عیش و عشرت مردان، شرف و حرمت زنان میهن ماست را رسا و آشکارا لگدکوب کرده است. تحمیلات ارتجاعی رژیم امنیت و ثبات زندگی خانواده‌گی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. در شرایط کشور ما مبارزه زنان در راه احقاق حقوق فردی و اجتماعی خود از اهمیت عمیقاً سیاسی برخوردار است.

باید که فعال سیاسی و سازمان‌گرا را در میان زنان وسعت ببخشیم. گسترش پایگاه هواده‌ای سازمان بدون نگاه کردن زنان زحمتکش و دموکرات از اهداف و سیاست‌ها ما ناممکن است.

جوانان میهن ما در وضعیت اسفباری بسر می‌برند. رژیم ولایت فقیه می‌کوشد تا سرزندگی، تحرک و شور و شوق جوانان را در خدمت و پیرا نگری، جنگ، خرافه‌پرستی و اهداف بی‌غایت ارتجاعی خود درآورد. اکنون جبهه‌های جنگ بی‌قربان نگاه بزرگ جوانان را تبدیل شده و اعتبار و دوفساد انحطاط اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی زندگی جوانان را تهدید می‌کند.

نیروی پرتحرک، سرزنده، رزمجو و شاداب جوانان باید در خدمت اهداف انقلابی درآید. همه‌رقا می‌بایست به اهمیت کار در میان جوانان توجه نماید و خلاقانه تلاش کند که نیروی بالنده و آینده ساز جوانان را در خدمت اهداف رها بی‌بخش طبقه کارگر ابران درآورد.

برای جلب زنان و جوانان زحمتکش به صفوف سازمان، کار در محلات زحمتکش نشین باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. تقویت و تحکیم سازمان جوانان به پیشگام ایران و سازماندهی جوانان هوادار سازمان در آن وظیفه‌ای است فوق العاده مهم و سرنوشت‌ساز که انجام آن به تلاش پیگیر همه ما بستگی می‌باید.

رژیم دژخیم خمینی بهترین رفقای ما و شایسته‌ترین فرزندان خلف خلق را به زندان و شکنجه می‌کشد. حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده‌آنها، که شعله‌های پرفروغ رژیم و ایستادگی خلقند، از اولاترین وظایف انقلابی و انسانی ماست. بهر شکل و بهر میزان که می‌توانید در این راه بکوشید. پیوند و ارتباط خود را با خانواده‌های شهدای سازمان و دیگر انقلابیون خلق مستحکم کنید.

رفقا!

تلفیق خلافت‌ها کار مخفی با فعالیت علنی، برای تحکیم پیوند سازمان با توده‌های مردم دارای اهمیت کلیدی است. حفظ تشکیلات در برابر یورشهای دشمن مقدم‌ترین، مبرم‌ترین و مهمترین وظیفه روزمه ماست. تسدرت و نفوذ ما ناشی از حفظ و گسترش تشکیلات ماست. در این راه تجارب نبرد خونین فداییان خلق در دوران سیطره ساواک شامشاهی پشتوانه‌ای بسزای بیگانه‌زادان مروز ماست. باید تجارب را بکار گرفت. و از آن مهمتر باید تجارب گذشته را با آموزش‌ها و تجربه‌های تازه غنی‌تر کرد.

پلنوم وسیع از همه اعضا و هواداران می‌طلبند که با رعایت دقیق و کامل فن مبارزه با پلیس سیاسی و رعایت اصول کار مخفی و علنی با نقشه‌های شوم ساواک خمینی که متوجه وارد آوردن ضربات سخت به سازمان ماست به مقابله برخیزند. در شرایط کنونی شناخت دقیق و خنثی کردن به موقع پیگرد هسا، تعقیب و مراقبت‌ها، نقش قطعی در جلوگیری و بی‌اثر کردن یورش رژیم ایفا می‌نماید.

نفوذ عوامل دشمن به تشکیلات سازمان از تاکتیک‌های عمده ساواک خمینی برای درهم‌شکستن ماست. با افزایش هوشیاری انقلابی، دسایس رژیم را خنثی کنید.

در صفوف و ارگانهای سرکوب رژیم سوجدوبیم و با هوشیاری و آیهنده نگری کامل
رخنه های عمیق و عمیق تری در پیکر روتبه زوال آن ایجاد نمائیم .

رفقا !

شرکت گروه بزرگی از کادرهای مسئول در پلنوم وسیع فروردین ۱۳۶۵ و
تصویب قرار برگزاری نخستین کنگره سازمان در این پلنوم ، دستاورد
درخشان ما در راه تامین ساختار لایزم - دموکراتیک و استقرار موازیمن
لنینی در حیات درونی سازمان می باشد . پلنوم وسیع شما رابه شرکت هر چه
فعالتر در تعیین سرنوشت سازمان خود و قبول مسئولیت و تضابط هر چه
آگاهانه تر در قبال آن فرامی خواند .

رفقا ! نیروی ما در آگاهی ماست . پلنوم وسیع شما رابه تجهیز بیش از
پیش به ما رکسیم - کئینسیم و انترناسیونالیسم پرولتری فرامی خواند .
رفقا ! نیروی ما در پیوند با توده های دهها میلیون زحمتکشان میهن
ماست . پلنوم وسیع شما رابه جستجوی خلافتان کار توده ای ، تلفیق ما هرانسه
کار مخفی و علنی ، راههای سازمانگری و ارتقاء آگاهی وسط شکل کارگران
دهقانان و همه زحمتکشان کشور و تحکیم پیوند سازمان با آنان فرامی خواند .
رفقا ! نیروی ما در وحدت ایدئولوژیک ، سیاسی و تشکیلاتی ماست . پلنوم
وسیع شما را فرامی خواند که بیش از هر زمانی بگرد کمیته مرکزی حلقه زتید و
از انسجام و یکپارچگی و یکابیزگی ایدئولوژیک ، سیاسی و تشکیلاتی سازمان
رزمنده مان چون مردمک چشم پاسداری کنیم .

ما به پیروزی خود ایمان داریم ! ... ما پیروزی شویم !

www.iran-archive.com

به نیروهای صلحدوست و ترقیخواه جهان

نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان!

دولت ریگان، سخنگوی مرتجع ترین محافل امپریالیستی، با ادا مسه
چون آمیزمبا بقیه تسلیحات هسته‌ای و توسعه آن به فضای کیهانی، جهسان
را به لبه پرتگاه جنگ هولناک هسته‌ای گشاده است. در هیچ زمانی ما ننسند
زمان ما، بشریت اینچنین نگران نابودی زندگی در سیاره زمین - این
خانه مشترک ما - نبوده است.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نگرانی عمیق خود را از مواقبت
این سیاست‌های جنایتکارانه دولت ریگان ابراز می‌دارد. ما محافل
جنگ طلب امپریالیستی را مسئول مستقیم و خامت اوضاع بین‌المللی
می‌شناسیم و عمیقاً اعتقاد داریم که مقابله با سیاست‌های میلیتاریستی
و تجاوزکارانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و مشترک
همه خلقهای جهان است.

سازمان ما، نگرانی مسئولانه خود را از تشدید چگون آمیزمبا بقیه تسلیحاتی
ما جراحی و تهاجوزگرایی امپریالیسم آمریکا و نسبت به خطر بزرگی که از این
ناحیه صلح جهانی را تهدید می‌کند ابراز می‌دارد. ما سیاست‌های تجاوز-
کارانه و میلیتاریستی امپریالیسم آمریکا را محکوم می‌کنیم و خواهان
گسترش پیکار جهانی برای حفظ صلح می‌باشیم.

ما همبستگی خود را با جنبش بین‌المللی ضد جنگ اعلام می‌داریم و از ابتکار
و پیششهادت اتحاد شوروی برای حفظ صلح جهانی، بویژه در زمینه نابودی

سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی تا پایان قرن حاضر، قویا پشتیبانی می‌کنیم.

تجاوز علیه خلقهای سراسر جهان عنصر تشدید پذیرد سرشت امپریالیسم
است که راه‌زنی جنایتبار بمب افکن‌های دولت ریگان علیه خلق لبیبی‌نشان
رشد و تشدید آن می‌باشد. دشمنی لجام گسیخته با نیروهای صلح و سوسیالیسم

پشتیبانی از رژیم‌های نژادپرست و ارتجاعی در سراسر جهان، تحمیل جنگ
و فقر ویرانی، به خلقهایی که در راه آزادی و سعادت و پیشرفت خود

می‌رزمند، چنین است‌سیمیای گریه امپریالیسم، سازمان ما جنگ اعلام‌نشده
امپریالیسم و ارتجاع علیه خلقهای افغانستان، نیکاراگوئه و انگولارا که

توسط امپریالیسم آمریکا رهبری می‌شود، با ردیگر عمیقاً محکوم می‌کنند و
همبستگی برادرانه فداییان خلق را با حزب دموکراتیک خلق افغانستان
جنبه مردمی آزادیبخش ساندینیست و حزب کارنگولارا اعلام می‌دارد.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با شوری و صف‌ناپذیر به مردم
قهرمان آفریقای جنوبی که تحت رهبری گنگره ملی آفریقا علیه رژیم
نژادپرست و در راه‌هایی ملی و اجتماعی می‌رزمند درود می‌فرستد و همبستگی

رزمجویانه خود را با مبارزه دلاورانه آنها اعلام می‌دارد.
ما با ردیگر با مردم و انقلابیون شیلی که پیروز مندانان علیه رژیم
خون‌آشام پینوشه در پیکارند، اعلام همبستگی می‌کنیم. ما همچنین

پشتیبانی خود را از نبرد مردم و مبارزین نامیبیا اعلام‌داشته و خود را در کنار
آنان احساس می‌کنیم.

سازمان ما پشتیبانی خود را از خلقهای فلسطین و لبنان مورد تهاجذ قرا
می‌دهد و تشبیهات ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی ایران را که متوجه انشقاق
و تفرقه در صفوف مبارزان فلسطینی و لبنانی و تحمیل رژیم ارتجاعی
از روی الگوی "ولایت فقیه" به مردم لبنان است، قویا محکوم می‌نماید.

ایران و عراق، شعله و راست و سران جنگ طلب رژیم جمهوری اسلامی ایران،
 نفاطاً طرفاً اهداف ارتجاعی خود را برپه پامان دادند آن نیستند. در نتیجه این
 جنگ خانمانسوز مدتها را ایرانی و عراقی کشته و معلول شده اند. آمار
 آوارگان، بنا بر پدیدشدگان و آسزای جنگی ایران به مرز ۲۶۵ میلیون می رسد،
 بخش های بزرگی از صنعت و کشاورزی دره استان کشور ما نابود شده و از ۵۱ شهر
 ۲۹۱ روستای میهن ما جز خرابه ای باقی نمانده است. این جنگ بر علیه
 هدفهای ترقی خواهانه و بزمیان منافع خلقهای ایران و عراق و دیگر خلقهای
 منطقه ما شعله ور گردید و چون اهرمی برای تحکیم سلطه ارتجاع و پیشبرد سیاست
 مداخله گرانه و میلیتاریستی امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه بکار
 گرفته شد. جنگ ایران و عراق دستاویز امپریالیسم آمریکا برای تثبیت
 منطقه ما به ابزار سلاح های مرمکبار، تشدید جنگ های فزاینده و خطر بزرگی برای
 صلح جهان است.

مردم ما خواهان صلح و اهدو برای پایان بخشیدن به مصیبت های گرانبار
 جنگ علیه رژیم جنگ خمینی بیگانه می کشند. دست یابی به صلح هدف
 مقدم مبارزه مردم ما علیه ارتجاع و امپریالیسم است. ما پشتیبانی
 پیش از پیش شما را از مبارزات مردم خود طلب می کنیم. فریاد اعتراض خود
 را علیه ادامه جنگ ایران و عراق رسا تر سازید.

مردم آزاده جهان! در رژیم استبداد مذهبی خمینی، کماکان همه
 آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم به خشن ترین شکل پامان
 می گردد. در رژیم جمهوری اسلامی ایران هیچیک از اصول پذیرفته شده
 "حقوق بشر" جایی ندارد. رژیم خمینی که همچون نمونه های قرون وسطایی
 بنام "حکومت الهی" بر سر نوشت و مقدرات مردم و میهن ما حکم می راند
 بر سر نیزه پاداران خود متکی است. رژیم ولایت فقیه به جنایت ضد جنگ
 مردم و مطالبات کارگران، دهقانان و کشاورزان و جوانان و جوانان
 و اقلیت های ملی و مذهبی کشور با شلیک گلوله پاسخ می گوید. در شکنجه های
 رژیم، میهن پرستان و نیروهای صلح دوست و ترقی خواه کشور زجر کش می شوند.
 زندانیان سیاسی را همه شب و روز و وسطی و هم با مدرن ترین ابزار شکنجه و
 آزار می دهند. زندانیان سیاسی در دادگاه های قرون وسطایی، بدون
 آنکه حق دفاع از خود داشته باشند محکوم به مرگ می شوند. در بسیاری موارد
 فعالین سیاسی بدون محاکمه به جوخه های اعدام سپرده می شوند.
 هم اکنون دهها هزار فعال سیاسی در اسارت استبداد مذهبی
 در اسارتگاه های رژیم بسر می برند و سر نوشت و آینده آنها نامعلوم است. در
 طول دو سال گذشته، آزمان رهبران و کادرهای مسئول سازمان ما ۱۲۰ تن
 در شکنجه ها و میدانهای اعدام رژیم به شهادت رسیده اند.
 سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با سیاست گزاری از حمایت
 بین المللی معاف ترقی خواه جهان از مبارزات مردم ایران، از همه مردم
 آزاده جهان، از سازمانهای دموکراتیک بین المللی، از کلیه احزاب و
 سازمانهای مترقی دعوت می کند همچنان حمایت خود را از مبارزات مردم
 میهن ما در راه تأمین صلح و آزادی و راهی زندانیان سیاسی گسترش دهند.

پایدار با صلح جهان شو
 پایدار با دهمبستگی فدا مهربانیستی تمام مردم جهان
 گسترده با دهمبستگی بین المللی با مبارزات مردم
 ایران در راه صلح و آزادی و نجات جان زندانیان سیاسی

به زندانیان سیاسی

همزمان دربند!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به شما فرزندان راستین خلق که در دشواری و غمناکی و غیر انسانی ترین شرایط، پنجه در پنجه دژخیمان به دفاع از آرمان های ترقیخواهان خود ایستادهاید با شوری وصفنا پذیر درودی فرستد.

رفقای دربند!

مردم همه مبارزان ایران، با بمرودی و استواریتان را در اما رنگاها و شکنجهگاههای رژیم جبار خمینی جلوه تا بناکی از عزم و رزم خود می شناسند که صبح آزادی را نوید می دهد. سنت قهرمانی و پایداری در جنگال خون چکان دژخیمان همواره از حماسی ترین فصول تاریخ مبارزات فداییان خلق بوده است.

به تاریخ می توان دروغ گفت اما تاریخ دروغ نمی گوید. به گواهی تاریخ، دژخیمان در به زانو خوردن انقلابیون کمونیست جز جنگ و شکست طرفی نبسته اند. کاروان عیدرخان و آرائی با روزهها، چرتی ها... و امروز تا بان ها، غیرایسی ها، کیمنش ها، قزلهها... در گذراست. تاریخ پیگسار خلق قهرمان ما در راه رهایی ملی و اجتماعی با خون سرخ و مقدس کمونیستهای ایران برشته تحریر درآمده است. ما راضی توان به زانو خوردن و سنت مبارزندان ما و شکنجهگاهها این است که در برابر دژخیمان گوش به صدای پای خلق بپساریم و چونان خلق، برپا ایستاده و افراشته سر بر دژخیم پوزخند و تقییر و شکست زسیم. ما از شما که به شایستگی بهترین سنن جنبش انقلابی مردم میهنمان را پاس می دارید نیرو می گیریم و پایداری می آموزیم. اکنون حماسه مقاومت شما برگ های زرین تازه ای بر تاریخ افتخارات جنبش ما افزوده است که الهام بخش مبارزان راه صلح و آزادی و سعادت خلقها در سراسر جهان است.

همزمان دربند!

رژیم ولایت فقیه جا معه را در بحران همه جانبه ای فرو برده است. جنگ، استبداد دمدی، ورشکستگی اقتصادی، انحطاط فرهنگی مبین ما را به تنهایی کشانده است. خیانت رژیم خمینی به اهداف ترقیخواهان انقلاب بهمین با نفرت ستیزنده توده های مردم روبروست. مبارزات توده های زحمتکش در شهرها و روستا های کشور علیه رژیم ولایت فقیه هر روز گسترش تازه ای می یابد. مبارزات کارگران پیشاپیش جنبش توده ای و سرعت می گیرد و زرقا و سازمان می یابد. رژیم خمینی بنا به سرشت ارتجاعی خود که پاسدار منافع اقلیت و طبقات فاسد و رنجبر خصوصی تجار و ملاکین است با گلوله های آتشین به خواستهای عدالت خواهان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش و دیوکرات جامعه پاسخ می گوید اما قادر نیست از رشد و تعمیق مبارزات مردم جلوگیری کند.

انقلابیون و مبارزان راه صلح و آزادی که آماج سرکوب و حشانه رژیم اند پیوند خود را با مردم استوار و استوارتر می سازند. در این میان سازمان ما، بمثابه گردانی از پیشاهنگ طبقه کارگر ایران با گام های مطمئن به سوی جایگاه شایسته خود در میان کارگران و زحمتکشان کشور راه می گشاید. سازمان ما می گوشتد پیش از پیش رهبری مبارزات کارگران را به دست گیرد و نقش هادیت کننده خود را در جنبش انقلابی خلق ارتقاء ببخشد. این همه گواه آن است که رزم رنجبار زحمتکشان و انقلابیون کشور، در زندان و بیرون از زندان

نیروبخش پلنوم وسیع کمیته مرکزی ما زمان قدا بیان خلق ایران (اکثریت) به شما زندانیان سیاسی ایران .

همزمان در بند! هدف جلادان خمینی رژیم شکن من روحیه مقابله و م
ورز مجو با نه شماست . شکنجه های وحشتناک جسمی و روحی حربه جنايتکارانه
رژيم در دستيابی به اين مقصود پلیداست . رژیم برای درهم شکستن شما تخم
شردیدمی پراکنده و تلاش می کند در صفوف متحدان رخصه بچا دکنده و بیوندتسا ن
را با مبارزات مردم و سا زمانهای انقلابی و ترقیخواه کشور بگسلد . بر عهده
شماست که توطئه جنايتکارانه رژیم را بی اثر سازید .

شما معتقدات سیاسی و مسلکی متفاوتی دارید با این حال بیگرمه شما
رایک تازیانه می در دوقلب یا رانتا ن را یک شلیک از حرکت بازمی دارد . پس
صرف نظر از تفاوت های سیاسی و مسلکی ، همگاری و اتحاد عمل خود را علیه
جلادان رژیم که به یکسان بر شما ستم روا می دارند ، تحکیم کنید . ما از شما
می طلبیم که در این راه بیگمرا نه بکوشید زیرا تنها با سلاح اتحاد می توان
دشمن جبار را در پیشبرد اهداف پلیدش شکست داد .

سنت پراچ انقلابیون در زندان ایران یعنی تبدیل زندان به مرکز تبادل
تجربه انقلابی توسط شما باید پاس داشته شود . نگذارید نیروی خلاقه شما
آنگونه که دشمن می طلبد در پشت حصارهای زندان به رنجبر کشیده شود .
کوشش برای ارتقاء سطح آگاهی ایدئولوژیک - سیاسی و معلومات فرهنگی
و علمی خود و دیگر زندانیان ، پی جویی تحولات سیاسی ایران و جهان ، تلاش
برای تحکیم ارتباطات با جنبش انقلابی مردم ایران ، ابتکار و خلاقیت در کسب
اخبار از خارج زندان از راه وظایف انقلابی شماست . اطمینان داریم که با
انجام شجاعانه وظایف فوق ، سرفرازتر از همیشه ، سهم شایسته تری در جنبش
انقلابی مردم ایران احراز خواهید کرد .

رفقای در بند! افشای پیگیر جنایات رژیم و آگاهی افکار عمومی
ایران و جهان از حقایق موهشی که در زندانهای کشور می گذرد به نفع
رژيم انجامیده و نتایج ابدی و نامتوجه آن ساخته است . اکنون فریب داد اعتراض
مردم ایران به شکنجه های هولناک فرزندان خود را همیشه ظهیر انداز
است و مبارزه آنان برای آزادی زندانیان سیاسی هر روز خصلت سا زمان یافته تر
و گسترده تری می یابد . در نتیجه جنبش اعتراضی مردم و در بر ترو و شکنجری
ما و دیگر نیروهای ترقیخواه کشور ، همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی
ایران گسترش یافته است . در کارزار جهانی برای نجات جان زندانیان
سیاسی ایران ، مدتها سا زمان انقلابی ، دموکرات و بشردوست در سراسر جهان
شرکت فعال دارند .

ما اطمینان قاطع داریم که مبارزه متحد مردم ما سرانجام دیوارهای
بلند زندان خمینی را فرو خواهد ریخت . نیروی خروشان خلق بیهرولاده های
سردندان خمینی نیز چیره خواهد شد . خلق خروشنده فرزندان راستین
خود را از ظلمت اسارت و شکنجه ها خواهد ساخت و در روشنی آزادی در آغوش
خواهد افتد .

شب زندان و شکنجه با سپیده آزادی پایان خواهد گرفت .

درو آتشین به زندانیان سیاسی ایران

زنده باد آزادی - مرگ بر رژیم ولایت فقیه

گسترده تر با دمبارزات مردم ایران و جهان
برای آزادی زندانیان سیاسی

پیام پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

با دروهای پرشور و رقیقانه به حزب برادر حزب کمونیست عراق که در شرایط
دیگه توری خونین حاکم پرکشور برای برقراری صلح، دموکراسی و در راه
سوسیالیسم، آرمان والای طبقه کارگر بیگانه می کند.

رفقای ارجمند!

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مراتب
همبستگی رقیقانه و انترناسیونالیستی خود را به شما رفقای کمیته مرکزی
حزب کمونیست عراق و از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزب شما و همسره
انقلابیون و نیروهای میهن پرست عراق که نبردی قهرمانانه و قهرآمیز را
علیه رژیم سرکوبگر و آزادی گش حاکم بر عراق به پیش می برند، ابراز
می دارد.

رفقای گرامسی!

مخالف ارتجاعی امپریالیستی که با تشدید تها و زگر بیهای خود علیه خلقهای
جهان و شعله ورنگه داشتن جنگهای منطقه ای صلح جهانی را به خطر انداخته است
با بهره گیری از تداوم جنگ ایران و عراق برای پیشبرد سیاستهای توطئه گرانه
خود بر منطقه خاورمیانه، تها و زد و منشا نه علیه خلقهای فلسطین و لبنان
و گسترش جنگهای برادر کشی در لبنان، امتیث را از مردم سلب و خسارتهای
چنانکاهی متوجه مردم و کشورهای این منطقه کرده اند. پلنوم مراتب
انزجار خود را از این ددمنشی های امپریالیسم و صهیونیسم و عمال آن و اوتجاع
منطقه اعلام می دارد.

مبارزه مشترک خلقهای ما علیه جنگ خانمانسوز و در راه برقراری صلح،
سرنوشت خلقهای ما را بهم پیوند زده است. قطع جنگ ایران و عراق که برای
زحمتکشان هر دو کشور چیزی جز سیه روزی و قربانیهای بی شمار همراه نیاورد
است، از هدف های مشترک ما و شماست اکنون که نفرت از جنگ و سیاستهای
جنگ طلبانه و ضد خلقی رژیم های ایران و عراق در دل خلقهای ما شدید و
شدید ترمی شوه بیگانه پرزورک مردم دو کشور ما علیه جنگ و در راه سرنوشتی
رژیمهای استبدادی ایران و عراق و استقرار رژیم های دموکراتیک بر پایه
خواست و اراده آزاد مردم کشورهای ما گسترش روز افزون می باید. پلنوم
وسیع اهمیت خاصی برای گسترش مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی
قابل گردید. همه نیروهای انقلابی، فدا میبرای لیست و دموکرات ایران را که
در راه صلح و آزادی و علیه رژیم استبداد مذهبی خمینی بیگانه می کنند به
اتحاد و همجواری فراخوانده است.

ما با اطمینان به پیروزی و آینده تابناک خلقهای ما با همه توان
در راه تحقق آماج های مشترک بیگانه می کنیم. یقین داریم که روابط
صمیمانه بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بین
سازمان ما و حزب برادر حزب کمونیست عراق، و مساعده های متقابل به جنبش
انقلابی خلقهای دو کشور روز پیروزی زحمتکشان ما را نزدیک تر خواهد کرد.

مستحکم تر با دهبوندا نخرنا سیونالیستی
حزب کمونیست عراق و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با دروهای رقیقانه

به کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

با درودهای آتشین به رفقای رزمنده کمونیست و خلق قهرمان و بیباک
آفریقای جنوبی

رفقای گرامی!

پیکار خونین، دلاورانه و بیگناهی که خلق شما علیه رژیم نژادپرست
و ضد بشری "بوئا" تحت رهبری گنجره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای
جنوبی که پایه های رژیم بوئا را بلرزده در آورده است، الهام بخش مبارزات
خلقهای سراسر جهان علیه امپریالیسم و استعمار است.
پانوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدا بیان خلق ایران (اکثریت)، مراتب
عمیق همبستگی انترناسیونالیستی خود را با حزب کمونیست
آفریقای جنوبی و خلق قهرمان آفریقای جنوبی اعلام می دارد. کمونیستهای
ایران و سایر نیروهای انقلابی و همه مردم زحمتکش کشور ما با علاقمندی
و توجه فراوان به کارها دلانگه و بیرحم طبقه کارگر، خلق قهرمان شما را دنبال
می کنند و ضمن نفرت عمیق از جنایات بی شمار حکومت نژادپرست و پستیبانان
امپریالیست آن همبستگی و حمایت قاطع خود را از مبارزه مردم شما برای
سرنوشتی این رژیم جنایتکار را بر ازمی دارند.

رفقای عزیز!

رژیم "بوئا" که دیگر قادر به تسلط اوضاع کشور نیست روز بروز خفرتور
و بی ایروتر می شود، در مقابل مبارزات عادلانه و جنبش انقلابی مردم شما
با دامنه و نیروی روز افزون تری در راه پیروزی به پیش می رود و حمایت
گسترده تر و انبوه تر بشریت مترقی و ملج دوست و نیروهای انقلابی سراسر
جهان برخوردار می گردد.
پانوم وسیع کمیته مرکزی سازمان به پیروزی حتمی و آینده تابناک
خلق شما اطمینان کامل دارد و با دیگر حمایت همه جانبه و قاطع خود را از
پیکارها دلانگه خلق شما اعلام می دارد.

زنده باد حزب کمونیست آفریقای جنوبی

مستحکم تر باد روابط برادرانه و انترناسیونالیستی حزب
کمونیست آفریقای جنوبی و سازمان فدا بیان خلق ایران (اکثریت)
پیروزی دخلق قهرمان آفریقای جنوبی
مستحکم تر باد پیوند خلق های ایران و آفریقای جنوبی

پیروزباده مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

www.iran-archive.com